

چاپ دوم



آشارات آسان مدرس رضوی

شکرت پبشر
۱۳۵

مهدی منظر

یا

ناموس اعظم حق

در کلام امام هشتم علیه السلام

تألیف

محسن کتابچی

مهدی منتظر
یا
ناموس اعظم حق
در کلام امام هشتم علیه السلام

تألیف
محسن کتابچی

کتابچی، محسن، ۱۳۴۰ -

مهدی منتظر، یا، ناموس اعظم حق در کلام امام هشتم علیه السلام / تألیف
محسن کتابچی. - مشهد: شرکت به نشر، ۱۳۷۸.

۱۴۴ ص. : جدول. - (انتشارات آستان قدس رضوی، شرکت به نشر؛ ۱۳۵)

ISBN 964-333-407-4

شابک: ۴ - ۴۰۷ - ۳۳۳ - ۹۶۴

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیر نویس.

۱. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - احادیث. ۲. مهدویت -

انتظار - احادیث. الف. علی بن موسی (ع)، امام هشتم، ۱۵۳ - ۲۰۳ ق. ب. شرکت

به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی). ج. عنوان. د. عنوان: ناموس اعظم حق در

کلام امام هشتم علیه السلام.

۲۹۷ / ۹۵۹

BP ۵۱ / ك ۲م ۹

م ۷۸ - ۱۶۸۰۵

کتابخانه ملی ایران



آستان قدس رضوی

شرکت نشر

۱۳۵

مهدی منتظر یا ناموس اعظم حق در کلام امام هشتم علیه السلام

محسن کتابچی

چاپ دوم / ۱۳۸۰

رقعی - ۳۳۰۰ نسخه

امور فنی و چاپ: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

شابک ۴ - ۴۰۷ - ۳۳۳ - ۹۶۴

حق چاپ محفوظ است

انتشارات آستان قدس رضوی (شرکت به نشر)

دفتر مرکزی: مشهد، ص. پ ۴۹۶۹ / ۹۱۳۷۵، تلفن ۸۵۴۹۲۹۲، ۸۵۱۱۱۷۰

دورنویس ۷-۸۵۱۱۱۳۶

دفتر تهران: ۸۹۶۲۳۰۱، ۸۹۶۰۶۲۰ - دفتر اصفهان: ۶۷۳۶۷۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

۵	مقدمه
۷	مفهوم انتظار و انواع آن
۱۰	انواع انتظار فرج
۱۳	انتظار سازنده
۱۳	انتظار ویرانگر
۱۶	هشدار امام رضا (ع) در مورد گروه منتظران غیر واقعی
۱۹	لزوم احتیاج به امام زمان در کلام امام رضا (ع)
۱۹	۱- نیاز تشریحی
۲۲	۲- نیاز تکوینی
۲۵	فلسفه غیبت امام زمان
۲۵	۱- اراده الهی
۲۷	۲- ایمنی از شر دشمنان
۲۹	۳- آزمایش انسانها
۳۱	۴- به گردن نداشتن بیعت
۳۲	۵- آماده شدن اوضاع جهان
۳۵	فلسفه انتظار در کلام امام رضا (ع)
۳۵	۱- خودسازی فردی
۳۷	۲- خودیاریهای اجتماعی

- ۴۱ ۳- عدم سازش با انحرافات محیط
- ۴۳ علائم و نشانه‌های قبل از ظهور حضرت مهدی (عج) در کلام امام رضا (ع)
- ۴۳ مقدمه
- ۴۶ مشخصات ظهور
- ۴۷ مکان ظهور
- ۴۸ حالت امام در هنگام ظهور
- ۵۲ اقدامات حضرت قائم در زمان ظهور
- ۶۴ مشخصات حضرت مهدی [عج] در کلام امام رضا (ع)
- ۷۴ بشارت به یاران حضرت مهدی [عج]
- ۷۵ وظایف شیعیان در عصر غیبت در کلام امام رضا (ع)
- ۱۳۶ دعای مخصوص برای حفظ حضرت صاحب الامر (عج)
- ۱۴۲ نامهای مقدس حضرت مهدی (عج) در قرآن و روایات دینی
- ۱۴۳ نامهای مقدس حضرت مهدی (عج) در کتب مذهبی ملل مختلف جهان
- ۱۴۵ فهرست روایاتی که مشخصات حضرت مهدی (عج) در آنها وارد شده است

مقدمه

سازمان نبوت و ولایت همچون شجره طیبه‌ای است که ریشهٔ اولیهٔ آن توسط پیامبر اکرم (ص) کاشته شده، و امیر مؤمنان علی (ع) فرع آن، و امامان که از ذریهٔ آنها هستند، هر يك شاخه‌های این درختند که در هر زمان پرورش یافته، و برگ و میوه‌ای داده‌اند. علم امامان میوهٔ این درخت و پیروان با ایمانشان برگهای این درختند.

آخرین محصول این شجرهٔ طیبه، وجود مقدس امام دوازدهم (عج) است که به وقت قیام او دنیا نمونه‌ای از صحنهٔ قیامت خواهد شد.

آری! همان‌گونه که در عصر تاریک جاهلیت نور پرفروغ اسلام رهبریهای پاک پیامبر (ص) در دلها تابید، به هنگام فرورفتن جهان در تاریکی و ظلمت ظلم و ستم، سپیدهٔ صبح قیام حضرت مهدی هم می‌درخشد. زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود، بندگان خدا از نور آفتاب بی‌نیاز می‌شوند، ظلمت از صفحهٔ گیتی برطرف می‌گردد.

بر این اساس، معرفت و اعتقاد به وجود مقدس امام زمان (عج) از پایگاههای مهم آموزشهای اخلاقی و پرورشهای انسانی است. مطالعه در آثار و اخبار مربوط به امام زمان (عج) نقش مؤثری در بیداری و هشیاری جان و اندیشهٔ انسان دارد. به عقل وی حیات معنوی می‌بخشد. استعدادهای خفته را بیدار می‌کند. همچنین آدمی را در برابر مشکلات امیدوار و نیرومند می‌کند و به استقامت وامی‌دارد و به همهٔ

تلاشهایش نشاط و نیرو می‌دهد.

بی‌معرفتان کوی دوست، کوران بی‌بصری هستند که پشت دیوار
زندگی سرگردان مانده و خود را از مواهب حیات محروم نموده‌اند.
ما آن‌گاه بحقیقت زنده هستیم و از مرگ و خمودگی نجات
یافته‌ایم که با شناخت راستین امام زمان، و گام نهادن در راه جلب
رضایتش به زندگیمان معنا و هدف بخشیم. آن وقت است که براساس
این اعتقاد مقدّس، قلبمان آرام می‌گردد و از هر نوع اسارت فکری،
فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، آزاد می‌شود، زندگیمان بحقیقت شکل
می‌گیرد و برنامه‌توحیدی و انسانی می‌یابد.

کتاب حاضر، مجموع روایاتی است از امام هشتم علیه‌السلام که
در زمینه‌های مختلف درباره آن بزرگوار نقل شده، و هر روایت به حسب
موضوع خود، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. امید است این اثر
شعله‌ای از مشعل فروزان محبت به حضرت مهدی عجل‌الله تعالی
فرجه‌الشریف را در دلها بی‌فروزد، و حالت انتظار ظهور مصلح بزرگ را
در دل‌های حقیقت‌جویان فراهم آورد. ان شاء الله

محسن کتابچی

اصفهان، ۱۳۷۸

مفهوم انتظار و انواع آن

موضوع انتظار، در قرآن از يك اصل کلی نشأت گرفته، و آن هم اصل «حرمت یأس از رحمت الهی»^۱ است. روایاتی که از امام هشتم (ع) و دیگر پیشوایان معصوم درباره موضوع انتظار وجود دارد همگی گویای این مطلب است که مؤمن واقعی در هیچ شرایطی تسلیم یأس و بیهوده گرایی نمی شود. زیرا او همواره به آینده‌ای درخشان امیدوار است و در انتظار تحولی سازنده به سر می برد، پس بناچار خود را ملزم می داند که با تلاش و کوشش خستگی ناپذیر، و آمادگی فراوان روحی و فکری و رزمی، شایستگی چنان موقعیتی را احراز نماید. امام رضا (ع) فرموده است:

گمان خود را به خداوند نیکو ساز و به رحمتش امیدوار باش که خداوند می فرماید: «عمل من با بنده مؤمن طبق گمانی است که او به من دارد. اگر گمانش نسبت به من خوب و امیدبخش باشد، من نیز با همان گمان با وی عمل می کنم (یاد من عاملی نیروبخش و پشتوانه‌ای

۱- سوره حجر (۱۵) آیه ۵۵. «چه کسی - جز گمراهان - از رحمت پروردگارش نومید

می شود؟» «و از رحمت خدا نومید مباشید، زیرا جز گروه کافران کسی از رحمت خدا نومید نمی شود.»

نیرومند برای تلاش اوست) و اگر گمانش به من بد و یأس آور باشد، عمل من نیز با وی طبق همان گمان خواهد بود. (در سختیها و گرفتاریها او را دچار یأس می‌کنم)»^۱.

امید به روزی داشتن، و چشم به راه ماندن برای فردایی نیکوتر، حس مقاومت و جنبش آدمی را در برابر دل‌مردگی و ناامیدی که مظالم جنایتکاران و کثرت ستم بیدادپیشگان در افراد مظلوم به وجود می‌آورد، تهییج می‌کند و از خاموش شدن مشعل این انتقام که در سینه مظلومان برافروخته شده است، جلوگیری می‌نماید.

ایمان به وجود مقدس مهدی غایب و انتظار فرج و ظهور امام زمان، برترین سلاح و آرامش‌بخش دلهای مشتاقان و امیددادن به آنهاست. امید به این که مصائب مثل ابرها زودگذرند و بالاخره آفتاب اقبال و نشاط از پس آنها ظاهر خواهد شد به آدمی نیرو می‌بخشد، و نشاط و توان او را در برابر مصائب افزون می‌کند.

گروهی که روح یأس و ناامیدی خانه دلشان را تاریک کرده، و چراغ امید در آن نتابد، هرگز به فعالیت‌های سازنده دست نخواهند زد، و روی موفقیت را نخواهند دید.

«توجه دادن مردم به آینده درخشان و دولت حق و نوید دادن به اجرای کامل عدالت اجتماعی و تأسیس حکومت اسلامی و ظهور شخصیتی خداساخته و بارز که مؤسس و سرپرست آن حکومت و دولت است، از تعالیم عموم مؤسّسین ادیان است، و در مکتب تشیع که مکتب حق اسلام و حافظ اصلی معنویات آن است جزء معتقدات قرار داده شده، و درباره خصوصیات چنین دولتی توضیحات بیشتری داده و پیروان

خود را به انتظار چنین روزی ترغیب نموده‌اند.

حتی انتظار ظهور را از عبادات دانسته‌اند تا مسلمانان حق پرست در اثر ظلم و تعدی زمامداران خودپرست، و تسلط دولتهای باطل و تحولات اجتماعی بزرگ و حکومت ملل ماده پرست اعم از شرقی و غربی، خود را نیازند، و دل قوی دارند، و جمعیت را آماده کنند، و همین عقیده است که هنوز مسلمانان را امیدوار و فعال نگه داشته است.

آن همه فشار و مصیبت از آغاز حکومت دودمان دنائت و رذالت اموی تا جنگهای صلیبی، و حمله مغول و اختناق و تعدیهای دولتهای استعماری، بر سر هر ملتی وارد می‌آمد خاکسترش هم به باد فنا رفته بود، ولیکن دینی که پیشوایان حق آن دستور می‌دهند که چون اسم صریح «قائم» مؤسس دولت حقه اسلام برده می‌شود، به پا بایستید و آمادگی خود را برای انجام تمام دستورهای وی اعلام کنید، و خود را همیشه نیرومند و مقتدر نشان دهید، هیچ وقت نخواهد مُرد.»^۱

«مذهب تشیع [به علت وجود مهدی موعود (عج)] تنها مذهبی است که رابطه را میان خدا و خلق برای همیشه نگه داشته، و به طور استمرار و پیوستگی ولایت را زنده و پابرجا می‌دارد، زیرا مذهب یهود نبوت را - که رابطه‌ای است واقعی میان خدا و عالم انسانی - در حضرت موسی (ع) ختم کرده، و پس از آن به نبوت حضرت مسیح و حضرت محمد (ص) اذعان ننموده و رابطه مزبور را قطع می‌کند. همچنین نصاری در حضرت مسیح متوقف شده و اهل سنت از مسلمین نیز در حضرت محمد (ص) وقوف کرده، و با ختم نبوت در ایشان دیگر رابطه‌ای میان خالق و خلق موجود نمی‌دانند. و تنها مذهب تشیع است که نبوت را با حضرت محمد (ص) ختم شده می‌داند،

۱- مجله مجموعه حکمت، «مقاله مرحوم آیت الله طالقانی»، شماره ۱ و ۲، سال ۳.

ولی ولایت را که همان رابطه هدایت و تکمیل است بعد از آن حضرت و برای همیشه زنده می‌داند. رابطه‌ای که از اتصال عالم انسانی به عالم الوهی کشف نماید و بعد از حضرت محمد (ص) به واسطه ولایت جانشینان وی زنده بوده و هست و خواهد بود. وجود او حقیقتی است زنده که هرگز نظر علمی نمی‌تواند او را از خرافات بشمرد و از فهرست حقایق حذف نماید. به عقیده من همه ادیان حق بوده و یک حقیقت زنده‌ای را دنبال می‌کنند، و همه ادیان در اثبات اصل وجود این حقیقت زنده مشترکند، و تنها مذهب تشیع است که به زندگی این حقیقت، لباس دوام و استمرار پوشانیده، و معتقد است که این حقیقت میان عالم انسانی و الوهی برای همیشه باقی و پابرجاست.^۱

انواع انتظار فرج

انتظار فرج دو گونه است: به معنای مثبت و به معنای منفی

۱- انتظار به معنای مثبت عبارت است از حرکت و تلاش سازش‌ناپذیر در جهت مبارزه با ظلم و ظالم جهت زمینه‌سازی حکومت جهانی اسلام و ظهور حضرت مهدی [عج]. این گونه انتظار از «برترین عبادات» محسوب می‌شود.

لذا در دعا می‌خوانیم:

«خداوندا! همان‌طور که دلم را به یاد ولی عصر آباد نمودی، پس اسلحه را هم برای یاریش از غلاف بیرون ساز.»^۲

۱- مبحث دکتر کربن فرانسوی، (شخصیت ارزنده‌ای که در پاییز سال ۱۳۳۰ مصاحبه‌ای با

استاد فقیه علامه محمدحسین طباطبایی انجام داد.) مکتب تشیع، سال دوم، ص ۲۰-۲۱.

۲- «اللَّهُمَّ كَمَا جَعَلْتَ قَلْبِي بِذِكْرِهِ مَعْمُورًا، فَاجْعَلْ سِلَاحِي بِنُصْرَتِهِ مَشْهُورًا» مفاتیح الجنان،

زیارت حضرت صاحب الامر (عج).

معمولاً منتظر (آینده‌نگر) به کسی گفته می‌شود که از وضع موجود ناراضی است و برای ایجاد وضع بهتر تلاش می‌کند، و این مرکب از دو عنصر است:

یک - عنصر منفی: بیگانگی با وضع موجود

دو - عنصر اثبات: تلاش برای وضع بهتر

اگر این دو جنبه در روح انسان، به صورت ریشه‌دار نفوذ کند، منشأ بسیاری از اعمال نیک خواهد شد.

«قانع نشدن به وضع موجود و تلاش فزاینده و مستمر در انجام اعمال نیک و خیر، یک بُعد از انتظار است. امید به آینده‌ای روشن که در آن سراسر زندگی بشر را تفکر الهی فراخواهد گرفت، بُعد دیگر انتظار است.»^۱

۲- انتظار به معنای منفی عبارت است از مقاومت نکردن در برابر ظلم، و عدم مبارزه با مفسد و کجرویها. پیروان این نظریه، معتقدند شرّ و فساد مقدمه لاینفک ظهور است. البته این توجیه از انتظار، بازدارنده آدمی از همه تلاشها و کوششهای انسانی است، زیرا هر گونه مسؤلیتی را از گردن وی برمی‌دارد. برداشت مذکور ناشی از دو عامل است:

الف - توجیه نادرست از روایاتی که از ظهور حضرت مهدی (عج) خبر می‌دهد، که در آن روایات تصریح شده، پس از آن که جهان پر از ظلم و جور شود، آن حضرت ظهور کند. پس پیروان چنین نظریه، این گونه برداشت می‌کنند که وجود ظلم و جور در جهان قبل از ظهور مهدی [عج] مقدمه فرج است، پس نمی‌توان با آن مبارزه کرد.

ب - روایاتی که شیعیان را به صبر و شکیبایی وامی‌دارد و از قیام مسلحانه

۱- مقام معظم رهبری (حضرت آیه الله خامنه‌ای)، روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ

قبل از ظهور امام عصر نهی می‌نماید، و یا تلاش برای تشکیل حکومت اسلامی را قبل از ظهور ولی عصر امری ناموفق و بی‌ثمر می‌داند.

«در گذشته سوءاستفاده‌های زیادی از قضیه انتظار شده است. برداشت منفی همان چیزی است که استکبار و استعمار در طول سالهای متمادی کوشش می‌کردند تا به مردم تزریق کنند. برداشت منفی این است که مردم بگویند که به ما چه که در مقابل ظلم و فساد و کفر و بدی و شرارت بایستیم، ما منتظر خواهیم ماند تا امام زمان [عج] خودش بیاید و مشکل را حل کند. این برداشت منفی است، یعنی سلب مسؤلیت نسبت به همه شرارتهای و بدیهای موجود در جامعه»^۱

«... اگر هر روایتی بیاید که نهی از منکر را بگوید نباید کرد، این را باید به دیوار زد، این گونه روایت قابل عمل نیست و این نفهمها (توجیه‌کنندگان نادرست از مسأله انتظار) نمی‌دانند چی می‌گویند... این از مصیبت‌هایی است که به مسلمانها وارد شده است و سیاستهای خارجی دامن بهش زدند برای چاپیدن اینها و برای از بین بردن عزت مسلمین و باورشان هم آمده است.

خیلی‌ها، شاید الآن هم بسیاری باور بکنند که نه، حکومت نباید باشد و زمان حضرت صاحب باید بیاید حکومت، و هر حکومتی در غیر زمان حضرت صاحب باطل است یعنی هرج و مرج بشود، عالم به هم بخورد تا حضرت بیاید درستش کند! ما درستش می‌کنیم تا حضرت بیاید. ان شاء الله خداوند اصلاح کند اینها را!»^۲

۱- مقام معظم رهبری (حضرت آیه الله خامنه‌ای)، روزنامه رسالت، مورخ ۱۵/۱/۶۷.

۲- حضرت آیه الله العظمی امام خمینی (ره)، صحیفه نور، جلد ۲۰، ص ۱۹۹ (۶۷/۱/۱۴).

«محمد بن فضیل» از حضرت رضا (ع) روایت کرده و می‌گوید: از حضرت درباره «انتظار فرج» سؤال کردم، حضرت (ع) فرمود: «نمی‌دانی که انتظار فرج، خود فرج و گشایش است.»
 آن‌گاه فرمود: خداوند می‌فرماید:
 «و انتظار برید که من (هم) با شما منتظرم.»^۱ هود (۱۱) آیه ۹۳.

انتظار سازنده

از لوازم انتظار به معنای واقعی این است که فرد منتظر باید در راه عقیده و مرام خود نهایت سعی و تلاش خود را مبذول دارد.
 بداند چه گروه‌هایی را به خود جلب کند، چه گروه‌هایی را از خود دفع نماید، آن‌چنان مجذوب دوست شود که جان را فدای او کند، با هر گونه ولایت ضدّ الهی سرسختانه مبارزه نماید.
 اسلام در مسأله حبّ و بغض مانند مسیحیت نیست که معتقد باشد باید با همه نیکی کرد، چه دوست، و چه دشمن. و با هر فرقه‌ای به مثل خودشان رفتار کرد، چه در واقع این رفتار نشانه بی‌تفاوتی و عدم احساس مسؤولیت است.

انتظار ویرانگر

برخی از مردم خود را مدعی منتظران ولیّ عصر می‌دانند، ولی نابخردانه و بدون علم، در برابر ستمها و مفسد زمان خود، هیچ‌گونه مقاومتی از خود نشان نمی‌دهند و همواره سکوت و سکون را پیشه خود می‌سازند. اینان با این روش نادرست، در گفتار و عمل خود، از دشمن حمایت می‌کنند.

۱- تفسیر المیزان، جلد ۱۰، ص ۳۹۳ و ۳۹۴.

خیلی طبیعی است که دشمن هم برای رسیدن به اهداف شوم خود، چنین روشی را تعقیب می‌کند تا انتظار معنای واقعی خود را از دست بدهد، و این اصل به طور غیرمستقیم تحریف گردد.

باید دانست این انحراف فکر، اولاً انحراف تمام اعمال را نیز به دنبال دارد. ثانیاً این تلقی و برداشت غلط از موضوع انتظار، زمینه هرگونه سلطه‌گری دشمنان اسلام را برای مسلمانان فراهم می‌آورد.

رهبر فقید انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی [ره] در این رابطه فرموده است:

«اینها از اوّل در ذهن شما مطالبی وارد کردند تا شما را از امور مملکتی منصرف کنند، و آنها مشغول کار خودشان باشند، و شما هم مشغول دعاگویی باشید...»

آنها هم هر کاری که دلشان می‌خواهد بکنند، هرگونه هرزگی که می‌خواهند بکنند.»^۱

علامه شهید مرتضی مطهری (ره) در بررسی و تبیین، «انتظار ویرانگر» فرموده است:

«برداشت قشری از مردم از مهدویت و قیام و انقلاب مهدی موعود این است که صرفاً ماهیت انفجاری دارد. فقط و فقط از گسترش و اشاعه و رواج ظلمها و تبعیضها و اختناقها و حق‌کشیها و تباهیها ناشی می‌شود، نوعی سامان یافتن است که معلول پریشان شدن است.

آن‌گاه که صلاح به نقطه صفر برسد، حق و حقیقت هیچ طرفداری نداشته باشد، باطل، یکه‌تاز میدان گردد، جز نیروی باطل نیرویی حکومت نکند، فرد صالحی در جهان یافت نشود، این انفجار رخ

می‌دهد و دست غیب برای نجات حقیقت (نه اهل حقیقت، زیرا حقیقت طرفداری ندارد)، از آستین بیرون می‌آید. بنابراین هر اصلاحی محکوم است. زیرا هر اصلاح يك نقطه روشن است. تا در صحنه اجتماع نقطه روشنی هست دست غیب ظاهر نمی‌شود، برعکس هر گناه و هر فساد و هر ظلم و هر تبعیض و هر حق‌کشی، هر پلیدی به حکم این که مقدمه صلاح کلی است و انفجار را قریب الوقوع می‌کند، زیرا: «الغایات تبرر المبادی» هدفها وسیله‌های نامشروع را مشروع می‌کنند. پس بهترین کمک به تسریع در ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعه فساد است این جاست که گناه هم فال است و هم تماشا، هم لذت و کامجویی است، و هم کمک به انقلاب مقدس نهایی. این جاست که این شعر مصداق واقعی خود را می‌یابد:

در دل دوست به هر حيله رهي بايد کرد

طاعت از دست نیاید گنهی باید کرد
این گروه طبعاً به مصلحان و مجاهدان و آمران به معروف و ناهیان از منکر، با نوعی بغض و عداوت می‌نگرند، زیرا آنان را از تأخیر اندازان ظهور و قیام مهدی موعود (عج) می‌شمارند. برعکس، اگر خود هم اهل گناه نباشند در عمق ضمیر و اندیشه با نوعی رضایت به گناهکاران و عاملان فساد می‌نگرند، زیرا اینان مقدمات ظهور را فراهم می‌نمایند.^۱

این نوع برداشت از ظهور مهدی موعود و این انتظار فرج که منجر به نوع تعطیل در حدود و مقررات اسلامی می‌شود، و نوع باجیگری باید شمرده شود، به هیچ وجه با موازین اسلام و قرآن وفق نمی‌دهد.

۱- قیام و انقلاب مهدی، ص ۶۲ و ۶۳.

امام رضا (ع) فرموده است:

«آیا شیعه ما رضایت نمی‌دهد که در خانه خود بنشینند و دارایی خود را برای اهل و عیال خود خرج کنند، و منتظر فرمان ما بمانند؟! اگر شیعه ما زنده بماند و حکومت ما را درک کند، همپتراز کسانی است که در رکاب رسول خدا (ص) به جنگ بدر رفته‌اند. و اگر در حال انتظار بمیرد، همچون کسانی است که با قائم آل محمد (ص) قیام می‌کنند، و در زیر خیمه او مانند این دو انگشت شهادت در کنار هم می‌نشینند.»^۱

«ارزش دارد که انسان در مقابل ظلم بایستد، در مقابل ظالم بایستد، و مشتش را گره کند و توی دهنش بزند و نگذارد که این قدر ظلم زیاد بشود، این ارزش دارد...»

این طور نیست که حالا که ما منتظر ظهور امام زمان [سلام الله علیه] هستیم، پس دیگر بنشینیم در خانه‌هایمان، تسبیح در دست بگیریم و بگوییم: «عَجَّلْ عَلَيَّ فَرَجَهُ» با کار شما باید تعجیل بشود. شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او، و فراهم کردن این که مسلمین را با هم مجتمع کنید. همه با هم بشوید. ان شاء الله ظهور می‌کند ایشان.»^۲

هشدار امام رضا (ع) در مورد گروه منتظران غیر واقعی

امام هشتم (ع)، خطر مدعیان دروغین امر انتظار را از فتنه دجال،

۱- گزیده کافی، جلد ۳، ص ۲۵۷.

۲- حضرت آیه الله العظمی امام خمینی (ره)، صحیفه نور، جلد ۱۸، ص ۱۹۵-۱۹۶.

زیان بارتر معرفی فرموده است.

بحث درباره «دجال» بحث وسیع و دامنه داری است. ولی همین قدر باید دانست که «دجال» مردان فریبکاری هستند که در آخر زمان برای منحرف کردن مردم از اصل توحید و حق و عدالت به فعالیت‌های مختلف دست می‌زنند ولی حضرت مهدی [عج] با قدرت عظیمش فعالیت‌های آنها را عقیم و توطئه‌شان را خنثی می‌نماید. و این آخرین مرحله جنگ اسلام و کفر است که سرانجام مسلمانان را بر دجال پیروز می‌گرداند.

رسول اکرم (ص) فرمود:

«آخرین پیکار امت من، جهاد آنها با فتنه دجال است.»^۱

امام رضا (ع) فرموده است:

«برخی از کسانی که مودت و دوستی ما اهل بیت را دستاویز ساخته‌اند، زیان و فتنه‌انگیزی‌شان بر شیعیان ما از دجال بیشتر است.»
پرسیدند: «ای فرزند رسول خدا، به چه مناسبت فتنه‌شان از دجال بیشتر است؟»

حضرت رضا (ع) فرمود:

«زیرا با دشمنان ما، مهر و مودت می‌ورزند، و نسبت به دوستان ما دشمنی و عداوت می‌نمایند، هرگاه چنین شد، حق و باطل به هم می‌آمیزند، و حقیقت مورد اشتباه قرار می‌گیرد. (شناخت آن دشوار می‌شود) در نتیجه انسان با ایمان از شخص دو چهره و منافق باز شناخته نشود.»^۲

«اگر نظر شماها مثل نظر بعضی عامیهای منحرف آن است که برای

۱- تفسیر مجمع‌البیان، جلد ۹، ص ۹۸.

۲- بحار الانوار، جلد ۷۵، ص ۳۹۱، صفات الشیعه، «صدوق»، حدیث ۱۴.

ظهور آن بزرگوار باید کوشش در تحقق کفر و ظلم کرد تا عالم را ظلم
فراگیرد و مقدمات ظهور فراهم گردد، فَاِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ.^۱

۱- صحیفه نور، جلد ۲۱، ص ۲۰۲.

اصولاً از جمله «اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ» «ما از آن خدا هستیم و به سوی خدا
باز می گردیم.» (بقره ۲) آیه ۱۵۶ به عنوان کلمه استرجاع یاد می شود. معمولاً بزرگان اسلام به
هنگام بروز مصائب سخت آن را به زبان می آورده اند، مبادا شدت مصیبت آنها را تکان دهد. آن
بزرگواران سعی می کردند در اثر ایمان به مالکیت خدا و بازگشت همه موجودات به سوی او، قدرت
مقابله با حوادث را در خود چند برابر کنند.

حضرت علی (ع) در تفسیر کلمه استرجاع فرموده است:

«این که ما می گوییم «اِنَّا لِلّٰهِ» اعتراف به این حقیقت است که ما مملوک اویم و این که
می گوییم «وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ» اقرار به این است که ما از این جهان خواهیم رفت» و جایگاه ما جای
دگر است. (نهج البلاغه، حکمت ۹۹).

لزوم احتیاج به امام زمان در کلام امام رضا علیه السلام

۱- نیاز تشریحی

الف - امام زمان، یا نظام دین الهی

از دیدگاه امام رضا (ع)، امام زمان به عنوان نظام دین، و تنها عامل پیاده‌کننده قوانین نجات بخش و مترقی اسلام معرفی شده است.

آن حضرت می‌فرماید:

«بدون تردید، امامت مهار دین، و نظام مسلمین و عامل اصلاح دنیای مردم، و سبب عزت و سربلندی اهل ایمان است.»^۱

حضرت علی (ع) در تعریف دقیق «نظام» فرموده است:

«زامدار، رشته‌ای است که دانه‌های پراکنده یک جامعه را تحت نظام ویژه‌ای درمی‌آورد، و آنها را جمع کرده، ارتباط می‌بخشد. وقتی این نخ پاره شود، دانه‌ها پراکنده می‌شوند، و هر یک به سوی می‌روند، و پس از آن هیچ‌گاه به صورت اول فراهم نمی‌گردند.»^۲

بنابراین چه یاد شد: نظام عبارت است از رشته‌ای که پراکندگیها را

منسجم می‌کند، و در یک مسیر برای یک هدف قرار می‌دهد.

۱- اصول کافی، جلد ۲، ص ۳۰۰.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶، شرح نهج البلاغه «ابن ابی‌الحدید» جلد ۹، ص ۹۵.

ب- راهنمای گم‌گشتگان

آفریدگار حکیم برای تعالی و تکامل انسانها قوانین تشریحی وضع فرموده، این قوانین متوجه همه مصالح و جهات بشری است. بدون تردید تنها کسانی که می‌توانند قوانین الهی را برای ما تفسیر و تبیین کنند پیشوایان الهی هستند. و مردم برای تنظیم دنیا و آخرت خود باید از آن بزرگواران یاری بجویند. زیرا آنان چراغهای راهنمایی در دریاها و صحراها می‌مانند که گم‌گشتگان را به سوی خود می‌خوانند، و از فروغلتیدن در گرداب جهل و بدبختی و فساد، و افتادن در پرتگاههای انحطاط، رهایی می‌بخشند.

«محمد بن فضیل» از امام رضا (ع) درباره آیه زیر پرسش کرد:

«پس به خدا و پیامبر او و آن نوری که ما فرو فرستادیم ایمان آورید...»^۱

امام (ع) در پاسخ فرمود: «مراد از نور در این آیه امام و پیشواست.»^۲

همچنین آن حضرت در وصف «پیشوا» فرموده است:

«امام ماه تابان، چراغ فروزان، نور درخشان و ستاره‌ای است راهنما در

شدت تاریکیها و رهگذر شهرها و کویرها و گرداب دریاها.

امام آب گوارای هنگام تشنگی، راهبر به سوی هدایت و نجات بخش از

هلاکت است.

امام همچون آتش روشن بر فراز بلندیهای زمین (راهنما و روشنگر

مردم) است.

گرمی بخش کسانی است که به حرارت هدایت او گرما جویند.

راهنمای خلق در پرتگاهها و هلاکتهاست.

۱- تغابن (۶۴) آیه ۸.

۲- تفسیر نور الثقلین، جلد ۵، ص ۳۴۱.

هر که از او جدا شود، به هلاکت رسد.

امام ابری است بارنده،

بارانی است شتابنده،

خورشیدی است فروزنده،

آسمانی است سایه دهنده،

زمینی است گسترده،

چشمه‌ای است جوشنده،

برکه و گلستان است.

امام همدم و رفیق، پدر مهربان، برادر برابر، مادر دلسوز به کودک، و پناه بندگان خدا در گرفتاریهای سخت است.

امام امین خدا در میان خلقش، حجّت او بر بندگان، خلیفه او در بلادش، دعوت کننده به سوی او و دفاع کننده از حرمت‌های او است.

امام از گناهان پاک و از عیبها برکنار است.

مخصوص به علم و به خویشتن داری، نشان دار است.

موجب نظام دین و عزت مسلمانان و خشم منافقان و هلاک کافران است. امام یگانه زمان خویش است.

کسی به همطرازی او نرسد،

دانشمندی با او برابر نباشد،

جایگزین و مانند و نظیر ندارد.

تمامی فضیلت را داراست، بی آن که خود در طلبش رفته، و به دست آورده باشد.

بلکه امتیازی است که خدایه فضل و بخشش به او عنایت فرموده است.^۱

ج - حجّت و نمایندۀ خداوند در روی زمین

خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب *تجرید العقاید* درباره ولی عصر، می فرماید: وجود مقدّس امام زمان (عج) چه ظاهر باشد، و چه در پس پرده غیبت، و از دیده‌ها پنهان، لطف^۱ است، و مایه برکت و نزول رحمت حق، و هرگاه از پشت پرده غیبت به در آمده، و زمام امور را بدست گیرد، خود نعمتی دیگر است. ولی خودداری آن حضرت از ظهور و باقی ماندنش در پس پرده غیبت، به خاطر موانعی است که خود مردم به وجود آورده و آمادگی پذیرش وی را به تأخیر انداخته‌اند. امام رضا (ع) از قول امام صادق (ع) فرمود:

«حجّت خدا بر خلقش تمام نشود مگر به وجود امام، تا این که شناخته شود.»^۲

۲- نیاز تکوینی

الف - حق بقا در دنیا

وجود مقدّس امام زمان [عج]، يك امر ضروری و حافظ نظام تکوین و متمّم آن است. زیرا بدون وجود آن بزرگوار، نظام تکوین ناقص خواهد ماند. در حالی که فیض کامل از طرف ذات اقدس الهی در هر عصر و زمان، جاری است تا نقصی در مبدأ فیاض لازم نیاید، هر چند بشر آماده استفاضه نشده باشد.

۱- لطف در اصطلاح دانشمندان عقاید و کلام، کلیه اسباب و وسایلی است که از طرف خداوند برای هدایت انسان و نزدیک ساختن او به سعادت و اطاعت فرمان خدا، فراهم می گردد. لطف ممکن است تشریحی باشد مانند فرستادن پیامبر و امام. و یا تکوینی مانند نیروهای مختلفی که خداوند به ما عنایت فرموده و ما را در راه نیکیبختی کمک می کند.

۲- اصول کافی، جلد ۱، ص ۱۷۷.

«محمد بن فضیل» گوید:

از امام رضا (ع) سؤال کردم: «آیا زمین بدون وجود امام باقی می ماند؟»

حضرت در پاسخ فرمود: «نه»

گفتم: «برای ما از امام صادق (ع) روایت شده که زمین خالی از وجود امام نمی شود مگر این که خدای تعالی بر اهل زمین یا بر بندگان خشم گیرد.»

حضرت فرمود: «نه»، (زمین بی امام نمی شود.)

«اگر امام نباشد، زمین فرو خواهد رفت.»^۱

«سلیمان بن جعفری» گوید:

از امام رضا (ع) پرسیدم: «آیا زمین از حجت خالی خواهد ماند؟»

حضرت فرمود:

«اگر به قدر و میزان یک چشم بر هم نهدان، زمین از حجت خدا خالی

بماند، به یقین ساکنان خود را فروبلعد.»^۲

ب - ترسیم هدف آفرینش

همان گونه که خورشید با اشعه تابناک خود، به موجودات روی زمین جان و حیات می بخشد، نقش امام در حیات معنوی نیز چنین است. اصولاً در صحنه آفرینش قبول زندگی اجتماعی بدون جدایی از رهبری راستین امکان پذیر نیست چرا که وجود پیشواست که تمام برنامه های دینی (اعم از حکومت به معنای وسیع کلمه)، اجرای حدود و احکام خدا و عدالت

۱- اصول کافی، جلد ۱، ص ۱۷۹.

۲- اصول کافی، جلد ۱، ص ۴۱۸.

اجتماعی و تربیت و تزکیهٔ نفوس را به انجام می‌رساند، و انسانها را از تاریکیها به سوی نور رهنمون می‌گرداند.

امام رضا (ع) فرموده است:

«ما حجّتهای خداییم میان خلق او و جانشینان اویم در بین بندگانش و امین اسرار او هستیم. ما کلمهٔ تقوا، و عروة الوثقی هستیم. ما گواهان الهی و نشانه‌های او در آفریدگان اویم. به وسیلهٔ ما خدا آسمان و زمین را نگاه می‌دارد تا خطا نرود.

برای ماست که باران فرودمی‌آید و رحمت نازل می‌گردد.

زمین از سرپرستی ما خالی نیست که یا آشکار است و یا پنهان.

اگر يك روز بی حجّت باشد اهل خود را در زیر موج گیرد، چنان که دریا، اهل خود را در زیر موج گیرد.^۱

امام هشتم (ع) با بیانی قاطع، جاهل به مقام شامخ امامت را، منکر امامت، و غیر منتظر را در صفّ مردگان جاهلیت که از نعمت آشنایی با مکتب الهی محروم بوده‌اند، قرار داده و فرموده است:

«هر کس بمیرد و او را امام و رهبری نباشد، به مرگ جاهلیت مرده است.»^۲

۱- کمال الدین، جلد ۱، باب ۲۲، ص ۳۰۸.

۲- بحار الانوار، جلد ۲۳، ص ۷۸.

فلسفه غیبت امام زمان

۱- اراده الهی

در این جهان آفرینش (از جزئی‌ترین پدیده گرفته تا کلی‌ترین آن) اسراری وجود دارد که بشر به سادگی به کشف تمام آنها موفق نخواهد شد، و هر چه علم پیشرفت کند هنوز معلومات بشر در برابر مجهولاتش ناچیز است. پس عقل سلیم حکم می‌کند در هر موردی که آدمی در راه کشف سرّ به جایی نرسید آن را دلیل بر عدم یا انکار موضوع (کشف نشده) نگیرد. همچنان که فلاسفه و حکما و دانشمندان قدیم و جدید به این حقیقت اشاره کرده و گفته‌اند:

هرگز دل من ز علم محروم نشد

کم ماند ز اسرار که مفهوم نشد

هفتاد و دو سال جهد کردم شب و روز

معلوم شد که هیچ معلوم نشد

موضوع مخفی بودن رمز وجود امام غایب نیز یکی از اسرار افعال الهی است، و علت عمده و سرّ بزرگ و حقیقی آن معلوم نخواهد شد مگر پس از ظهور آن حضرت. همان‌طور که حکمت اعمال شگفت‌انگیز حضرت خضر در هنگام مصاحبت موسی با او معلوم نشد مگر در وقت مفارقت آنها.^۱

۱- کهف (۱۸) آیه‌های ۶۶ تا ۸۲.

در اسلام موضوعات مخفی و اسرارآمیز دیگری نیز وجود دارد که رمز اختفای آن به طور کامل روشن نیست مانند اسم اعظم، شب قدر، زمان استجابت کامل دعا.

«اگر سرّ «لیلة القدر» و سرّ «نزول ملائکه» در شبهای قدر که الآن هم برای ولی الله اعظم حضرت صاحب سلام الله علیه، این معنا امتداد دارد، سرّ اینها را ما بدانیم، همه مشکلات ما آسان می شود.»^۱
امام رضا (ع) فرمود:

«چهارمین فرزند من، خدایش او را در پشت پرده غیبت پنهان می سازد، تا هرگاه که خود می خواهد.»^۲

محدودیت علم غیب برای امامان

«معمربن خلاد» گوید:

يك نفر ایرانی از امام رضا (ع) پرسید: «شما از علم غیب باخبرید؟»
امام در پاسخ فرمود:

جدّ بزرگوارم امام باقر (ع) در پاسخ این سؤال فرمود:
«گه گاه طومار علم غیب در برابر ما باز می شود، و ما می بینیم و مطلع می شویم، و چون طومار علم غیب را از برابر ما ببرند، چیزی نمی دانیم.
این گونه علم غیب سرّ الهی است که خداوند با جبرئیل، و جبرئیل با حضرت محمد (ص)، و رسول خدا (ص) با آن افرادی که خدا خواسته است، در میان نهاده اند.»^۳

۱- صحیفه نور، جلد ۱۹، ص ۱۷۲ (۳۰/۳/۶۴).

۲- اعلام الوری، ص ۴۰۰، منتخب الاثر، ص ۵۵.

۳- گزیده کافی، جلد ۱، ص ۶۶.

حدیث شریف امام هشتم (ع) بر این مطلب دلالت دارد که علوم غیبی هر گاه صلاح باشد، در اختیار پیامبر و امام قرار می‌گیرد، و هر گاه که مصلحت نباشد، آنها بی اطلاع می‌مانند. لذا پیشوایان دین در برخی اوقات از حوادث پشت پرده خبر می‌داده‌اند، و گاه اظهار بی‌اطلاعی می‌کرده‌اند.

۲- ایمنی از شر دشمنان

یکی دیگر از مصالح غیبت امام زمان، خوف قتل و بیم از کشته شدن آن حضرت است که هم با «حدوث غیبت» و هم با «بقاء غیبت» مرتبط است. اما از جهت حدوث غیبت با خوف از قتل: جباران زمان هنگامی که وجود مقدس امام زمان را به عنوان یک خطر جدی برای خود تلقی کردند، سعی نمودند از ولادت آن حضرت مطلع شوند و سپس او را به قتل رسانند، لذا برای رسیدن به این هدف شوم خود تمام دستگاههای جاسوسی را به کار گرفتند ولی سرانجام ناامید شدند. زیرا خداوند وجود مقدس آن حضرت را از گزند و آسیب دشمنان حفظ کرد.

اما از جهت ارتباط بقاء غیبت با خوف از قتل: معمولاً خداوند تمام جریان امور را در عالم بر مبنای علل و اسباب قرار داده است،^۱ و اگر کاری قبل از فراهم شدن اسباب و مقدمات انجام شود بر خلاف جریان طبیعی است. موضوع ارتباط بقاء غیبت با خوف از قتل نیز مشمول حکم مزبور است. خداوند تعالی قادر است که هر لحظه آن حضرت را بر جهان مسلط سازد ولی چون چنین امری خلاف جریان طبیعی نظام هستی است، لذا خداوند هر گاه زمینه را مساعد دید، لباس گرانقدر فرج را به اندام آن بزرگوار

۱- فاطر (۳۵) آیه ۴۳. «پس آیا جز سنت [و سرنوشت شوم پیشینیان را] انتظار می‌برند؟ و

هرگز برای سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت.»

می‌پوشاند، و به وی اذن ظهور می‌دهد تا از خطر گزند دشمن مصون بماند، زیرا اگر آن حضرت قبل از فراهم شدن اسباب و مقدمات ظهور کند، از خطر قتل در امان نیست.

خواجه نصیرالدین طوسی در رساله فیلسوفانه و محققانه‌ای که در موضوع امامت تألیف کرده، درباره‌ی انگیزه غیبت ولی عصر (عج) می‌نویسد:

«شایسته و جایز نیست که سبب غیبت امام زمان (عج) از جانب خداوند سبحان و یا از سوی خود آن حضرت باشد، پس از طرف مردم و مکلفین است. و آن، خوف غالب و عدم تمکین و اطاعت مردم از امام است و هر زمان، این سبب زایل گردد، یعنی مردم آماده‌ی اطاعت و پذیرش امام باشند، ظهور حضرت محقق می‌گردد.»^۱

«ایوب بن نوح» می‌گوید:

به محضر امام رضا (ع) رسیدم و به ایشان عرض کردم: «اکنون که همه‌ی امت اسلامی با شما بیعت کرده‌اند، و سگه‌ها به نام مقدّس شما زده شده است، امیدوارم که آن صاحب امر شما باشید و بدون این که نیازی به شمشیر باشد، قدرت به شما منتقل شود.»

حضرت فرمود:

«کسی از ما نیست که نامه‌ها به سوی سران برود، پرسشها به طرف او فرستاده شود، با انگشتها به سوی او اشاره رود و اموال به طرف او حمل شود، جز این که با شمشیر کین کشته شود یا با زهر جفا در بستر بمیرد تا خداوند مردی را برای این کار برانگیزد که تولّد او پنهان باشد، ولی نَسَبِ او بر همگان روشن و آشکار است.»^۲

۱- نوید امن و امان، ص ۱۹۰، به نقل از رساله امامتِ خواجه نصیرالدین طوسی، فصل

سوم، ص ۲۵.

۲- کمال الدین، ص ۳۷۰.

امام رضا (ع) فرمود:

«همه پیشوایان کشته شدند. گروهی به شمشیر چون امیر مؤمنان و امام

حسین [سلام الله علیهما]

و گروهی با سم چون دیگر امامان، هر یک از آنها را طاغوت‌های
زمانشان کشته‌اند.

این جنایتها واقعاً انجام یافته است، در حالی که آن امامان سالم و
تندرست بودند.»^۱

خداوند در قرآن فرموده است:

«بلکه به مردم، برای آنچه خدا از فضل خویش به آنان عطا کرده رشک
می‌ورزند...»^۲

امام رضا (ع) در تفسیر آیه فوق چنین فرموده است:

«ما خاندان مورد حسد دشمنان قرار گرفته‌ایم.»^۳

۳- آزمایش انسانها

در روایاتی که از حضرت امام رضا (ع) وارد شده است، حضرت از
جمله علل غیبت امام زمان و تأخیر آن را، در مورد مردم «آزمایش و امتحان»
می‌داند. از مجموع اخباری که در این زمینه از دیگر پیشوایان دین نیز وارد شده
است استفاده می‌شود، امتحان به غیبت حضرت مهدی [عج] از شدیدترین
انواع امتحانات الهی است.^۴

۱- الزام الناصب، ص ۱۰.

۲- نساء (۴) آیه ۵۴.

۳- تفسیر نور الثقلین، جلد ۱، ص ۴۹۱.

۴- در این مورد می‌توانید به کتاب ارزنده منتخب الاثر تألیف حضرت آیه الله صافی

گلپایگانی باب ۲۷ و ۴۷، فصل ۲، مراجعه نمایید.

فراز و نشیبهای دوران غیبت، گوهرهایی را که در وجود منتظران (واقعی) نهفته است معلوم می‌کند و استعداد نهایی آنان را آشکار می‌سازد. برخی را در شك و تردید فرو می‌برد. و خلاصه خوبها را خوبتر، و بدها را بدتر می‌کند. عمر پربرکت حضرت مهدی (عج)، موجب در شك افتادن افراد ناشکیبا قرار می‌گیرد، لذا آنان به طور ناخودآگاه به انکار وجود حضرت می‌پردازند.

امام رضا (ع) فرمود:

«او کسی است که مردم در ولادتش دچار تردید می‌شوند، او قبل از ظهور غیبتی طولانی دارد.»^۱

«ابوالصلت هروی» از امام رضا (ع) نقل کرده است که پیامبر (ص) فرمود:

«سوگند به خداوندی که مرا به حق برانگیخت، فرزندم قائم با عهد و پیمانی که خداوند با من بسته است غیبت می‌کند، تا جایی که اکثر مردم می‌گویند: خداوند نیازی به آل محمد (ص) ندارد، و گروهی نیز در ولادت او شك می‌کنند.»^۲

با مدعی مگویید اسرار عشق و مستی

بگذار تا بمیرد در عین خودپرستی

عاشق شو آر، نه روزی کار جهان سرآید

ناخوانده نقش مقصود از کارگاه هستی

تا علم و عقل بینی بی معرفت نشینی

يك نکته‌ات بگویم خود را مبین که رستی

«حافظ»

۱- اثبابة الهداة، جلد ۳، ص ۴۷۸، اعلام الوری، ص ۴۰۸، منتخب الاثر، ص ۲۲۰،

اختصاص «مفید»، ص ۳۱۶.

۲- مسند الامام الرضا (ع)، جلد ۱، ص ۲۲۸، کمال الدین، ص ۵۱.

۴- به گردن نداشتن بیعت

حکمت دیگر، غایب بودن حضرت ولی عصر [عج] این است که آن حضرت از دیده‌ها پنهان است تا او را مانند اجداد گرامیش به بیعت نکشند. زیرا اگر ظاهر باشد در صورتی که سکوت کند، سکوتش در حکم بیعت است، یا اگر بیعت بر او عرضه دارند و نپذیرد، وی را یاغی خوانند و قبل از رسیدن موعد با او جنگ و جدال خواهند کرد. ولی اگر غایب باشد معذور است و کسی بر گردن او حق یا منّتی ندارد (که مثلاً بگوید ما فلان چیز را به تو دادیم، یا با تو نان و نمک خوردیم، یا...) تا آن که حضرت ملزم به رعایت شود، چنانچه فرعون بر حضرت موسی^ع منّت گذاشت و گفت:

«آیا تو را از کودکی در میان خود نپروردیم و سالیانی چند از عمرت را در پیش ما نماندی.»^۱

پس حضرت مهدی [عج] هر گاه قیام کند، ملزم به انعطاف‌پذیری، و وفای به بیعت نباشد، و نزد مردم به نقض عهد و بیعت متهم نگردد.

«حسن بن فضال» گوید:

از امام رضا (ع) پرسیدم:

«چرا امام زمان (ع) از دیده‌ها پنهان است؟»

حضرت در پاسخ فرمود:

«زیرا هر گاه با شمشیر قیام کند، بیعت احدی به عهده او نباشد.»^۲

«امام منتظر و مهدی آخر الزمان در حالی ظاهر می‌شود که نسبت به

۱- شعراء (۲۶) آیه ۱۸.

۲- بحار الانوار، جلد ۵۱، ص ۱۵۲. علل الشرایع، جلد ۱، ص ۲۴۵.

أحدی از جبابره و حکومت‌های مختلفه تمکین و تسلیمی نداشته، و از راه تقیه هم حکومت‌های غیر اسلامی و حکومت‌هایی را که تمام اسلامی نیست در ظاهر امضا کرده است. او اکمل مظاهر، اسم العادل و السلطان و الغالب و الحاکم است و چنان شخصیت و مقامش از این که تحت سلطنت غیر خدا واقع شود یا به حکومتی از حکومت‌های جائره به تقیه رأی داده باشد بر حسب اخبار محفوظ و محروس است و چنانچه از اخبار کثیره استفاده می‌شود، آن حضرت به تقیه عمل نخواهد کرد و حق را آشکار و باطل را از صفحه روزگار برخواهد انداخت. پس یکی از حکم و مصالح غیبت این است که آن حضرت پیش از رسیدن وقت ظهور و مأمور شدن به قیام ناچار نمی‌شود مانند پدران بزرگوارش از راه تقیه با خلفا و زمامداران و سیاستمداران وقت بیعت نماید و وقتی که ظاهر می‌شود هیچ بیعتی در گردن او نیست و هیچ حکومتی را بر خود غیر از حکومت خدا و احکام و قوانین قرآن حتی به ظاهر و تقیه هم نپذیرفته است.^۱

۵- آماده شدن اوضاع جهان

عملی شدن حکومت جهانی به دست حضرت مهدی [عج] مستلزم آگاهی و رشد بشر در تمام شعبه‌های علوم و اخلاق، همچنین آمادگی مردم جهان برای پذیرش از این نهضت گسترده و فراگیر است و تا زمانی که اصحاب خاص آن حضرت به همان عددی که در روایات آمده است پیدا نشود، آن حضرت ظهور نخواهد کرد.

به علاوه هرگاه بشریت از اوضاع و احوال جهان آن چنان بستوه آید که

۱- نوید آمن و امان، چاپ اول، ص ۱۷۴ و ۱۷۵.

لحظه به لحظه در انتظار گشایش باشد^۱ در آن هنگام است که وعده حق فرامی رسد، و ظهور منجی منتقم و (احیاگر) قسط و عدل و داد محقق خواهد شد. ای زیب ده عالم، مجموعه زیبایی
 سر حلقه جن و انس، سردفتر دانایی
 در پرده غیبت چند، ای مهر جان پای
 ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی
 دل بی تو به جان آمد، وقت است که باز آیی
 ای عشق تو اول فرض، در مذهب اسلامی
 جان می دهمت گرباد، آرد ز تو پیغامی
 صحرای تجلی را، از مهر بنه گامی
 ای درد توام درمان، در بستر ناکامی
 و ای یاد توام مونس، در گوشه تنهایی
 امید وصال تو، ای دوست جوانم کرد
 عشق تو مرا فارغ، از هر دو جهانم کرد
 باز آئی که هجر تو بی تاب و توانم کرد
 مشتاقی و مهجوری، دور از تو چنانم کرد
 کز دست بخواهد شد پایان شکیبایی^۲

«بعضی از ممکنات که ذاتاً امکان هستی را دارند و از محالات نیستند

۱- روایات مربوط به پیشامدهای ناگوار و تغییر و تحولات دوره غیبت فراوان است. طالبین می توانند به کتابهای زیر مراجعه کنند: بحار الأنوار، جلد ۱۳ و ۵۲، غیبت «نعمانی»، غیبت «شیخ طوسی»، کمال الدین «صدوق»، منتخب الاثر «صافی گلپایگانی»، روضه کافی «کلینی».

۲- اشعار از حضرت آیه الله صافی گلپایگانی است که در واقع نضمین اشعار معروف خواجه حافظ شیرازی است.

به صرف ذات آنها کافی نیست که نعمت وجود را دارا شوند، بلکه باید يك سلسله اسباب و شرایط به آن ضمیمه شود، و بعد از ضمیمه شدن آن شرایط و عوامل آمادگی ساز، استعداد پیدایش می یابند.

وقتی به آن ممکن ذاتی، امکانات دیگر و شرایط متفاوت دیگری ضمیمه شد، پیوسته از حالتی به حالتی انتقال می یابد، تا آن گاه که قوه قابله (مواد تأثیرپذیر به حد کمال می رسد)، آن گاه قوه فاعله (علت فاعلی) تأثیر می کند و از اجتماع و پیوستن دو قوه، چیز تازه ای تولید می شود و وجود می یابد.^۱

۱- اسفار، «ملاصدرا»، جلد ۱، ص ۲۳۱ [در امکان استعدادی].

فلسفه انتظار در کلام امام رضا (ع)

۱- خودسازی فردی

منتظر واقعی می‌داند که اصلاح جهان و پایان دادن به مظالم و نابسامانیها کاری بس بزرگ، و تحوّل بسیار زیربنایی است. چنین تحوّل قبل از هر چیز به انسانهای آزاده و وارسته‌ای نیازمند است که بتوانند بار سنگین چنان اصلاحات وسیعی را در جهان به دوش کشند، پس او با چنین نگرشی اصلاح نفس را به طور جدّ در سطح وسیعی آغاز می‌کند و خود را برای چنین هدفی بزرگ آماده می‌نماید تا از هر جهت شایستگی چنین برنامه‌ای را داشته باشد.

آینه شو، جمالِ پری طلعتان طلب

جاروب کن تو خانه و پس میهمان طلب

امام رضا (ع) فرمود:

«سوگند به خدا، آنچه انتظار می‌کشید، و گردنهایتان را به سوی آن دراز می‌کنید، واقع نمی‌شود مگر بعد از آن که امتحان (و پاکسازی) شوید، و از شما چیزی جز اندک باقی نماند.»

«آیا پنداشته‌اید که به خود واگذار می‌شوید و خداوند کسانی را که از میان شما جهاد کرده و غیر از خدا و فرستاده او و مؤمنان، محرم اسراری نگرفته‌اند، معلوم نمی‌دارد؟ و خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه

است. «توبه (۹) آیه ۱۶. ۱

همچنین امام (ع) فرمود:

«آنچه گردنهایتان را برای آن دراز می‌کنید (آنچه انتظار می‌کشید) واقع نمی‌شود جز هنگامی که در بوته آزمایش قرار گیرید، و امتحان شوید، و از بوته امتحان جز افراد بسیار کم پیروزمندانه بیرون نمی‌آیند. (و از شما جز تعدادی اندک بر اعتقاد خود باقی نباشد).» چنان که خدای تبارک و تعالی می‌فرماید:

«آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم، رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند.» عنکبوت (۲۹) آیه ۲. ۲

امام رضا (ع) به یکی از اصحابش به نام «معمربن خلاد» خطاب کرد، و پرسید:

«می‌دانی فتنه چیست؟»

گفت:

«جانم به فدایت! آنچه ما می‌دانیم این است که امتحانی در دین واقع شود.»

حضرت فرمود:

«چون طلا، گداخته می‌شوید، و مانند طلای ناب از ناخالصیها پاک می‌شوید.» ۳

همان گونه که آهن در کوره آتش رفته زنگارش پاک می‌شود، کوران سختیها و مصائب در دوران غیبت، هم زنگ روح منتظران را می‌زداید، و آنها

۱- الزام الناصب، ص ۲۷، کافی، جلد ۱، ص ۳۷۰، غیبت «نعمانی»، ص ۱۱۱.

۲- ارشاد «مفید»، ص ۳۶۰، کافی، جلد ۱، ص ۳۷۰.

۳- غیبت، «نعمانی»، ص ۱۰۷. اصول کافی، جلد ۱، ص ۳۷۰، الزام الناصب، ص ۷۹.

را پر قدرت و نیرومند می گرداند، و این نعمتی است که خداوند برای تطهیر روح و پاکسازی روان به ایشان عنایت فرموده است.

۲- خودیاریهای اجتماعی

حالت انتظار آدمی را برای امر به معروف، نهی از منکر و مبارزه با جنایات ظالم و ادار می کند. زیرا فرد منتظر می داند برنامه‌ای که چشم به راه آن است يك برنامه فردی نیست، بلکه برنامه‌ای است که تمام عناصر تحوّل باید در آن شرکت جویند. پس بناچار اولاً دشمنان خود را بهتر می شناسد، ثانیاً با هر نوع تسلیم و سرسپردگی در برابر آنان را از خود نفی می کند، تا آمادگی برای به دست گرفتن سرنوشت خویش پیدا کند. ثالثاً سعی می کند از وضع زمان و جامعه خود غافل نماند بلکه برای احیا و بقای حاکمیت امر به معروف و نهی از منکر از هم‌مسلمانان خویش پشتیبانی کند، مبادا فرصت طلبان دست به رخنه و نفوذ زده و با فراهم کردن زمینه‌های مختلف ضربه خود را از درون وارد سازند و میدان اجتماع را برای چاپلوسان و زبان درازان باز کرده و افراد صالح و متعهد را به انزوا کشانند.

مقام معظم رهبری می فرماید:

«وقتی که معیارهای خدایی عوض شود، هر کس دنیا طلب‌تر، شهوت‌رانتر، و برای به دست آوردن منافع شخصی زرنگتر و باصدق و راستی بیگانه‌تر است بر سر کار می آید، آن وقت نتیجه‌اش این می شود که امثال «عمر سعد»، و «شمر» و «عبیدالله زیاد»، فراوان می شوند. و امامانی چون حسین بن علی (ع) به مذبح می روند و در کربلا به شهادت می رسند...»

کسانی که دلسوزند نباید بگذارند معیارهای الهی در جامعه عوض بشود، اگر معیار تقوا در جامعه عوض شد، معلوم است که باید،

خون يك انسان با تقوایی مثل حسین بن علی (ع) ریخته شود، اگر زرنگی و دست و پاداری در کار دنیا و پشت هم اندازی و دروغگویی و بی‌اعتنایی به ارزشهای اسلامی ملاک قرار گرفت، معلوم است که کسی مثل یزید باید در رأس کار قرار بگیرد و شخصی مثل عبیدالله باید شخص اول کشور عراق بشود. همه کار اسلام این بود که این معیارها را عوض بکند. همه کار انقلاب ما هم همین بود که در مقابل معیارهای باطل و غلط مادی جهانی بایستد و آنها را عوض کند.^۱

«محمد بن ابی نصر» گوید: حضرت امام رضا (ع) فرمود: «چقدر نیکوست صبر کردن و به انتظار گشایش ماندن، مگر فرمایش خداوند عز و جل را نشنیده‌ای؟!»

«و انتظار برید که من [هم] با شما منتظرم» (هود (۱۱) آیه ۹۳)
 «پس منتظر باشید که من [هم] با شما از منتظرانم» (اعراف (۷)، آیه ۷۱)
 «پس در زندگی صبر و شکیبایی پیشه کنید، زیرا فرج و گشایش به دنبال ناامیدی می‌آید و مردمی که قبل از شما بودند، بیشتر از شما صبر داشتند.»^۲

واژه صبر

واژه «صبر»، مفهومی معادل «مقاومت»، «سرسختی»، «پایداری»، «حوصله»، «تحمل»، «خویشتن‌داری»، و ضد «بی‌تابی»، «جَزَع»، «دست‌چگی»، «ضعف و ناتوانی» دارد.

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۳/۴/۷۱.

۲- تفسیر نور الثقلین، جلد ۲، ص ۲۹۷.

راغب اصفهانی در «مفردات» می‌نویسد:

« صبر عبارت است از خودداری نفس بر هرچه عقل و شرع می‌پسندد. »

صبر بر دو گونه است:

۱- خویشتن‌داری در ارتباط با دوست‌داشتنیها،

۲- خویشتن‌داری در ارتباط با ناخوشایندها و ناملایمات،

صبر بر حسب زمینه‌ها و موارد گوناگونش دارای شش قسم است:

۱- صبر بر بلاهای دنیا،

۲- صبر در برابر خواهشهای دل،

۳- صبر در مقام فرمانبرداری خداوند،

۴- صبر در راه تبلیغ دین،

۵- صبر در میدان کارزار با دشمن،

۶- صبر در مقام معاشرت با مردم.

در زمان غیبت حضرت مهدی (عج)، صبر پیشه کردن و به انتظار

گشایش ماندن تأثیری عمیق در سازندگی انسان دارد و ارزشهای والای

معنوی زیر را برای او به ارمغان می‌آورد:

- توانمندی،

- عزت‌آفرینی و بزرگواری،

- فزاینده‌گی نیروی مقاومت،

- طرفداری از حق،

- به سامان رسیدن امور،

- نشانه حریت و آزادگی،

- وسیله پیروزی و غلبه بر دشمن،

- کلید رستگاری.

پشتوانه‌های صبر

- ۱- شناخت طبیعت زندگی دنیا،^۱
- ۲- خودشناسی،^۲
- ۳- باورداشتن پاداش الهی،^۳
- ۴- امید قطعی به گشایش،^۴
- ۵- به جبران محرومیتها امید بستن،^۵
- ۶- از خداوند یاری خواستن،^۶
- ۷- خاطره قهرمانان صبر را زنده نگه داشتن،^۷
- ۸- ایمان به «قضا» و «قدر»،^۸

تنها معنایی که جامع بین تمام اقسام صبر می‌باشد عبارت است از: «صبر، پایداری و انگیزه دینی است در مقابله با انگیزه شیطانی و غلبه و پیروز شدن انگیزه دینی بر انگیزه شیطانی» (ترك اعمال شهوت انگیز زاییده‌حالتی است که آن را صبر می‌نامند و آن عبارت از: پایداری و داشتن انگیزه دین در برابر انگیزه شهوت، و استقامت انگیزه دین نتیجه داشتن عداوت و تضاد شهوات با اسباب سعادت در دنیا و آخرت است.)^۹

۱- آل عمران (۳) آیه ۱۴۰ (ان یمسکم ...).

۲- نحل (۱۶) آیه ۵۳ (و ما بکم من نعمة ...).

۳- نحل (۱۶) آیه ۹۶ (و لنجزین الذین صبروا ...).

۴- طلاق (۶۵) آیه ۷ (سیجعل الله بعد عسر يسرا).

۵- نحل (۱۶) آیه ۴۱ و ۴۲ (و الذین هاجروا فی الله ...).

۶- بقره (۲)، آیه ۴۵ (واستعینوا ...).

۷- هود (۱۱) آیه ۱۲۰ (و کل نقص علیک ...).

۸- حدید (۵۷) آیه ۲۲ (و ما اصاب ...).

۹- جامع السعادات جلد ۳، ص ۲۸۱. المحجة البيضاء جلد ۷، ص ۱۰۹.

آفات صبر

- ۱- شتابزدگی،^۱
- ۲- خشم،^۲
- ۳- دلتنگی و افسردگی،^۳
- ۴- ناامیدی،^۴

۳- عدم سازش با انحرافات محیط

انتظار به مفهوم واقعی آن، مانع حل شدن آدمی در محیط فساد، و یا تسلیم شدن در برابر آن است. زیرا امید مهمترین حربه دفاعی اهل انتظار است که پیوسته آنها را به مقاومت و خویشتن‌داری دعوت می‌کند و در برابر امواج نیرومند فساد و تباهی مصونشان می‌دارد.

معمولاً هر موجودی که در مسیر رشد و کمال در حرکت است، برای ادامه حرکت، نیازمند به مصونیت از آفت است. زیرا پدیده آفت حرکت تکاملی آن را ضعیف و سرانجام متوقف می‌کند.

انسان هم در حرکت تکاملی خود به مصونیت شدید نیاز دارد تا از رکود و سستی محفوظ بماند. گاه فساد محیط ممکن است افراد پاک را هم‌رنگ محیط کرده، تدریجاً آنها را به سوی گناه بکشاند.

انتظار به معنای واقعی موجب می‌شود که آدمی از آسیب این آفت برکنار بماند. زیرا منتظر واقعی با داشتن امید به اصلاح، نهایت تلاش خود را برای حفظ خویش، و یا برای اصلاح محیط به کار می‌برد، و در محیط حل نمی‌شود.

۱- انبیا (۲۱) آیه ۳۷.

۲- انبیا (۲۱) آیه ۸۵ «ماجرای حضرت یونس»

۳- نحل (۱۶) آیه ۱۲۷.

۴- آل عمران (۳) آیه ۱۳۹.

امام رضا (ع) فرمود:

«هر کسی زمان او را درك کند باید به دین و مذهب او چنگ زند، و راهی را برای شیطان جهت تسلط به خودش باز نکند. درباره امام زمان تردیدی به خود راه ندهد، زیرا اگر به شك و تردید گرفتار شود، از دین و آیین من بیرون می‌رود، همچنان که شیطان پدر شما را از بهشت بیرون کرد. و خداوند شیطان را دوستان افراد بی‌ایمان قرار داده است.»^۱

۱- مسند الامام الرضا، جلد ۱، ص ۲۲۸، کمال الدین، ص ۵۱.

علائم و نشانه‌های قبل از ظهور حضرت مهدی (عج)، در کلام امام رضا علیه السلام

مقدمه

شرط ظهور امام زمان، گسترش ظلم و فساد در صحنه گیتی است. و این شرط به عنوان «شرط اضطراری» است نه «شرط اولیه». ولی این به آن معنی نیست که اگر مردم جهان همگی شایسته باشند حضرت ولی عصر ظهور نمی‌کند، و یا قیامش به تأخیر می‌افتد، بلکه منظور این است که اگر انسانها همه پاک و صالح باشند ظهور زودتر و با موفقیت‌تر انجام می‌گیرد. ولی اگر مردم نخواهند با ترك گناه و انجام وظایف الهی، خود را برای پذیرش آن حضرت آماده کنند، وقتی که دامنه ناامنی، ظلم و ستم همه جا را فراگرفت، در آن زمان است که به حکم «جبر» و «اضطرار» مردم هر لحظه، چشم به راه يك منجی و مصلح مقتدر هستند که وی با برنامه‌های عدالت‌پرور خود آنها را از این وضع نجات بخشد، و تمام جنبه‌های مادی و معنوی امور را - به موازات یکدیگر - به اوج تکامل خویش برساند.

لذا از مهمترین شرایط قیام ولی عصر، آمادگی و پذیرش مردم است.

آب کم‌جو، تشنگی آور به دست تا بجوشد آبت از بالا و پست

«مولوی»

۱- قیام مدعیان دروغین امامت

امام رضا (ع) فرمود:

«پیش از ظهور او، دوازده نفر از فرزندان حضرت ابوطالب (ع) خروج می‌کنند، و هر يك ادّعی امامت می‌نمایند.»^۱

۲- قطع روابط دوستی و خویشاوندی

امام رضا (ع) فرمود:

«برای مردمان فتنه‌ای کوبنده و آشوبی کمرشکن است که پرده‌ها برداشته می‌شود، دوستیها و خویشاوندیها از بین می‌رود، و آن هنگامی است که چهارمین فرزند من از دیده‌ها ناپدید شود.»^۲

۳- نامتعادل بودن اوضاع و احوال (ناامنی)

امام رضا (ع) فرمود:

«پیش از آن روز بسیار داغی است.»^۳

۴- کُشت و کشتار دائمی

امام رضا (ع) فرمود:

«پیش از قیام قائم، کشتاری است که لحظه‌ای قطع نمی‌شود.»

سؤال شد:

«کشتار قطع نشدنی چیست؟»

۱- بحار الانوار، جلد ۵۲، ص ۲۶۰، الزام الناصب، ص ۱۸۴، بشارة الإسلام، ص ۱۳۵.

۲- غیبت «نعمانی»، ص ۹۴، عیون اخبار الرضا، جلد ۲، ص ۶، منتخب الاثر، ص ۴۲۱.

۳- بحار الانوار، جلد ۵۲، ص ۱۸۲، غیبت «نعمانی»، ص ۱۴۴، بشارة الاسلام، ص ۱۶۲.

حضرت فرمود:

«کشتار مداومی که سرد نشود، و از حدّت و شدّت آن کاسته نشود.»^۱

۵- وقوع حادثه‌ای مهم بین مسجدالحرام و مسجدالنّبی

امام رضا (ع) فرمود: «از نشانه‌های فرج، حادثه‌ای است که در میان دو مسجد [مسجدالحرام و مسجدالنّبی (ص)] به وقوع می‌پیوندد. در آن حادثه فلانی، پانزده نفر از پهلوانان عرب را به قتل می‌رساند.»^۲

۶- از بین رفتن ارزشهای اصیل و پایدار در جامعه

امام رضا (ع) فرمود: «هنگامی که دانش از میان شما رخت بربندد، از زیر پای خود در انتظار باشید.» (این امر به طور ناگهانی فراخواهد رسید.)^۳

۷- رواج بدعتها (نوآوریها) در امر دین

امام رضا (ع) فرمود:

«زمانی بر مردم می‌آید که دل مؤمن در درونش ذوب می‌شود، چنان که سرب در آتش ذوب می‌گردد، و این بدان جهت است که از گرفتاری و نوآوریها در دینشان می‌بینند، ولی قدرت دگرگونی آنها را ندارند.»^۴

۱- بحار الانوار، جلد ۵۲، ص ۱۸۲، غیبت «نعمانی»، ص ۱۴۴.

۲- الزام التّاصّب، جلد ۲، ص ۱۴۷.

۳- بحار الانوار، جلد ۵۲، ص ۲۵۹، منتخب‌الاثّر، ص ۴۳۱، الزام التّاصّب، ص ۱۴.

۴- وسائل الشّیعه، جلد ۱۱، ص ۴۱۱.

۸- نیاز شدید مردم به پناهگاه امن

«حسن بن فضال» می گوید:

امام رضا (ع) فرمود: «گویی با چشم خود شیعیان را می بینم که به هنگام رحلت سومین فرزندم (امام حسن عسکری (ع)) در طلب پناهگاهی هستند ولی آن را نمی یابند.»

پرسیدم: «علت این امر چیست ای فرزند پیامبر خدا؟!»

فرمود: «زیرا امامشان از دیده‌ها پنهان است.»

پرسیدم: «چرا پنهان است؟»

فرمود: «زیرا هرگاه باشمشیر قیام کند، بیعت احدی در گردن او نباشد.»^۱

۹- سوختن و ساختن از درد هجران

امام رضا (ع) فرمود:

«همه اهل آسمان و زمین، بر او بگریند، و هر سزاوار (ناله و فریادی) و هر غمناک و ستمدیده پریشان حال، از درد هجران برای او گریه می کنند.»^۲

مشخصات ظهور

امام رضا (ع) فرمود: «مثل قائم آل محمد (ص)، مثل قیامت است که به طور ناگهانی ظاهر می شود.»

همان گونه که خداوند در قرآن می فرماید:

از تو درباره قیامت می پرسند که وقوع آن چه وقت است؟ بگو: «علم

۱- بحار الانوار، جلد ۵۱، ص ۱۵۲.

۲- بحار الانوار، جلد ۵۱، ص ۱۵۲، کمال الدین، جلد ۲، ص ۳۷۰.

آن، تنها نزد پروردگار من است. جز او [هیچ کس] آن را به موقع خود آشکار نمی‌گرداند [این حادثه] بر آسمانها و زمین گران است، جز ناگهان به شما نمی‌رسد. «اعراف (۷) آیه ۱۸۷»^۱.

در آیه مزبور، دو نشانه مجمل و سربسته برای قیامت ذکر شده است:

۱- به وقوع پیوستن حوادث سنگین و رویدادهای سخت به هنگام ماجرای قیامت. زیرا در آن زمان، همه کرات آسمانی به هم می‌ریزند، آفتاب خاموش، ماه تاریک، ستارگان بی فروغ و اتمها متلاشی می‌گردند.

۲- فرارسیدن قیامت به‌طور ناگهانی. در زمان ظهور حضرت مهدی [عج] نیز:

اولاً جهانی نو با طرحی تازه ریخته می‌شود.

ثانیاً قیام آن حضرت ناگهانی است، و به شکل انقلابی تحقق می‌یابد. امام رضا (ع) فرمود:

«اگر از عمر جهان جز يك روز باقی نماند، همان يك روز را خداوند آن قدر طولانی و دراز کند، تا (حضرت مهدی) خروج کند، و جهان را در حالی که آکنده از ستم شده باشد، از عدالت و دادگری پُر کند.»^۲

مکان ظهور

امام رضا (ع) فرمود:

«برای او منادیی غیبی از آسمان ندا می‌کند و همه مردم روی زمین آن ندا را می‌شنوند که آنها را به سوی او دعوت می‌کند، و می‌گوید: آگاه

۱- بوم الخلاص، ص ۲۳۴.

۲- کفایة الأثر، ص ۲۷۳، کمال الدین، ص ۳۷۲، اثبات الهداة، جلد ۳، ص ۴۵۷.

باشید که حجّت خدا در کنار خانه خدا ظاهر شده است. از او پیروی کنید که حقّ با اوست. و در دست قدرت اوست.»

«مهدی منتظر در لسان ادیان و به اتفاق مسلمین از کعبه ندا سر می‌دهد، و بشریت را به توحید می‌خواند. همه فریادها را از کعبه و مکه سر می‌دهند، و ما باید از آنها تبعیت کنیم، و ندای توحید کلمه و کلمه توحید را از آن مکان مقدّس سردهیم، و با فریادها و دعوتها و تظلمها و افشاگریها و اجتماعات زنده و کوبنده در مجمع مسلمین در مکه مکرمه بتها را بشکنیم، و شیاطین را که در رأس آنها شیطان بزرگ است در عقبات رمی کنیم و طرد نماییم تا حجّ خلیل الله و حبیب الله و ولی الله مهدی عزیز را به جا آورده باشیم، و الا در حقّ ما گفته می‌شود:

«مَا أَكْثَرَ الضَّجِيجَ وَأَقْلَّ الْحَجِيجَ»^۱

«چه بسیار است هیاهو و فریاد، و چه اندکند حاجیان واقعی و زایران

با اخلاص»

حالت امام در هنگام ظهور

امام رضا (ع) فرمود:

«او در حالی ظهور می‌کند که جبرئیل در دست راست او، میکائیل در

۱- صحیفه نور، جلد ۱۸، ص ۸۸ (۱۲/۶/۶۲).

زمانی که امام سجاد (ع) به مکه مشرف شده بود، در عرفات مردم زیادی اطراف حضرت جمع شده بودند. حضرت از یکی از اصحابش به نام «زُهری» پرسید: به نظر تو تعداد اینها چقدر است؟ او عدد زیادی را حدس زد و گفت این همه برای آدای فریضه حجّ و زیارت خانه خدا آمده‌اند. امام (ع) فرمود: ای زُهری! چقدر صیحه و فریاد زیاد است و حجّ کننده کم! زُهری از سخن امام شگفت زده شد امام به وی فرمود: صورتت را نزدیک من بیاور. نزدیک آورد. امام دستی به صورتش کشید. سپس فرمود: نگاه کن. او به مردم نظر انداخت. می‌گوید: همه مردم را به صورت میمون دیدم مگر عده قلیلی از آنان را. بحار الانوار، جلد ۹۶، ص ۲۵۸.

طرف چپ او، و شعیب بن صالح در پیشاپیش او حرکت می‌کند.^۱

مدت زمان اصلاحات

امام رضا (ع) فرمود:

«خداوند کار او را در يك شب فراهم می‌کند. چنان که کار موسای کلیم را در يك شب فراهم کرد. هنگامی که رفت تا برای خانواده‌اش آتش بیاورد، پس با رسالت برگشت و به مقام پیامبری رسید.»^۲

بدیهی است که آنچه در آن شب به سامان رسید، فقط مأمور شدن حضرت موسی به رفتن نزد قومش بود، و تا نابودی فرعون و ایجاد ملت‌ی موحد، سالها به طول انجامید. در زمان ظهور امام زمان [عج] نیز جامعه اسلامی با مشکلات فراوانی روبه روست، و آن حضرت در رابطه با مردم زمان مأموریتی همانند رسالت پیامبر اکرم (ص) برعهده دارد، و این تغییر و اصلاح تدریجی است و با اتمام حجّت آن حضرت با مردم آغاز می‌گردد.

از روایت امام هشتم (ع) چند مطلب اساسی استفاده می‌شود:

- ۱- وعده‌پیروزی نهایی حق و مجازات باطل به روشنی بازگو شده است.
- ۲- حسّاس‌ترین لحظات زندگی ولی عصر، همان لحظه‌ای است که نخستین جرقه امید در جهان می‌درخشد، و مردم با پیام و سخن وی آشنایی شوند.

۳- تشبیه کار حضرت مهدی [عج] به کار حضرت موسی (ع)، در حقیقت مقدمه‌ای است برای بیان معجزه‌ای که برای حضرت پیش می‌آید، و گواه زنده‌ای است که این يك امر الهی است.

۴- حضرت مهدی [عج] در اجرای مأموریت الهی خود، کاملاً در

۱- یوم الخلاص، ص ۲۸۷.

۲- الزام الناصب، ص ۶۸، منتخب الأثر، ص ۴۳۴، یوم الخلاص، ص ۲۸۶، ۲۸۷.

حریم امن پروردگار قادر متعال است، و حضور او در بین مردم ملازم با امنیت مطلق است.

خداوند متعال در قرآن کریم،^۱ گوشه‌ای از سرگذشت حضرت موسی^۱ را به روشنی بازگو فرموده است:

«زمانی که مدت قرارداد حضرت موسی با «شعیب»، در «مدین» پایان یافت، همسر و فرزند و همچنین گوسفندان خود را برداشت و از «مدین» به سوی مصر رهسپار شد. هنگامی که شب فرارسید در بیابانی تاریک و ظلمانی گرفتار آمد، و راه را گم کرد. گوسفندان او در بیابان متفرق شدند، می‌خواست آتشی روشن کند تا در آن شب سرد، خود و فرزندانش گرم شوند، ولی در آن بیابان چیزی پیدا نبود. در این اثنا درد وضع حمل به همسر باردارش دست داد، باد و طوفانی از حوادث سخت، او را محاصره کرد. در این هنگام بود که شعله آتشی را از دور دید، خوشحال شد، و آن را دلیلی بر وجود انسان یا انسانهایی گرفت و گفت می‌روم یا برای شما خبری می‌آورم و یا شعله آتشی برگیرم که با آن گرم شوید. پس موسی^۱ خانواده‌اش را در همان جا گذاشت و بدان سو که آتشی دیده بود، حرکت کرد. هنگامی که نزد آتش رسید، مقدمات رسیدن به امر خطیر «رسالت» برای وی فراهم شد.»

شروع اصلاحات

«عبدالسلام بن صالح هروی» گوید:

از امام رضا (ع) پرسیدم: «حضرت قائم هرگاه قیام کند، از کجا شروع می‌نماید؟»

۱- طه (۲۰) آیه ۹ تا ۱۱، نمل (۲۷) آیه ۷ تا ۱۰.

فرمود: «از «بنی شیبه» شروع می‌کند، و دستهای آنها را قطع می‌نماید.
زیرا آنان دزدان خانه خدا هستند.»^۱

تعداد یاران حضرت مهدی [عج] و خصوصیات آنان

امام رضا (ع) فرمود:

«آن حضرت دارای گنجهایی است ولی نه از طلا و نقره، بلکه از بهترین مرکبها و بهترین رزمندگان با علامتهای مشخص.

خداوند تبارک و تعالی آنها را از نقاط مختلف برای حضرت مهدی (عج) جمع می‌نماید. به تعداد اهل بدر یعنی سیصد و سیزده نفر برای او سپاه گرد می‌آورد.

او نوشته‌ای در دست دارد که لاک و مهر شده، و در آن تعداد و اسامی اصحاب او، و نیز نسب شهرهای آنها و خلق و خوی، وضع ظاهری، چهره و قیافه و نیز کنیه آنان ثبت شده است.

این نفرات جنگاور بوده، در اطاعت و فرمانبرداری از او تلاشگر هستند، و سخت‌کوشانه عمل می‌کنند. (همگی مطیع و جانباز در فرمان او هستند.)^۲

۱- مسند الامام الرضا (ع)، جلد ۱، ص ۲۲۰.

۲- عیون اخبار الرضا، جلد ۱، باب ۶، حدیث ۱۹، بحار الأنوار، جلد ۵۲، ص ۳۱۰.

اقدامات حضرت قائم (عج) در زمان ظهور

۱- به قتل رساندن ستمگران، و رضایت دهندگان به ظلم

«عبدالسلام بن صالح هروی» گوید:

از حضرت رضا (ع) پرسیدم:

«نظر مبارك شما درباره حدیث زیر که از امام صادق (ع) روایت شده

است، چیست؟»

«هرگاه قائم (عج) قیام (خروج) کند، ذریه‌ها و نوادگان قاتلان امام

حسین (ع) را به خاطر اعمال ننگین پدرانشان به قتل خواهد رساند.»

امام رضا (ع) فرمود: «روایت کاملاً صحیح است.»

پرسیدم: «پس معنای آیه زیر چیست؟»

«و هیچ باربرداری بار [گناه] دیگری را بر نمی‌دارد.»^۱

امام (ع) فرمود:

«خداوند در جمیع گفتارش صادق و راستگوست. ولی ذریه‌های

کشندگان امام حسین (ع)، به اعمال زشت پدرانشان راضی هستند، و

به آن جنایتها افتخار می‌کنند، و هر کس به کاری راضی باشد همچون

کسی است که آن را انجام داده، و چنانچه مردی در مشرق کشته شود،

و مرد دیگری در مغرب به کشته شدنش راضی باشد، آن که رضا داده نزد خدای عزّ و جل شریک قاتل محسوب خواهد شد. بنابراین تنها بدین جهت حضرت قائم (عج) در هنگام خروج آنها را می کشد که از کردار پدرانشان راضی اند.»^۱

۲- پاکسازی جهان از هر آلودگی

امام رضا (ع) فرموده است: «چهارمین فرزند من، پسر بهترین کنیزان (نرجس خاتون) است. خداوند به وسیله او زمین را از هر ستمی پاک می گرداند، و از هر بی عدالتی منزّه می سازد.»^۲

۳- ایجاد قسط و عدل

استاد عالیقدر، و مفسّر حکیم الهی مرحوم علامه طباطبایی (ره) در پاسخ پروفیسور «هانری کربن» استاد فلسفه در دانشگاه سوربن فرانسه، در مورد فلسفه ظهور چنین فرموده است:

«تحقق یافتن عدالت جهانی به مفهوم دسترسی هر پدیده زنده‌ای به حقّ خویشتن، بزرگترین فلسفه ظهور امام عصر است. و جالب این است که بزرگترین فلسفه ظهور در میان صدها روایت نبوی و احادیث پیشوایان معصوم برقراری عدل و گسترش آن توصیف شده است...
گره کوری که نه علم می تواند با آن همه ریزه کاریهایش، و نه عقل با آن همه دقتهایش، و نه هنر و عاطفه با آن همه نازک اندیشیهایش از جسم و

۱- عیون اخبار الرضا، ص ۱۵۱.

۲- اثبات الهداة، جلد ۳، ص ۴۷۸، اعلام السوری، ص ۴۰۸، منتخب الاثر، ص ۲۲۰،

اختصاص «مفید»، ص ۳۱۶.

جان بشریت باز کند، جنگها، اختلافات طبقاتی، استعمار با اشکال گوناگونش، ستمهای ستمگران و ستمهای به اصطلاح دادگران دیکتاتوری، اختناق امپریالیسم پشت دیوار کمونیسم و مارکسیسم و امپریالیسم برپیشانی کاپیتالیسم و نظارت سرمایه‌داری، همه و همه شهادت می‌دهند که عدالت جهانی مُرده است و جهان دارای مهندس و باغبانی است که بتواند با معیارهایی تمام ابعاد انسان را بشناسد، درخت تنومند عدالت جهانی را سرسبز کند، و کاخ تکامل انسان و دیگر پدیده‌های جاندار را برپا سازد، و شیعه معتقد است که امام محمد بن حسن العسکری عبد صالح، حضرت قائم (عج) برپاکننده این عدالت جهانی خواهد بود.^۱

امام رضا (ع) فرمود: «هرگاه حضرت مهدی (عج) ظهور کند، زمین به نور پروردگارش می‌درخشد. او ترازوی عدالت را در میان مردم قرار می‌دهد. دیگر احدی به کسی ستم نمی‌کند.»^۲

نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد
امام رضا (ع) فرمود: «اگر از عمر جهان جز یک روز باقی نماند، همان یک روز را خداوند آن قدر طولانی و دراز کند، تا (حضرت مهدی) خروج کند، و جهان را در حالی که آکنده از ستم شده باشد، از عدالت و دادگری پر کند.»^۳

«وقتی که ایشان ظهور کند تمام بشر را از انحطاط بیرون می‌آورد، تمام

۱- مجموعه‌ای از گفتارها درباره حضرت مهدی (عج) تحت عنوان «بقیة الله» چاپ دوم، ص ۱۸۹، به نقل از مکتب تشیع ص ۹۲.

۲- اعلام الوری، ص ۴۰۸، اختصاص «مفید» ص ۳۱۶.

۳- کفایة الاثر، ص ۲۷۳.

کجیها را راست می‌کند، همچو نیست که این عدالت همان که ما از آن می‌فهمیم که نه يك حکومت عادلّی باشد که دیگر جور نکند آن، این هست اما خیر، بالاتر از این معناست. معنی «يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مُلِئَتْ جَوْرًا.» الآن زمین و بعد از این، شاید از این هم بدتر بشود. پر از جور است تمام نفوسی که هستند انحرافات در آنها هست. حتّی نفوس اشخاص کامل هم در آن انحرافات هست ولو خودش نداند. در اخلاقها انحراف هست. در عقاید انحراف هست. در اعمال انحراف هست و در کارهایی هم که بشر می‌کند انحرافش معلوم است و ایشان مأمورند برای این که تمام این کجیها را مستقیم بکنند و تمام این انحرافات را برگردانند به اعتدال، که واقعاً صدق بکند: «يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مُلِئَتْ جَوْرًا.»^۱

۴- گشودن عقده‌ها، و شفا بخشنده تمام دردهای درون

«حسن بن محبوب» از حضرت رضا (ع) روایت کرده است که آن حضرت فرمود:

«گویا او را می‌بینم که دل مردم را شاد کند. آوازی بلند می‌شود که دور و نزدیک آن را بشنوند، و آن آواز برای مؤمنان رحمت و برای کافران عذاب است.»

عرض کردم: «پدر و مادرم فدایت! آن چیست؟»

فرمود: «سه آواز؛ در ماه رجب برآید.

اوّل: آگاه باشید که لعنت خدا بر ستمکاران باد.

دوم: ای گروه مؤمنان، گرفتاری هولناک فرا رسید.

سوم: بدنی را خواهند دید که در پیشاپیش آفتاب آشکار می‌شود، و آواز می‌دهد. خداوند برای براندازی ستمگران فلانی را برانگیخت در آن هنگام فرج مؤمنین فرامی‌رسد، و خداوند سینه‌های آنان را شفا بخشد، و عقده‌های دلشان برطرف گردد.^۱

برهم زنید یاران این بزم بی‌صفا را
مجلس صفا ندارد بی‌یار مجلس آرا
بی‌شاهدی و شمعی هرگز مباد جمعی
بی‌لاله شور نبود مرغان خوشنوا را
بی‌نغمهٔ دف و چنگ مطرب برقص ناید
وجد سماع باید کز سر برد هوارا
جام مدام گلگون خواهد حریف موزون
بی‌می‌مدان تو میمون جام جهان‌نما را
بی‌سرو قد دلجوی هرگز مجولب جوی
بی‌سبزهٔ خطش نیست آب روان گوارا
بی‌چین طرهٔ یار تار کم زیك تار
بی‌موی او به مویی هرگز مخر، ختارا
بی‌جامی و مدامی هرگز نپخته خامی
تا کی به تلخ کامی سر می‌بری نگارا
از دولت سکندر بگذر، برو طلب کن
با پای همت خضر سرچشمه بقارا
بر دوست تکیه باید بر خویشان نشاید
موسی صفت بیفکن از دست خود عصارا

۱- غیبت «نعمانی»، ص ۱۸۱.

بیگانه باش از خویش و ز خویشان میندیش
 جز آشنا نبیند دیدار آشنا را
 پروانه‌وش ز آتش هرگز مشو مشوش
 دانند اهل دانش عین بقا فنا را
 داروی جهل خواهی بطلب ز پادشاهی
 کاکلیم معرفت را امروزه اوست دارا
 دیباجه معارف سر دفتر عوارف
 معروف کل عارف چون مهر عالم آرا
 عنوان نسخه غیب سر کتاب لاریب
 عکس مقدس از عیب محبوب دلربا را
 ناموس اعظم حق غیب مصون مطلق
 کاندلر شهود اویند روحانیون حیاری
 آینه تجلی معشوق عقل کلی
 سرمایه تسلی عشاق بینوا را
 اصل اصیل عالم فرع نبیل خاتم
 فیض نخست اقدام سر عیان خدا را
 در دست قدرت او، لوح قدر زیون است
 با کلك همت او، وقعی مده قضا را
 ای هدهد صبا گوی طاووس کبریا را
 باز آ که کرده تاریک زاغ و زغن فضا را
 ای مصطفی شمائل، وی مرتضی فضائل
 وی احسن الدلائل یاسین و طاوهارا
 ای منشی حقایق، وی کاشف دقایق
 فرمانده خلافت رب العلی علی را

ای کعبه حقیقت وی قبله طریقت
 رکن یمان ایمان عین الصفا صفا را
 ای رویت آیه نور، وی نور وادی طور
 سر حجاب مستور از رویت آشکارا
 ای معدلت پناهی هنگام دادخواهی
 آورنگ پادشاهی شایان بود شما را
 انگشتر سلیمان شایان اهرمن نیست
 کی زبید اسم اعظم دیو و دد دغا را
 از سیل فتنه کفر اسلام تیره گون است
 دین مبین زبون است در پنجه نصارا
 ای هر دل از تو خرم پشت و پناه عالم
 بنگر دچار صد غم يك مشت بینوا را
 ای رحمت الهی دریاب «مفتقر» را
 شاهها به يك نگاهی بنواز این گدا را^۱

۵- داوری بی نظیر

امام رضا (ع) فرموده است: «هنگامی که قائم ما [عج] قیام کند، به سه چیز داوری کند که احدی پیش از او داوری نکرده است: ۱- پیرمرد زناکننده را می کشد، ۲- مانع الزکات را به قتل می رساند، ۳- برادر را از «اظله» ارث می دهد.»^۲

۱- علامه فقید، شیخ محمدحسین غروی اصفهانی معروف به «کمپانی».

۲- الزام الناصب، ص ۱۴۰، بحار الانوار، جلد ۵۲، ص ۳۰۹، بشارة الاسلام،

شاید منظور از «اظله» برادری است که هنوز به شکل جنین در رحم مادر است و قدم در این عالم نگذاشته است. و شاید منظور از آن، دو مؤمن باشد که در عالم ارواح با یکدیگر برادرند، گرچه در جهان ماده با هم هیچ گونه رابطه خویشاوندی نداشته باشند.

۶- سهل شدن مشکلات

امام رضا (ع) فرموده است: «خداوند به دست او زمین را از لوث کافران و منکران پاک می کند. زمین زیر پایش می پیچد، و هر کار سخت و دشواری برای او آسان می شود.»^۱

۷- بسط و گسترش فرهنگ غنی اسلام

خداوند در قرآن می فرماید:

« هر که در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است و به سوی او بازگردانیده می شوید. » [آل عمران (۳)، آیه ۸۳]

«ابوبکر» گوید: امام رضا (ع) در تفسیر آیه فوق فرموده است:

«آیه مذکور، در حق قائم [عج] نازل شده است. هرگاه امام زمان ظهور کند، به کافران و مرتدان مشرق و مغرب اسلام را عرضه می کند. هر کس از روی علاقه بپذیرد، او را به نماز و زکات و دیگر فرایض اسلام فرمان دهد. هر کس اسلام را نپذیرد، گردنش را می زند تا در شرق و غرب جهان کسی باقی نباشد جز گروندگان به خداوند یگانه.»

«ابوبکر» گفت: «جانم فدایتان باد! تعداد مردمانی که یکتاپرست نیستند خیلی بیش از اینهاست.»

حضرت فرمود: «هرگاه خداوند اراده کند، تعداد اکثریت را کاهش دهد، و اقلیت را افزایش بخشد.»^۱

۸ - حاکمیت نظام توحیدی تا روز رستاخیز

امام رضا (ع) از پدران گرامیش نقل فرموده که حضرت رسول (ص) در حدیث معراج به خدا عرضه داشت:

«پروردگارا! جانشینان من چه کسانی هستند؟»

پس ندا رسید: «ای محمد! جانشینانت در سراپرده عرش مکتوبند.

اوّل ایشان حضرت علی (ع) و آخرینشان حضرت مهدی (عج) است. سوگند به عزّت و جلال خودم که زمین را به وسیله آخرینشان از ظلم و ستم پاک کنم و جهان را از خاور و باختر در تصرفشان درآورم و بادها را به تسخیرشان و...

ایشان را بالشکریانم یاری کنم، و به فرشتگانم مدد نمایم تا این که دولت حقّ مرا برپا سازند، و خلق را در راه یگانه پرستی و توحید مجتمع کنند، سپس ملک و حاکمیتشان را ادامه دهم و ایامشان را تا روز رستاخیز تداوم بخشم.»^۲

ندیم و مصاحب حضرت قائم (عج)

امام رضا (ع) فرموده است:

«حضرت خضر از آب حیات نوشیده است، و لذا او زنده است و تا دمیدن صور نخواهد مُرد. او همواره نزد ما می آید، و بر ما سلام

۱- منتخب الاثر، ص ۴۷۱.

۲- المهدی، ص ۲۳۷ به نقل از «ینابیع المودّة».

می‌کند، صدایش شنیده می‌شود، ولی خودش دیده نمی‌شود...
 او هر کجا یاد شود، آنجا حضور می‌یابد، و لذا هر کس او را یاد کند به
 او سلام بگوید. او همه ساله در موسم حج شرکت می‌کند، و مراسم
 حج را انجام می‌دهد، و در عرفات می‌ایستد، و به دعای مؤمنین «آمین»
 می‌گوید.

خداوند به زودی قائم ما را با خضر مأنوس کند، و وحشت او را به
 ایمنی تبدیل نماید و با مأنوس بودن او، قائم [عج] را از رنج غربت و
 تنهایی رهایی خواهد بخشید.^۱

«غربت» دارای دو معناست:

۱- دوری از خاندان، و وطن و شهر و دیار

۲- کمی یاران واقعی و سخت‌کوش

و امام زمان [عج] به هر دو معنا غریب است.

یکی از بزرگان محدثین سنی به نام «نووی» در کتاب خود «تهذیب

الاسماء» می‌نویسد:

«در مورد طول عمر خضر و نبوت او اختلاف است. اکثر دانشمندان
 معتقدند او از دانشمندان بوده، نه پیامبر. و الآن هم زنده است و به‌طور
 ناشناس در بین مردم زندگی می‌کند. این مطلب نزد جمعی از عرفا و
 اهل صلاح و معرفت نیز معروف است و حکایات فراوانی درباره
 مشاهده خضر و تماس با او، و سؤال و جوابهایی که با او شده، و
 مطالبی که از وی گرفته‌اند، و حضور او را در امکانه شریفه، نقل
 می‌کنند که مشهور است و احتیاج به ذکر ندارد.»

«شیخ ابو عمرو بن صلاح» در فتاوی خود می‌گوید:

۱- اثبابة الهداة، جلد ۳، ص ۴۸۰، بحار الانوار، جلد ۵۲، ص ۱۵۲ و ۲۷۷.

او به عقیده غالب علما و اهل صلاح زنده است، و توده مردم نیز چنین اعتقادی دارند، و تنها افراد معدودی از علمای حدیث وجود او را انکار کرده‌اند.

از برخی روایات استفاده می‌شود که نام اصلی «خضر»، «بلیا ابن ملک‌ان» بوده، و خضر لقب اوست. زیرا هر کجا گام می‌نهد، زمین از قدومش سرسبز می‌شده است. علت این که «خضر» نامیده شده، سه قول (نظریه) وجود دارد:

- ۱- بر هر چوب خشکی می‌نشست، سبز می‌شد.
- ۲- هر گاه نماز به جای می‌آورد، اطرافش سبز می‌شد.^۱
- ۳- او در سرزمین سفیدی بود که به یکباره تکان خورد و سبز شد.

شباهتهای حضرت مهدی و حضرت خضر [سلام]... علیهما]

- ۱- حضرت خضر (ع) در هر سرزمینی که فرود آید، سرسبز و مصفاً شود، حضرت قائم (عج) نیز به هر سرزمینی که بگذرد، سرسبز و پر گیاه شود، و آب از آن جا می‌جوشد، و چون از آن جا برود آب فرومی‌رود، و زمین به حال خود برمی‌گردد.^۲
- ۲- خداوند به حضرت خضر (ع)، قدرت و نیرویی عنایت فرموده که به هر شکلی که بخواهد در می‌آید، چنان که «علی بن ابراهیم» در تفسیرش از امام صادق (ع) روایت کرده است^۳ به حضرت قائم (عج) نیز خداوند همین قدرت را عنایت فرموده است.

۱- کمال الدین، جلد ۲، ص ۳۹۱.

۲- نجم الثاقب، ص ۱۴.

۳- تفسیر القمی، ص ۴۰۴.

۳- حضرت خضر مأمور به علم باطن بود. چنان که به حضرت موسی گفت:

«تو هرگز نمی توانی همپای من صبر کنی. و چگونه می توانی بر چیزی که به شناخت آن احاطه ننداری صبر کنی؟» [کهف (۱۸) آیه ۶۷ و ۶۸].

حضرت قائم (عج) نیز مأمور به علم باطن است.

۴- حضرت خضر، راز و رمز و کارهای شگفت انگیزش آشکار نشد مگر بعد از آن که خودش فاش کرد. حضرت قائم (عج) نیز سرّ غیبتش آن طور که باید مکشوف نمی شود مگر بعد از ظهور.

۵- حضرت خضر، هر سال در مراسم حج شرکت می کند و تمام مناسک را انجام می دهد، حضرت قائم (عج) نیز هر سال در مراسم حج شرکت می کند و مناسک را به جای می آورد.

مشخصات حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در کلام امام رضا (ع)

الف - مشخصات جسمی (ظاهری)

- مجهول ماندن و ولادت او بر مردمان
- عاجز بودن دیدگان از رؤیت جمال دلگشای او
- ندانستن نام حقیقی او
- عطر آگین تر از هر مشک
- سیمای موسی بن عمران داشتن
- ساطع شدن نور الهی از رخساره اش
- اعتدال کامل اندام
- سیمای جوان چهل ساله داشتن
- برخورداری از نیروی «طی الارض»
- عدم انعکاس جلوه او بر زمین (سایه نداشتن)

ب - مشخصات روحی

- زهد و ساده زیستی
- بصیرت و بینایی در حدّ اعلا

- توان رهبری و سیاستمداری
- اسوه مکارم اخلاق
- مستجاب الدعوه بودن
- دارا بودن خلق خوش محمّدی (ص)
- توانمندی بی نظیر

الف - مشخصات جسمی (ظاهری) حضرت مهدی [عجل الله تعالی فرجه الشریف]

مجهول ماندن ولادت او بر مردمان

امام رضا (ع) فرموده است: «خداوند برای این امر (اصلاح جهان) مردی را برمی انگیزد که ولادتش بر مردمان پوشیده است. ولی نسب و شخصیت او بر کسی پوشیده نیست.»^۱

امام رضا (ع) فرموده است: «خلف صالح (جانشین شایسته) از فرزندان ابو محمد حسن بن علی است، و او صاحب الزمان و مهدی است.»^۲

عاجز بودن دیدگان از رؤیت جمال دلگشای او

ندانستن نام حقیقی وی

«ریان بن صلت» گوید: از حضرت رضا (ع) شنیدم که چون درباره قائم سؤال شد: فرمود: «شخص او از دیده‌ها ناپدید می‌شود، و نام او برده نمی‌شود.»^۳

۱- منتخب الأثر، ص ۲۲۸. كشف الغمّه، جلد ۳، ص ۳۱۴.

۲- ینابیع المودّة، ص ۴۹۱. منتخب الأثر، ص ۲۲۹، حدیث ۶.

۳- اثبات الهداة، جلد ۳، ص ۴۷۷.

عطر آگین تر از هر مشک

امام رضا (ع) فرمود: «عطر وجود حضرت مهدی از هر مشکی معطرتر است.»^۱

سیمای موسی بن عمران داشتن

امام رضا (ع) فرمود: «پدر و مادرم به فدای کسی که همانم جدّم محمد (ص) است. سیمای او شبیه من، و شبیه موسی بن عمران است.»^۲

امام زمان (عج) از چهار جهت به حضرت موسی بن عمران (ع) شباهت دارد:

- ۱- مخفی بودن دوران حمل هر دو بزرگوار،
 - ۲- مخفی بودن دوران ولادت هر دو بزرگوار،
 - ۳- غایب بودن هر دو از قومشان،
 - ۴- تحمل رنجها و ناگواریها از جانب پیروانشان در هنگام غیبت هر دو.
- حضرت موسی (ع)، هنگامی که از قومش غایب شد، شرایط سخت و مصیبت باری برای مردم آن زمان پیش آمد، به طوری که دشمنانشان پسران آنها را می کشتند، و زنانشان را زنده می گذاشتند، دوستان و پیروان حضرت قائم نیز در دوران غیبتش، به انواع رنجها گرفتارند، تا خداوند مؤمنان را از هر ناخالصی پاک کند، و کافران را به هلاکت رساند.
- زندگی شد سخت و شادی رفت و آسایش نماند

بی تو «یابن العسکری» آرام جان گم کرده ایم

۱- الزام انصاف، ص ۹.

۲- منتخب الاثر، ص ۴۲۲.

ساطع شدن نور الهی از رخساره‌اش

امام رضا (ع) فرموده است: «... هاله‌ای از نور او را احاطه کرده، و نور الهی از چهره‌اش ساطع است.»^۱

اعتدال کامل اندام

امام رضا (ع) فرموده است: «امام زمان با خلقت معتدل و درخشش چهره شناخته می‌شود.»^۲

سیمای جوان چهل ساله داشتن

«ابوصلت هروی» گوید:

از امام هشتم (ع) پرسیدم که نشانه‌ی قائم شما در وقت ظهور چیست؟
امام پاسخ داد:

«نشان وجود قائم ما این است که در سن پیران، ولی در عین حال جوان رخسار است. به طوری که بیننده گمان می‌کند که او مردی چهل ساله یا کمتر (جوانتر) است. و از علامات او این است که با گذشت عمر و مرور زمان (روز و شب) پیر نمی‌شود، و همچنان در سیمای جوان باقی می‌ماند، تا بدرود حیات گوید.»^۳

«خداوند تبارک و تعالی حضرت مهدی را ذخیره کرده است که همان معنایی را که همه انبیا آرزو داشتند، لکن موانع اسباب این شد که نتوانستند اجرا بکنند، و همه اولیا نیز آرزو داشتند و موفق نشدند ولی به دست این بزرگوار اجرا می‌شود.

۱ و ۲ - منتخب الاثر، ص ۴۲۲.

۳ - بحار الانوار، جلد ۲۵، ص ۲۸۵.

خدای تبارک و تعالی برای يك همچو معنایی این بزرگوار را طول عمر داده، ما از آن می فهمیم که در بشر کسی نبوده است دیگر، که قابل يك همچو معنایی و بعد از آن انبیا که آنها هم بودند لکن موفق نشدند. کسی بعد از انبیا و اولیای بزرگ پدران حضرت موعود، کسی نبوده است که بعد از این، اگر مهدی موعود هم مثل سایر اولیا به جوار رحمت حق می رفتند، دیگر در بشر کسی نبوده است که این اجرای عدالت را بکند. نمی توانسته و این يك موجودی است که ذخیره شده است برای يك همچو مطلبی.^۱

بر خورداری از نیروی طی الارض: [پیمودن هر نقطه از جهان که اراده کند].
امام رضا (ع) فرمود: «او کسی است که زمین برایش طی (پیموده) می شود.»^۲

عدم انعکاس جلوه او بر زمین (سایه نداشتن)

امام رضا (ع) فرمود: «او کسی است که سایه اش بر زمین نیفتد.
(همچون جد بزرگوارش ابر بالای سر او حرکت می کند).»^۳

ب: مشخصات روحی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

زهد و ساده زیستی

امام رضا (ع) فرمود: «لباس قائم، چیزی جز پارچه خشن نیست، و

۱- حضرت آیه ... العظمی امام خمینی «قدس سره»، صحیفه نور، جلد ۱۲، ص ۲۰۷

(۵۹/۴/۷).

۲ و ۳- اعلام الوری، ص ۴۰۸. اختصاص «مفید»، ص ۳۱۶.

غذای او نیز تنها، غذای ساده و کم اهمیت است.^۱ طبق آنچه در این روایت آمده موضوع ساده زیستی زندگی و دور از تکلف حضرت مهدی بهترین سرمشق و الگویی است برای پیروان آن حضرت در جهت مبارزه آنها با تمام نشانه‌های تجمل پرستی و زرق و برق زندگی و تشریفات بیهوده و کمرشکن و سوق دادن آنها به حیات طیبه. «يك زندگی توأم با قناعت»

بصیرت و بینایی در حدّ اعلا

امام رضا (ع) فرمود: «برای ما اهل بیت، دیدگانی است که به چشمهای مردم شباهت ندارد، و نوری در آن است که شیطان را در آن بهره‌ای نباشد.»^۲

توان رهبری و سیاستمداری

امام رضا (ع) فرمود: «از ویژگیهای حضرت مهدی، قدرت رهبری و سیاستمداری است.»^۳

قدرت رهبری و سیاستمداری در رابطه با امام زمان عبارت است از این که وی دارای آن چنان تدبیری است که می‌تواند همه امور را با بهترین وجه اداره کند، و تمام نیروهای موجود را که در اختیار دارد، برای محو آثار شرك و استضعاف به بهترین وجه بسیج نماید، و با استقرار کامل و همه جانبه ارزشهای انسانی، جامعه آرمانی برای بشریت به ارمغان آورد.

۱- غیبت «نعمانی»، ص ۱۵۲، مسند الامام الرضا (ع)، جلد ۱، ص ۲۱۹، منتخب الاثر،

ص ۳۰۷.

۲- امالی «طوسی»، جلد ۱، ص ۲۵۰.

۳- اصول کافی، جلد ۱، ص ۲۰۲.

أسوه مكارم اخلاق

امام رضا (ع) فرمود: «او داناترین مردمان، حکیم‌ترین آنان، باتقواترین انسانها، بردبارترین مردمان، سخی‌ترین آنان، و عابدترین همگان است. ... از پشت سر چون پیش رو می‌بیند.

او را سایه نباشد.

دیدگانش در خواب فرو می‌رود، ولی دلش همیشه بیدار است. فرشتگان با او سخن گویند.^۱

مستجاب الدعوه بودن

امام رضا (ع) فرمود: «دعای حضرت مهدی، همواره به اجابت می‌رسد. اگر در مورد سنگی دعا کند، از وسط به دو نیم می‌شود.»^۲

دارا بودن خلق خوش محمدی (ص)

امام رضا (ع) فرمود: «اخلاق پسندیده حضرت مهدی، چون جدّ بزرگوارش رسول اکرم (ص) است.»^۳

توانمندی بی نظیر

از «ریان بن صلت» روایت شده که گوید: از حضرت رضا (ع) پرسیدم: «آیا شما صاحب امر هستید؟»

فرمود: «آری! من صاحب این امرم. نه کسی که جهان را در حالی که

۱ و ۲- الزام الناصب، ص ۹.

۳- منتخب الأثر، ص ۴۲۲.

آکنده از ستم شده باشد، از عدالت و دادگری پرکنم. من چگونه دارای این ویژگی باشم در حالی که ناتوانی بدنم (را در برابر انجام چنین کاری) می بینی!

همانا حضرت قائم کسی است که هرگاه قیام کند در سن بزرگسالی، ولی شبیه جوانان است.

آن چنان از لحاظ نیروی بدنی نیرومند است که اگر دست خودش را به سوی بزرگترین درخت روی زمین دراز کند، آن را از جای برمی کند. اگر بین کوهها فریاد زند، سنگهای کوه را به هم می کوبد.

عصای حضرت موسی^۱ و انگشتر حضرت سلیمان با او است. او چهارمین از فرزندان من است.

خداوند او را در پرده غیبی خود، از دیدگان غایب نموده است، تا هرگاه که بخواهد فرمان ظهور دهد.

پس در آن زمان زمین را، در حالی که آکنده از ظلم و ستم شده باشد، از عدالت و دادگری پر کند.

گویی با چشم خود می بینم در حالی که مردمان به یأس و نومیدی دچار شده اند، ندای آسمانی را می شنوند که این ندا از مسافت دور همچون فاصله ای نزدیک شنیده می شود. او برای اهل ایمان رحمت، و برای کافران تازیانه عذاب خواهد بود.^۱

مشخصات شمشیر حضرت مهدی (عج)

امام رضا (ع) فرمود: «حضرت مهدی (عج) دارای پرچم (مخصوص به خود) است. هرگاه قیام آن حضرت فرا رسد، آن پرچم خود به خود

۱- کمال الدین، ص ۳۷۶، باب ۳۵، الزام الناصب، جلد ۲، ص ۱۴۷.

باز می شود.

و خداوند آن را به سخن می آورد سپس پرچم خطاب به آن حضرت می کند و می گوید: ای ولیّ خدا! قیام کن و دشمنان خدا را به قتل رسان. این دو عامل، [باز شدن پرچم، و نطق آن] دو علامت و نشانه برای آن حضرت هستند.

همچنین شمشیر غلاف شده ای دارد که هرگاه زمان قیامش فرارسد، آن شمشیر از غلاف خود خارج می شود، و خداوند آن را به سخن می آورد، شمشیر صدا می زند و می گوید: ای ولیّ خدا! قیام کن که دیگر برای تو جایز نیست از پیکار با دشمنان خدا بازایستی.

پس حضرت قیام می کند و دشمنان خدا را در هر جا به دست آورد، می کشد. و حدود الهی را برپا کرده، اجرا می کند. به حکم خداوند، حکم می نماید.

در حالی که جبرئیل (ع) در سمت راست آن حضرت، و میکائیل در سمت چپ ایشان خواهند بود.^۱

وظیفه مسلمانان در زمان ظهور حضرت مهدی (عج)

امام رضا (ع) فرمود: «هر کسی زمان او را درک کند، باید به دین و مذهب او چنگ زند، برای شیطان راهی را جهت تسلط به خودش، هموار نکند. و در باره او تردیدی به خود راه ندهد. زیرا اگر به شكّ و تردید گرفتار شود، از دین و آیین من بیرون می رود، همچنان که شیطان پدر شما را از بهشت بیرون کرد. و خداوند شیطان را دوستان افراد بی ایمان قرار داده است.»^۲

۱- عیون اخبار الرضا، جلد ۱، باب ۶، حدیث ۲۹.

۲- مسند الإمام الرضا (ع)، جلد ۱، ص ۲۲۸، کمال الدین، ص ۵۱.

قیام حضرت مهدی (عج) یا مقدمه قیامت

امام رضا (ع) فرمود: «قیامت برپا نمی‌شود تا آن‌گاه که قائم ما قیام کند، و این امر در زمانی تحقق می‌یابد که خداوند به او اذن ظهور دهد. هر کس از او پیروی کند نجات یابد، و هر که از فرمان او سرپیچی نماید، هلاک می‌شود.

ای بندگان خدا! تقوای الهی پیشه کنید. او را یاری نمایید. و دعوت وی را لبیک گوید، ولو از آسمان برف بیاید. زیرا او جانشین وی در روی زمین است.»^۱

وظیفه یاران امام زمان در هنگام ظهور آن حضرت

«معمربن خلاد» گوید:

در محضر حضرت رضا (ع) از حضرت قائم [عج] گفتگو شد.

فرمود: «شما امروز آسوده‌تر از هنگام ظهور قائم خواهید بود.»

سؤال کردند: «چرا چنین خواهد شد؟!»

حضرت فرمود:

«در آن روز در زحمت و مشقت خواهید بود، و مردم باید همواره بر

زین مرکبان سوار شوند، و جهاد کنند.»^۲

۱- مسند الإمام الرضا، جلد ۱، ص ۲۲۸، عیون اخبار الرضا (ع)، جلد ۲، ص ۵۹.

۲- در مورد یاران حضرت مهدی در روایتی چنین می‌خوانیم: «یاران او هرکدام به اندازه چهل نفر قدرت و توانایی جسمی و روحی دارند، و دلهای آنان همانند قطعات آهن است، و اگر بر کوههای آهن بگذرند، آنها را قطعه قطعه می‌کنند.» (بحار الانوار، جلد ۱۳، ص ۱۸۵).

غیبت «نعمانی»، ص ۱۵۲، مسند الإمام الرضا (ع)، جلد ۱، ص ۲۱۹، منتخب الأثر،

بشارت به یاران حضرت مهدی [عج]

امام رضا (ع) فرموده است:

«خوشا به حال کسی که او را ملاقات کند.
خوشا به حال کسی که او را دوست بدارد.
خوشا به حال کسی که (معتقد) و قائل به امامت وی باشد.
خداوند به خاطر وی و به خاطر اقرار و اعتقاد به خدا و رسول و همگی
پیشوایان، این گروه را از هلاکت نجات می‌دهد.
خدای منان درهای بهشت را برای آنها باز می‌کند.
مثل آنها در زمین، مثل مُشک است که پیوسته از خود بوی خوش ساطع
می‌کند، ولی تغییری در آن حاصل نمی‌شود.
و مثل آنها در آسمان، مثل ماه نورانی است که هیچ‌گاه نورش خاموش
نمی‌شود.»^۱

۱- عیون اخبار الرضا، جلد ۱، باب ۶، حدیث ۲۹.

وظایف شیعیان در عصر غیبت در کلام امام رضا(ع)

- ۱- معرفت و شناخت امام
- ۲- دلبستگی و محبت به امام
- ۳- بیزاری جستن از دشمنان امام
- ۴- اسوه قرار دادن امام
- ۵- خالص کردن حبّ و بغضها
- ۶- پیروی از جانشینان حضرت (اطاعت از ولیّ فقیه زمان)
- ۷- مبارزه با هرگونه گرایش انحرافی (اخذ طریق اعتدال)
- ۸- سعی و تلاش در جهت تقویت و تکمیل ایمان
- ۹- حفظ کرامت و بزرگواری خود
- ۱۰- رعایت تقوا
- ۱۱- عمل به تقیه
- ۱۲- آشنایی با رمز و راز عشق‌آموزی
- ۱۳- تواضع و رعایت ادب در برابر شنیدن نام حضرت صاحب‌الامر
- ۱۴- حضور در مجالسی که فضایل و مناقب آن حضرت ذکر می‌شود.
- ۱۵- انشاد شعر، و سرودن آن در فضایل و مناقب ولیّ عصر
- ۱۶- گریه کردن، گریاندن، خود را شبیه گریه کنندگان درآوردن در

فراق آن حضرت، و نیز محزون بودن در غمها و مصائبی که بر آن حضرت رسیده است.

۱۷- تلاش و کوشش در جهت حفظ پشتوانه استقلاال بیت المال مسلمانان با پرداخت خمس

۱۸- بزرگداشت شعایر اسلام (انجام حج و عمره و...)

۱۹- حج رفتن به نیابت از آن حضرت، و فرستادن نایب

۲۰- مداومت در انجام امور خیر

۲۱- خود را در محضر امام زمان دیدن

۲۲- زیارت آرامگاه ائمه و تجدید میثاق با آنها

۲۳- اهتمام در ادای حقوق برادران دینی

۲۴- دیدار و زیارت کردن شیعیان

۲۵- دفاع و یاری شیعیان واقعی

۲۶- خوار نکردن شیعیان محروم و تهیدست

۲۷- همزیستی مسالمت آمیز از طریق استحکام پیوندهای عاطفی، و

مبارزه جدی با موجبات تشّت و پراکندگی

۲۸- صبر کردن در برابر آزار و تکذیب و سایر محنتها

۲۹- سفارش یکدیگر به صبر در زمان غیبت حضرت قائم

۳۰- شناخت و نشر فرهنگ غنی اسلام (آشنایی با سنت و سیره ائمه)

۳۱- تکریم دودمان و منتسبین به پیامبر اکرم (ص) (سلسله جلیله

سادات وارسته و متقی)

۳۲- تقاضای فرجام نیک از خداوند

۳۳- وقت ظهور را تعیین نکردن و تکذیب وقت گذاران

۳۴- پرهیز از موجبات عاق پیشوایی

۳۵- کناره گیری از اهل دنیا و ترك معاشرت مگر به قدر ضرورت

۳۶- حفظ زبان از غیر یاد خداوند و مانند آن

۳۷- مداومت بر ذکر خدا برای نجات از فتنه‌های آخرالزمان، و سالم

ماندن از دامهای شیطان

۳۸- توسّل و طلب شفاعت از خداوند توسط آن حضرت

۳۹- دعا برای تعجیل ظهور صاحب‌الزمان (عج)

۴۰- در مظان اجابت دعا برای آن بزرگوار

الف- به حَسَبِ زمان [روز جمعه]

ب- به حَسَبِ مکان [حرم ائمه اطهار]

۴۱- دعای مخصوص برای حفظ حضرت صاحب الامر (عج)

۱- معرفت و شناخت امام

امام‌شناسی نمونه اعلا و آرمانی حیات هر شیعه است. زیرا شیعه نعمت حقیقی را در سرمایه شناخت خاندان رسالت یافته است. او هرگز این نعمت بزرگ و گنجینه نفیس را با نعمتهای دیگر هم‌ارز نمی‌داند. مسلم است هر کس به چنین معرفتی نایل شود، ناخودآگاه با انگیزه‌فهری به مطالعه در تاریخ زندگی پیشوایان و تفکر و اندیشه در فرمایشات گهربارشان کشانده شده، سعی می‌کند نکته عبیر روح انگیز شکوفه‌های سخنان آنها روح و جان را صفا بخشد.

«ابراهیم بن عباس صولی» گوید:

در محضر امام رضا (ع) بودیم آن حضرت فرمود: در دنیا نعمت حقیقی وجود ندارد.

یکی از حاضران گفت: پس این که خداوند در قرآن می‌فرماید:

«سپس در همان روز است که از نعمت [روی زمین] پرسیده خواهید شد.»^۱

این نعیم که خداوند در قیامت از آن سؤال می‌کند چیست؟
این نعمت همان «آب خنک» است.
امام رضا (ع) با صدای بلند فرمود:
این شما هستید که این‌گونه تفسیر می‌کنید. بعضی از شما می‌گویند:
منظور از نعیم، در این آیه «آب خنک» است
و بعضی می‌گویند: منظور غذای لذیذ است. و عده‌ای گویند:
منظور خواب خوشگوار است. ولی پدرم از پدرش امام صادق (ع) نقل کرد، که همین سخنان در مورد تفسیر «نعیم» در محضرش گفته شد آن حضرت خشمگین گردید، و فرمود:
«همانا خداوند، بندگانش را در مورد آنچه را که به آنها تفضل و مرحمت فرموده، بازخواست نمی‌کند، و به خاطر آن بر آنها منت نمی‌گذارد. منت نهادن در مورد نعمتهای مادی از مخلوقات پسندیده است. پس چگونه رواست که چنین کاری ناپسند به خاطر خدا نسبت داده شود؟! بلکه منظور از نعیم، سرمایه‌شناخت و دوستی و ولایت ما خاندان رسالت است. و خداوند در این باره، پس از مرحله توحید و نبوت بندگانش را مورد سؤال قرار می‌دهد.»^۱
«هر چیزی که از ولایت منقطع باشد، نعمت (عذاب) است، گرچه به صورت ظاهر، نعمت بوده باشد و هر کسی که متصل به ولایت باشد، میهمان خداست و جمیع نعمتهای صوری و معنوی برای او مباح و حلال است و به مفاد گفتار خدای تعالی: «از خوراکیهای پاکیزه‌ای که روزی شما کردیم بخورید ولی [در آن] زیاده‌روی نکنید.»^۲ مأمور به

۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۶، ص ۴۶۴.

۲- طه (۲۰) آیه ۸۱.

تصرف در آنهاست.

و خداوند از هیچ‌یک از آنها پرسش نمی‌کند، و اگر پرسشی کند مانند این است که میزبان از میهمان پرسد چگونه خورده است؟ و برای چه خورده است؟ و چه مقدار خورده است؟ و چرا به اندازه‌ای که خورده است برای میزبان کار نکرده است؟! و البته چنین پرسشی از بشر قبیح است! تا چه رسد به خالق بشر.

و کسی که از ولایت منقطع شود، تمام نعمتهای ظاهری که در دست اوست غصب است، و مالك و حاکم اختیار دارند که از تصرفاتی که غاصب در مال غصب شده نموده است، پرسند و در این پرسش قُبْحی نیست. و در آیه شریفه^۱ چون مورد خطاب حضرت حق، محجوبینی هستند که از ولایت منقطع می‌باشند، مراد از «نعیم» ولایت است، و از آن گذشته جمیع ملائمت حیوانیه و انسانیه است، و پرسش از ادای شکر آنهاست که آیا آنها را به جا و به موقع مصرف کرده‌اند یا نه.^۲

امام رضا (ع) در حدیث مفصلی که در تعریف امام وارد شده، امام را به عنوان کاملترین افراد انسانی معرفی کرده و فرموده است:

«امام از گناهان پاک و از عیوب منزّه است. مخصوص به علم و معروف به حلم است. سبب نظم دین و عزت مسلمانان و ناراحتی منافقان و هلاکت کافران است.

امام یگانه عصر خویش است و کسی به پایه او نمی‌رسد، مثل و نظیری ندارد. بدون تحصیل و طلب، تمام فضایل به او عطا شده، به تمام فضایل و کمالات آراسته است، ولی بدون طلب و اکتساب. بلکه

۱- تکاثر (۱۰۲) آیه ۸.

۲- معادشناسی، جلد ۸، ص ۳۶۳ و ۳۶۴.

مزیتی است که خداوند بخشایشگر، برای او قائل شده است.^۱ امام هشتم (ع) بزرگترین امتیاز و افتخار عارفان به مقام امامت و ولایت را همنشینی با کسانی که خداوند نعمت خود را بر آنها تمام کرده، (همچون پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان) برشمرده و فرموده است: «بر خداوند است که دوستان ما را که به حقّ به «مقام معرفت ما پیشوایان» نایل شده‌اند، همدم و رفیق پیامبران، راستگویان، شهیدان، شایستگان قرار دهد، و آنان نیکو دوستانی هستند.»^۲

۲- دلبستگی و محبت به امام

دلبستگی و محبت به امام گرچه از نظر روانی در اختیار ما نیست ولی شرایط و مقدماتی که سبب تحقق آن امر غیراختیاری است تحت اراده ماست. اگر ما واقعاً در حقّ امام معرفت پیدا کنیم و ارزش راستین وی را درک نماییم قطعاً دوستدار وی خواهیم شد و نمی‌توانیم نسبت به او که در سعادت ابدی ما سهیم بوده است بی تفاوت باشیم.

«محمد بن فضیل» گوید: از امام رضا (ع) معنای آیه زیر را پرسیدم: «بگو: به فضل و رحمت خداست که [مؤمنان] باید شاد شوند، و این از هر چه گرد می‌آورند بهتر است.»^۳ حضرت فرمود: «به دوستی پیامبر و خاندان او باید شادمان باشند که آن بهتر است از دنیایی که آنها جمع کنند.»^۴

۱- اصول کافی، جلد ۱، ص ۲۰۰.

۲- بحار الانوار، جلد ۶۵، ص ۳۲.

۳- یونس (۱۰) آیه ۵۸.

۴- اصول کافی، کتاب الحجّة، حدیث ۵۵، تفسیر نورالثقلین، جلد ۲، ص ۳۰۷.

همچنین فرمود: که جدّم رسول خدا فرموده است:

«هر کس دوست می‌دارد به دین من دست یازیده، و پس از من بر کشتی نجات سوار بشود، باید که به حضرت علی (ع) اقتدا کند و با دشمنش دشمنی نماید و با دوست او پیوند دوستانه برقرار کند، زیرا که او وصی من و جانشینم بر امتّم در زندگانییم و پس از وفاتم می‌باشد. و اوست امیر (امام) هر مسلمان، و امیر هر مؤمن بعد از من، گفته‌اش گفته من، و امرش امر من و نهی او نهی من است. و پیرو او پیرو من، و یاری کننده‌اش یاور من و خوار کننده‌اش خوار کننده من است.»

سپس رسول خدا (ص) فرمود: هر کس بعد از من از حضرت علی (ع) جدا شود روز قیامت مرا نخواهد دید، من نیز او را نخواهم دید، و هر که با حضرت علی (ع) مخالفت کند، خداوند بهشت را بر وی حرام نماید، و عاقبتش را جهنّم قرار دهد [و بد جایگاهی است]، و هر آن که حضرت علی (ع) را خوار نماید، خداوند او را خوار سازد روزی که او بر خداوند عرضه شود. و هر کس حضرت علی (ع) را نصرت دهد خداوند او را نصرت نماید، روزی که او را ملاقات کند، و به هنگام سؤال و جواب دلیلش را به وی تلقین نماید.»

آن‌گاه آن حضرت فرمود:

«(و) امام حسن و امام حسین دو امام امت من بعد از پدرشانند. دو سید جوانان اهل بهشت، و مادرشان بهترین زنان عالمیان، نهمینشان قائم (عج) از فرزندان من است. اطاعتشان اطاعت از من است و معصیتشان معصیت من می‌باشد، به خداوند شکوه می‌کنم از منکران فضیلت ایشان و تزییع کنندگان حق [حرمت] آنان پس از من، و خداوند بس است که ولی و یاور عترت من و امامان امتّم باشد. و از منکران

حق ایشان انتقام کشد.»^۱

امام رضا (ع) از جدّ بزرگوارش علی (ع) نقل کرده که فرمود:
 «هر که دوست دارد، خدای را ملاقات کند در حالی که ایمانش کامل و
 اسلامش نیکو باشد، محبت حجّت صاحب الزّمان را پیشه خود قرار
 دهد که او و دیگر پیشوایان، چراغهای روشن در تاریکیهای زندگی، و
 امامان هدایت، و نشانه‌های تقوایند. هر کس آنان را دوست بدارد و
 ولایتشان را دارا شود، برای او از خدای تعالی ضمانت بهشت
 می‌کنم.»^۲

۳- بیزاری جستن از دشمنان امام

امام رضا (ع) فرموده است:

«پیروان ما به امر ما گردن می‌نهند، و به گفتار ما عمل می‌کنند، و با
 دشمنان ما مخالفت می‌ورزند، و هر که چنین نباشد از ما نیست»^۳
 یکی از اهالی کرمند، شتربان حضرت امام رضا (ع) بود زمانی که آن
 حضرت عازم خراسان بودند، و این مرد ساربان که از عامّه [اهل سنت] بوده،
 چون می‌خواست است از خراسان برگردد، به حضرت عرض می‌کند:
 ای پسر رسول خدا! مرا به مقداری مختصر از خطّ مبارکت مشرف
 گردان تا با آن تبرک جویم! و حضرت این عبارت را برای او مرقوم
 فرمودند:

«دوستدار آل محمد باش، اگر چه فاسق باشی!»

۱- کمال الدین و تمام النعمه، جلد ۱، ص ۲۶۰.

۲- بحار الانوار، جلد ۳۶، ص ۲۹۶.

۳- بحار الانوار، جلد ۶۵، ص ۱۶۷ و جامع احادیث الشیعه، جلد ۱، ص ۳۱۰.

و دوستدارِ دوستانِ ایشان باش، اگرچه آنها فاسق باشند.^۱
 همچنین امام رضا (ع) در روایتی فرموده است:
 «وارد شدن به دستگاه دشمنان و کمک به آنها و کوشش در تأمین
 نیازهایشان معادل کفر است. و توجه عمدی به ایشان، در زمره گناهان
 بزرگی است که آتش دوزخ سزای آن است.»^۲

۴- اُسُوَه قرار دادن امام

امام رضا (ع) فرموده است:
 «همانا رَحِمَ آلِ مُحَمَّدٍ (پیشوایان دین) به عرش آویخته است و
 می گوید: خدایا به هر که به من می پیوندد، تو با او پیوند برقرار کن، و از
 هر که از من قطع پیوند می کند، تو از او قطع پیوند کن و بعد از این هم
 در مورد خویشاوندان اهل ایمان جریان دارد.»
 سپس امام آیه زیر را تلاوت فرمود:
 «و از خدایی که به [نام] او از همدیگر درخواست می کنید پروا نمائید؛
 و زنهار از خویشاوندان مبرید، که خدا همواره بر شما نگهبان است.»^۳

۵- خالص کردن حبّ و بغضها

شیعه باید در زمان غیبت امام زمان مبنای حبّ و بغضش نسبت به افراد
 براساس عدل و انصاف و اقتضای عمل آنان باشد. بدین معنا که اگر دوستی و
 دشمنی او با دیگران براساس انگیزه ایمانی باشد آن دوستی و دشمنی مقدّس و

۱- سفینه البحار «حب»، بحار الانوار، جلد ۱۵، ص ۲۸۴.

۲- بحار الانوار، جلد ۷۵، ص ۳۷۴، وسائل الشیعه، جلد ۱۲، ص ۱۳۸.

۳- اصول کافی، جلد ۲، ص ۱۵۶، نساء (۴) آیه ۲.

بر وفق حق و عدل است و داشتن چنین محبت و عداوتی از فرایض اسلامی شمرده شده و نشانه ایمان کامل است ولی اگر منشأ دوستی و دشمنی انگیزه‌های نفس‌پرستی باشد نه تنها دارای ارزش معنوی نیست بلکه ممکن است در پاره‌ای موارد زیانهای جبران‌ناپذیری به بار آورد و آدمی را به اموری که مورد رضای الهی نیست سوق دهد.

امام رضا (ع) فرمود: روزی رسول اکرم (ص) به یکی از اصحابش فرمود:

«برای خدا دوست بدار، و برای خدا بغض و تنفر داشته باش. برای خدا دوستی کن و برای خدا دشمنی نما. زیرا ولایت خدا جز از این راه به دست نمی‌آید و هیچ‌کس هر قدر که نماز و روزه‌اش زیاد باشد طعم ایمان را نمی‌چشد مگر که این‌گونه باشد. و امروزه اغلب پیوندهای برادری و روابط دوستانه مردم برای دنیاست، بر این اساس آنها یکدیگر را دوست می‌دارند، و از یکدیگر بدشان می‌آید. و این انگیزه سوداگرانه، آنها را از بهره‌الهی برخوردار نمی‌سازد.

آن شخص پرسید: چگونه بدانم که دوستی و دشمنی‌ام برای خداست. و ولی خدا کیست که با او دوستی کنم و دشمن خدا کیست که با او دشمنی نمایم؟ حضرت رسول به حضرت علی (ع) اشاره کرد و فرمود: «آیا این را می‌بینی؟ عرض کرد: آری حضرت فرمود: هر کس او را دوست بدارد، ولی خداست. پس با او دوستی نما. و دشمن او دشمن خداست پس با دشمن او دشمن باش و با دوست او نیز دوست باش هر چند قاتل پدر و فرزندان باشد و با دشمن او دشمن باش، هر چند پدر و فرزندت باشد.»^۱

۱- عیون اخبار الرضا (ع)، باب ۲۸، حدیث ۴۰.

۶- پیروی از جانشینان حضرت، (اطاعت از ولی فقیه زمان خود)

در دوره غیبت امام زمان امت اسلامی، بی سرپرست و بلا تکلیف رها نشده است. بلکه ولی عصر نایبانی در بین امت دارد که می توانند رهبری را در آن زمان به عهده گیرند. جامعیت دین اسلام از یک طرف و ضرورت تشکیل حکومت به عنوان مهمترین مسأله اجتماعی از سوی دیگر ایجاب می کند که مرجعی بصیر و آگاه متولی این کار باشد و در اختلافات امت اسلامی حکمیت و داوری نماید. بر شیعیان لازم است که حکومت اسلامی را به عنوان مقدمه ای برای حکومت عامه امام زمان به رسمیت شناخته، و صمیمانه از آن حمایت کنند و در پیروی از دستورات ولی فقیه بکوشند.

امام رضا (ع) از پدرانش روایت می کند که پیامبر (ص) سه بار فرمود: «خدایا جانشینان مرا رحمت کن.» پرسیدند: «ای پیامبر خدا! جانشینان شما چه کسانی هستند؟» فرمود: «آنان که پس از من می آیند، و احادیث و سنت مرا نقل می کنند، و به گوش مردمان پس از من می رسانند.»^۱

امام رضا (ع) در تفسیر آیه زیر که خداوند در قرآن فرموده است: «آیا گمراهتر از آن کس که پیروی هوای نفس خویش کرده، و هیچ هدایت الهی را نپذیرفته، کسی پیدا می شود.» (سوره قصص، آیه ۵۰) می فرماید: «منظور از این آیه کسی است که رأی شخصی خود را ملاک بندگی و دیانت قرار دهد، بدون این که از رهبری امام بر حق رهیاب شده باشد.»^۲

۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۸، ص ۱۰۱.

۲- تفسیر نور الثقلین، جلد ۴، ص ۱۳۲.

۷- مبارزه با هر گرایش انحرافی (اخذ طریق اعتدال)

از ریشه پاک «کلمه طیبه» شاخه‌هایی می‌روید که ثمره آن «عمل صالح» است. شیعه باید در هر کار شایسته و مفید، اعم از عبادت، دعوت دیگران به سوی حق، حمایت از مظلوم، مبارزه با ظالم... و خلاصه هر اقدام سازنده که در این مفهوم وسیع و گسترده داخل است بنا به شیوه پیامبر و امام، در سخن و عمل از هر گونه افراط و تفریط به دور باشد و طریق اعتدال را پیشه گیرد. در این صورت است که عمل او اوج می‌گیرد و به آسمان لطف پروردگار عروج می‌کند و سبب معراج و تکامل صاحب آن می‌شود و او را به جوار قرب و رحمت حق می‌رساند.

امام رضا (ع) در تفسیر آیه شریفه «سخنان پاکیزه به سوی او بالا می‌رود و کار شایسته به آن رفعت می‌بخشد و کسانی که با حيله و مکر کارهای بد می‌کنند، عذابی سخت خواهند داشت.»^۱ فرموده است: «مراد از سخنان پاکیزه، سخن «لا اله الا الله»، «محمد رسول الله»؛ «علی ولی الله» است و این که حضرت علی (ع) جانشین و خلیفه به حق پیامبر است و جانشینان آن حضرت خلیفه‌های خدا هستند و مراد از «عمل شایسته را خدا بالا می‌برد» علم او در دلش می‌باشد یعنی نیت اوست. به این که این مرام درست است، چنان که آن را به زبان گفته‌ام.»^۲

طبق فرمایش امام رضا (ع) اگر کسی به زبان «لا اله الا الله» بگوید و به این کلمه توحیدی اقرار نماید ولی در مقام عمل مشرکانه رفتار کند، عمل او

۱- فاطر (۳۵)، آیه ۱۰.

۲- مرآت العقول، جلد ۸، ص ۱۰۲.

برخلاف گفته اوست و این عمل مشرکانه نمی‌تواند آن کلمه طیبه را به سوی خدا بالا برد، و مورد پذیرش باری تعالی گرداند. غیر از «لا اله الا الله» شهادت و گواهی به رسالت پیامبر، ولایت حضرت علی (ع) و جانشینان برحق او، همچنین سخنان نیک، اندرزهای سودمند، هدایت و راهنمایی مردم همه مصادیق کلمه طیبه هستند، ولی این کلمات باید با عمل گوینده هماهنگ باشد تا اعمال گوینده آن کلمات مقدس را به سوی خدا بالا برد و مورد پذیرش خدا واقع گرداند. ولی اگر بر خلاف باشد، آن کلمه طیبه به پیشگاه باری تعالی عرضه نخواهد شد. چون با عمل گوینده منطبق نیست.

۸ - سعی و تلاش در جهت تقویت و تکمیل ایمان

روایاتی چند از امام هشتم (ع) درباره کمال ایمان رسیده، و مجموع آن روایات گویای این حقیقت است که درجات ایمان بر حسب درجه خلوص نیت و کیفیت گفتار و رفتار اهل ایمان فرق می‌کند. هر کسی این توفیق حضرت باری تعالی بیشتر نصیب وی شود، درجه ایمانش والاتر است.

حضرت امام رضا (ع) فرمود:

«بدانید بدون تردید سرآمد تمام شرایط عمل به ایمان این است که ما تسلیم بدون قید و شرط خدا باشیم. چه در اموری که عقل، آنها را درک می‌کند و چه اموری که عقل ما به عمق آنها راه ندارد و حقیقت آن را درک نمی‌کند»^۱

امام رضا (ع) فرموده است: «صفت ایمان در مؤمن تحقق نمی‌پذیرد مگر آن که سه صفت در او باشد. روشی از خداوند، روشی از پیامبرش، و روشی از امامش. روشی که از خدایش باید در او باشد

«رازداری»، روش پیامبرش «مدارا و نرمخویی با مردم»، و روشی که از امامش باید در او باشد «صبر و شکیبایی در برابر سختی و تنگی» است.^۱

امام رضا (ع) فرموده است: «هیچ بنده‌ای حقیقت ایمانش را تکمیل نگرداند جز آن که باید در او سه خصلت باشد.

فهم عمیق دین، اعتدال در خرج، شکیبایی بر سختیها»^۲

امام رضا (ع) از پدرانش، و ایشان از رسول اکرم (ص) روایت کرده‌اند که آن حضرت فرمود:

«آن کسی که دوست دارد به ملاقات خدا بشتابد، در حالی که ایمانش کامل باشد و اسلامش نیکو، پس باید حجّت (عج) یعنی صاحب الزمان منتظر را دوست داشته باشد.»^۳

امام رضا (ع) فرمود:

«ایمان دارای چهار رکن است: توکل بر خدای عزّ و جلّ، خشنودی و رضایت به حکم و قضای الهی، تسلیم در برابر فرمان الهی، و اگذاری کارها را به خدا.»^۴

امام رضا (ع) فرمود: «توکل دارای مراتب و درجاتی است:

یک رتبه از آن این است که در تمام کارهایت به خدا اعتماد کنی، در آنچه که نسبت به تو انجام داده، و به هر چه با تو کرده خشنود باشی، و بدانی که از خیرخواهی در حق تو کوتاهی نکرده است. و بدانی که صلاح و حکم در این زمینه از آن اوست. و با سپردن امور بر او توکل

۱- تحف العقول، ص ۴۴۲.

۲- تحف العقول، ص ۴۱۰.

۳- بحار الانوار، جلد ۳۶، ص ۲۹۶.

۴- سفینه البحار، جلد ۱، ص ۵۰۳.

می‌نمایی. رتبهٔ دیگر توکل ایمان به امور غیبی است که علم تو بدان راه ندارد و علم آن را به وی و به امینان وی می‌سپاری و در آنها و جز آنها به او توکل می‌نمایی.»^۱

از امام رضا (ع) سؤال شد: «برترین بندگان خدا چه کسانی هستند؟»
امام در پاسخ فرمود:

«آنان که وقتی کار نیک انجام دهند، مسرورند.

هنگامی که کار ناشایسته مرتکب شوند، استغفار می‌کنند.

آن‌گاه که به آنان چیزی داده شود، شکر گزارند.

وقتی که گرفتار بلا و سختی شوند، صابرند.

و در هنگام غضب، عفو و اغماض می‌کنند.»^۲

۹- حفظ کرامت و بزرگواری خود

شیعه در زمان غیبت ولی عصر باید به اصلاح اخلاق خویش پردازد و از انحرافات اخلاقی برکنار باشد. او برای دست‌یابی به چنین امری لازم است با هواهای نفسانی و کششهای غرایز حیوانی خود بجنگد و در جهت مخالف آنها قدم بردارد، یا لااقل ندای آنها را نادیده انگارد تا به تعالی و تکامل (که از سجایای شایستهٔ انسان است) ارتقا یابد، و به پیروزی بزرگ که همان «جهاد اکبر» است، نایل شود.

امام رضا (ع) از پدران گرامی خود نقل کرده است که رسول اکرم (ص) به مردم می‌فرمود:

«بکوشید تا به مکارم اخلاق تخلق یابید، زیرا خداوند مرا برای بسط

۱- تحف العقول، ص ۴۴۳.

۲- تحف العقول، ص ۳۲۸.

اخلاق بزرگوارانه مبعوث فرموده است.^۱

موانع کرامت نفس [در کلام امام هشتم (ع)]

تقاضای حاجت از نااهل

امام رضا (ع) فرمود:

«صورتت آبی است منجمد، سؤال و تقاضا کردن از مردم آن را تقطیر

می‌کند، دقت کن که نزد چه انسانی تقطیرش می‌نمایی.»^۲

دست طمع چو سوی کسان می‌کنی دراز

پُل بسته‌ای که بگذری از آبروی خویش

«بزنطی» گوید: به امام رضا (ع) گفتم: برای من نامه‌ای به «اسماعیل

بن داوود» - مأمور و نویسنده در دستگاه مأمون - بنویس. شاید از او

چیزی به من برسد.

حضرت فرمود: من برای (شأن) تو دریغ دارم که از او و امثال او چیزی

بخواهی. اما حاجت خود را از مال من برآورده کن.^۳

ارتزاق از راه دین (دین فروشی)

امام رضا (ع) فرمود: «مردم را به وسیله ما خاندان ابزار ارتزاق خود

قرار ندهید، که هر کس چنین کند، به تهیدستی دچار گردد.»^۴

«منظور حضرت آن است که کسی بدون این که علمی داشته باشد، یا از

جانب خدا راهنمایی شده باشد، برای رسیدن به سرمایه‌های دنیوی، با

۱- مستدرک الوسائل، جلد ۲، ص ۲۸۳.

۲- مستدرک الوسائل، جلد ۱، ص ۵۴۱.

۳- بحار الأنوار، جلد ۷۵، ص ۱۱۱.

۴- بحار الانوار، جلد ۷۸، ص ۳۴۷.

دادن فتوا، حقی را ضایع سازد.»^۱

○ ستم‌پذیری

امام رضا (ع) فرمود: «مردم را بر خود مسلط مکن، که ذلیل و خوار خواهی شد.»^۲

○ دنیازدگی

از امام رضا (ع) پرسیدند: «فرومایه کیست؟» (و مصداق واقعی فرومایگی چیست؟)
حضرت فرمود: «کسی که چیزی داشته باشد، و بوسیله آن سرگرم شود، و از خدا غافل گردد.»^۳

○ آلودگی به رذایل اخلاق

امام رضا (ع) فرمود: «گناهان کوچک راههای رسیدن به گناهان بزرگ است. هر کس که در گناه کوچک از خدای نترسد، در گناه بزرگ هم از خدا نخواهد ترسید.»^۴

۱۰- رعایت تقوا

امام رضا (ع) فرموده است: «گرامی‌ترین شما نزد خداوند، باتقواترین،

۱- بحار الانوار، جلد ۲، ص ۱۱۷، معانی الاخبار ص ۱۸۱.

۲- اصول کافی، جلد ۲، ص ۱۱۳.

۳- بحار الانوار، جلد ۷۸، ص ۳۳۵. میزان الحکمة «سفله».

۴- بحار الانوار، جلد ۷۰، ص ۳۵۳.

و رعایت کننده ترین شماست در مورد تقیه.
 سؤال شد: «تا چه زمانی تقیه لازم است؟»
 حضرت فرمود: «تا روز معین، و آن روز قیام قائم ما اهل بیت است.
 هر کس قبل از خروج قائم ما تقیه را ترك کند، با ما پیوند معنوی ندارد.»^۱
 واژه «تقوا»، در اصل از ماده «وقایه» به معنی نگهداری یا
 خویشتن داری است. «راغب اصفهانی» در کتاب «المفردات» می نویسد:
 «وقایه» به معنای نگهداری اشیاء است در برابر اموری که به آنها زیان و
 آزار می رسانند. و تقوا، قرار دادن روح است در يك پوشش حفاظتی در
 برابر خطرها.»
 برخی از بزرگان تقوا را به حالت کسی تشبیه کرده اند که از يك
 سرزمین پر از خار عبور می کند، سعی دارد لباسهای خود را کاملاً جمع کند،
 و با احتیاط گام بردارد.

«عبدالله معتز» این سخن را به شعر درآورده است و می گوید:

خَلَّ الذُّنُوبَ صَغِيرَهَا وَ كَبِيرَهَا فَهُوَ التَّقِيُّ
 وَأَصْنَعُ كَمَا شِ فَوْقَ أَرُ ضِ الشُّوكِ يَحْذَرُ مَا يَرَى
 لَا تُحْقِرَنَّ صَغِيرَةً إِنَّ الْجِبَالَ مِنَ الْحَصَى^۲

گناهان کوچک و بزرگ را ترك کن که تقوا همین است.

و همچون کسی باش که از يك «خارزار» می گذرد، لباس خود را چنان
 جمع می کند که خار بر آن ننشیند، و پیوسته مراقب اطراف خویش است.
 هرگز گناهی را کوچک مشمر که کوههای بزرگ از سنگریزه های
 کوچک تشکیل می شود.

۱- اعلام الوری، ص ۴۰۸.

۲- تفسیر ابوالفتوح رازی، جلد ۱، ص ۶۲.

امام هشتم (ع) با استناد به فرمایش خداوند متعال در قرآن، معیار کرامت را بر مدار «تقوا» معرفی فرموده است.
تقوا، تنها توشه‌ای است که آدمی را به هدف نهایی اش که همان «لقاء الله» است، پیش می‌برد.

البته تقوا، همچون عبادت دارای درجاتی است.
یا برای ترس از جهنم است،
یا شوق به بهشت،
یا برای محبت خدای سبحان.

این درجات در عرض هم نیستند، بلکه در طول همدند.
کسی که درجه اول یا دوم را دارد، از درجه سوم محروم است. ولی کسی که به عبادت احرار رسید، و دارای مرتبه سوم گردید، از درجات اول و دوم نیز بهره‌مند خواهد شد.

جامعترین آیه قرآن درباره تقوا

در حدیثی از رسول اکرم (ص) وارد شده است که آن حضرت فرمود:
«مجموعه تقوا، در این گفتار خداست» که می‌فرماید:
«در حقیقت، خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم، باز می‌دارد. به شما اندرز می‌دهد، باشد که پند گیرید.»^۱ نحل (۱۶) آیه ۹۰.

حقیقت تقوا در کلام امام رضا (ع)

در فرمایش امام رضا (ع) «تقوا»، یک درجه بالاتر از «ایمان»، و یک درجه پایین‌تر از «یقین» شمرده شده است.
امام علی بن موسی الرضا (ع) فرموده است:

۱- تفسیر نور الثقلین، جلد ۳، ص ۱۷۸.

«ایمان يك درجه برتر از اسلام است. تقوا، درجه‌ای است بالاتر از ایمان. و یقین درجه‌ای برتر از تقواست. و هیچ چیز در میان مردم کمتر از یقین تقسیم نشده است.»^۱

در کلام دیگری امام علی بی موسی الرضا در بیان معرفی حقیقت تقوا فرموده است:

«ماییم، کلمه تقوا، و دستگیره محکم الهی.»^۲

بدیهی است که ایمان به ولایت، مکمل ایمان به اصل توحید است. و هر دو آدمی را به شاهراه نجات می‌رساند.

۱۱- عمل به تقیه

معنای تقیه، انواع تقیه، نقش تقیه، فلسفه تقیه، احکام تقیه
معنای تقیه: واژه «تقیه»، در اصل از ماده «اتقاء»، و «تقوا» در لغت به معنی خویشتن‌داری، پرهیز کردن، برحذر بودن، و سپر گرفتن، و در اصطلاح عبارت است از: «پوشاندن عقیده و کتمان در برابر مخالفان»^۳ گاهی نیز گفته شده: «تقیه عبارت است از جلوگیری از ضرر دیگری از طریق موافقت در گفتاری و رفتاری بر خلاف واقع با او.»^۴

طبق این تعریف عنصر اصلی تقیه را دو عامل تشکیل می‌دهد:

۱- اخفای عقیده و تظاهر هر عملی بر ضد آن، (پوشاندن تلاشها)

۲- هدف «نگهداری از ضرر و زیان» (خام کردن دشمنان)

۱- بحار الأنوار، جلد ۷۰، ص ۱۳۶.

۲- تفسیر نور الثقلین، جلد ۵، ص ۷۴.

۳- تصحیح الاعتقاد، «مفید»، ص ۶۶.

۴- رساله مرحوم شیخ مرتضیٰ انصاری در باره تقیه، از ملحقات مکاسب.

امام صادق (ع) در حدیثی از تقیّه به «خَبَاء» تعبیر فرموده است،^۱ و خَبَاء به معانی زیر آمده است:

- ۱- خیمه‌ای که انسان را از دید دیگران یا وزش باد و ریزش باران و تابش آفتاب مصون می‌دارد،
- ۲- لفاف بذر، مانند پوسته روی دانه گندم،
- ۳- خاکستری که روی آتش را می‌پوشاند،
- ۴- کاسبرگ گل.^۲

در تمام معانی فوق، مفهوم نگه‌داری و پوشش وجود دارد.

«تقیّه»، به معنای رعایت اصول مخفی‌کاری و انجام مسؤلیت در خفاست، و در واقع يك نوع تاکتیک حساب شده‌ای است برای حفظ نیروهای انسانی و جلوگیری از به هدر رفتن آن. تقیّه علاوه بر جنبه دینی آن^۳، يك روش عقلانی و منطقی است. زیرا از آن به عنوان مؤثرترین وسیله برای مبارزه با دشمن مورد استفاده قرار می‌گیرد. کشف اسرار دشمن، و وارد کردن ضربات غافلگیرانه بر پیکره او از طریق تقیّه و کتمان نقشه‌ها صورت می‌گیرد.

انواع تقیّه

۱- تقیّه سازنده

حقیقت تقیّه این است که انسان با حفظ نیروهای خود برای موقع مبارزه و ضربه زدن بر دشمن، از به هدر دادن آنها جلوگیری کند، و با مکتوم

۱- مکیال المکارم، باب هشتم، حدیث ۱۴۷۲ به نقل از «کافی».

۲- المنجد «لویس معلوف یسوعی» ص ۱۶۶.

۳- آل عمران (۳) آیه ۲۸، نحل (۱۶) آیه ۱۰۶.

داشتن موضع واقعی، و یا عقیده خویش در جایی که افشاگری بی نتیجه است همواره به مبارزات غیرمستقیم و مخفیانه دست بزنند، و بدین طریق موجودیت خود را حفظ کند تا بتواند در ادامه مجاهدت پیروز گردد.

۲- تقیه ویرانگر:

هر کجا که اخفای عقیده سبب شکست هدف و برنامه است (در آنجا) تقیه ممنوع است، و باید همه چیز آشکار شود، «وَلَوْ بَلَغَ مَا بَلَغَ (هر آنچه بادا بادا!)» تشخیص چنین مواردی به عهده مجتهد است.

نقش تقیه

در روایات اسلامی از تقیه به عنوان «سپر دفاعی» [نیروی محافظ]، «پناهگاه» [قلعه و سنگر محکم]، «نشانه دین»، «علامت ایمان»، «نه قسمت از مجموع ده قسمت دین»، «همچون نقش سر در بدن»، «سنن پیامبران و مجاهدان پیشین»، و در برخی از روایات در ردیف «ادای حقوق برادران دینی به عنوان دو فریضه از بزرگترین فرایض» ذکر شده است.^۱

فلسفه تقیه

تقیه و مخفی کردن عقیده باطنی در اسلام دارای هدفهای منطقی و سازنده است که اهمّ این هدفها عبارتند از:

۱- روایات مربوط به این قسمت در کتاب وسائل الشیعه جلد ۱۱ [ابواب امر به معروف]

الف - حفظ اقلیت صالح برای پیشبرد اهداف سازنده:

گاه ممکن است جماعتی به صورت يك اقلیت صالح در بین جمع کثیری از افراد ناصالح گرفتار شوند، ضرورت ایجاب می‌کند که اقلیت برای حفظ موجودیت خود طرحهای مبارزاتی‌شان را آشکار نکنند، بلکه با اخفاء آن همچنان در میدان مبارزه باقی بمانند و با استفاده از این روش مثبت برای رسیدن به هدف، مقاومت بیشتری از خود نشان دهند.

ب - جلوگیری از به هدر دادن نیروهای انسانی:

گاه افرادی، به سبب اظهار عقاید باطنی خود، برای همیشه از صحنه مبارزه طرد می‌شوند، و به عقیده و نظر آنان ترتیب اثری داده نمی‌شود در این مورد عقل و شرع حکم می‌کند که با استفاده از روش تقیه نیروی انسانی تا هنگام فرارسیدن فرصت مناسب ضربه زدن بر دشمن حفظ شود. مانند کتمان عقیده برخی از یاران پیامبر (ص) همچون عمار یاسر در برابر دشمنان لجوج. زیرا در صورت اظهار عقیده سرکوب می‌شدند.

هنگامی که عمار یاسر و پدر و مادرش در چنگال بت پرستان گرفتار شده بودند و مورد شکنجه قرار می‌گرفتند که از اسلام بیزاری بجویند، پدر و مادر عمار از این کار خودداری کردند و به دست مشرکان کشته شدند، ولی عمار آنچه را که آنها می‌خواستند اظهار داشت و سپس از ترس خداوند بزرگ گریه‌کنان به محضر پیامبر شتافت. پیامبر به او فرمود:

اگر باز هم گرفتار شدی و از تو خواستند، آنچه را می‌خواهند بگو. و به این وسیله اضطراب و وحشت و گریه او را آرام ساخت.

ج - حفظ وحدت:

در برخی موارد، با استفاده از روش تقیّه، باید از اظهار عقیده واقعی خودداری شود تا هدفهای اساسی تر به دست فراموشی سپرده نشود. مانند حفظ وحدت به وسیله مسلمانان در برابر فرق مختلف اسلامی برای حفظ موجودیت هدف اصلی (قرآن و اسلام).

د - حفظ جان افراد از خطرات احتمالی:

گاه اظهار عقیده باطنی هیچ گونه خطری برای خود شخص ندارد، ولی ممکن است دیگران را مورد هدف حمله دشمن قرار دهد. در این صورت نیز برای دفع ضرر باید از روش تقیّه استفاده کرد همچون تقیّه پیشوا نسبت به پیروان خود.

احکام تقیّه

تقیّه در همه جا يك حکم کلی ندارد، بلکه در پاره‌ای از موارد واجب، گاهی حرام، و زمانی نیز مباح است و به اصطلاح فقهی محکوم به احکام پنجگانه است.

وجوب تقیّه در صورتی است که بدون فایده مهمی، جان انسان به خطر بیفتد. اما در موردی که سبب نابودی، یا به خطر افتادن مکتب گردد، یا فساد عظیمی را به بار آورد، (همچون تسویج باطل، گمراه ساختن مردم، تقویت ظلم و ستم)، تقیّه در این گونه موارد حرام و ممنوع است.

امام رضا (ع) گروهی از شیعیان را از درك محضر خود رد کرد، و به مدت دو ماه به آنان اجازه ملاقات نداد، این گروه در اثر سماجت و اصرار فراوان، سرانجام موفق به ملاقات با امام شدند.

گفتند: ای فرزند رسول خدا! علت محروم کردن ما از فیض دیدارتان در این مدّت چیست؟!^۱

حضرت فرمود:

ادّعیای شما مبنی بر این که خود را شیعه امیر مؤمنان علی (ع) می‌پندارید، در حالی که در بسیاری از اعمال، با آن حضرت مخالفت می‌کنید، و در انجام بسیاری از امور واجب کوتاهی می‌نمایید، و در ادای حقوق برادران دینی خود که این حقوق بس عظیم است، سستی به خرج می‌دهید، و دیگر این که شما تقیّه می‌کنید آن جا که نباید تقیّه کرد، و تقیّه را ترك می‌کنید، آن جا که چاره‌ای جز تقیّه نیست.^۱

از این حدیث چند نکته اساسی استفاده می‌شود:

۱- هر مسلمان باید طبق ضابطه‌ای که برای حکم تقیّه بیان شد، احکام این حکم را بداند تا بتواند به وظیفه الهی خود عمل کند.

«تقیّه‌ای که با آن حال امتی اصلاح شود، همانند پاداش اعمال آنها را برای تقیّه‌کننده به بار خواهد آورد، و اگر ترك تقیّه باعث هلاک امتی گردد، او شریک جرم خواهد بود.»^۲

۲- تقیّه، يك تاكتيك موقّتی و يك اصل استثنایی است و لذا کسی نمی‌تواند با سوء تعبیر و سوء تفسیر، از انجام مسؤولیتهای سنگین خود شانه خالی کند، و بدین بهانه سبب تعطیل احکام الهی شود.

هنگامی که حضرت مهدی (عج) ظهور کند، با این گونه افراد برخورداردی قاطع همچون برخوردار با منافقان می‌نماید.

۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۱، ص ۴۷۰، احتجاج «طبرسی» ص ۲۴۳.

۲- وسائل الشیعه، ابواب امر به معروف، حدیث ۴.

امام رضا (ع) فرموده است: «هرگاه قائم قیام کند، در این مورد به پرسش از شما نیاز ندارد، و در مورد بسیاری از شما که منافقند، حدّ خدا را جاری می‌سازد.»^۱

۳- جرم تقیّه کردن بی‌مورد، بیش از جرم تقیّه نکردن بی‌مورد است. زیرا حضرت امام رضا (ع) در فرمایش خود، تقیّه کردن بی‌مورد را بر تقیّه نکردن بی‌مورد، مقدّم داشته است.

«معمربن خلّاد» گوید: از امام رضا (ع) پرسیدم:

«آیا جایز است در برابر والیان برخیزم؟»

حضرت در پاسخ فرمود: پدرم می‌فرمود:

«تقیّه از آیین من و آیین پدران من است.

کسی که تقیّه نکند، ایمان ندارد.»^۲

راوی گوید: از امام رضا (ع) سؤالی کردم که از پاسخ آن امتناع کرد.

سپس فرمود:

«اگر به همه سؤالات شما پاسخ بدهیم برای شما شرّ به بار می‌آورد و

جان صاحب‌الامرتان به خطر می‌افتد.»

جدّ بزرگوارم امام باقر (ع) می‌فرمود:

«این سرّ ولایت است که خدا با جبرئیل در میان نهاده و جبرئیل با

محمّد (ص) رسول خدا و محمّد (ص) رسول خدا، با علی

امیرالمؤمنین (ع) و او با کسی که خدا خواسته است. و اینک شما به

افشای آن می‌پردازید.

آن کسی که حدیث ما را شنید و از مخالفان ما پنهان کرده است،

کیست؟

۱- وسائل الشیعه، ابواب امر به معروف، ص ۴۸۳.

۲- گزیده کافی، جلد ۱، ص ۲۱۶.

ابو جعفر (ع) می فرمود: در کارنامه آل داوود پیامبر است:

بر هر مسلمان سزاوار است:

اولاً: مالک هوای نفس خود باشد،

ثانیاً: به کار خود بپردازد.

ثالثاً: دوره و مردم زمان خود را بشناسد.

تقوای الهی پیشه کنید و حدیث ما را فاش نکنید.

اگر نه این بود که خدا از دوستانش پشتیبانی می کند، و به خاطر آنان از

دشمنان خود انتقام می گیرد، مذهب تشیع منقرض شده بود.

مگر ندیدی که خدا با خاندان برمکیان چه کرد؟

چگونه انتقام ابوالحسن موسی بن جعفر را گرفت؟

چگونه از خاندان «اشعث خزاعی» که در آستانه خطر قرار گرفته بودند

حمایت کرد، از این جهت که دوستدار ابوالحسن بودند!

شما در عراقید و تاخت و تاز این فرعون صفتان را مشاهده می کنید و

مهلتی را که خدا به آنان داده است ملاحظه می کنید.

بنابراین تقوا پیشه کنید!

زندگی دنیا شما را نفریبد!

کامجویی مهلت یافتگان شما را خام نکند!

تصور کنید که زمام حکومت در دست شماست.^۱

۱۲- آشنایی با راز و رمز عشق آموزی

امام رضا (ع) فرمود: «همه اهل آسمان و زمین، بر او بگریند. و هر

سزاوار (ناله و فریادی) و هر غمناک و ستمدیده پریشان حال، از درد

۱- گزیده کافی، جلد ۱، ص ۲۲۱، ۲۲۲.

هجران برای او گریه می کنند.»^۱

چه شود به چهره زرد من نظری برای خدا کنی

که اگر کنی همه درد من به يك نظاره دوا کنی

یکی از اهل اشتیاق در آثار حال اشتیاق گفته است:

«وَلَوْ أَنَّ عَيْنًا فِي الْفِرَاقِ بَكَتُ دَمًا لَرَأَيْتَ فِي عَيْنِي دَمًا لَا يَجْمَدُ

«اگر چشمی در فراق خون می گریست، در دیدگانم خون خشک نشدنی

می دیدی.»

«ابوالعباس مبرد» در آغاز قصیده‌ای چنین گفته است:

«بَكَيْتُ حَتَّى بَكَى مِنْ رَحْمَتِي الْطَلَلُ»

وَمِنْ بُكَايِ بَكَتِ أَعْدَايَ إِذْ رَحَلُوا^۲

«آنقدر گریستم که ویرانه‌ها هم به حالم گریستند، و از گریه‌ام دشمنانم

هم گریه کردند، وقتی که یارانم رفتند.»

۱۳- تواضع، رعایت ادب در برابر شنیدن نام حضرت صاحب الامر

در روایتی می خوانیم: «دعبل خزایی» وقتی که قصیده معروف خود را

برای حضرت رضا (ع) خواند و امام قائم (عج) را یاد کرد، حضرت

امام رضا (ع) برخاست و بر روی پای مبارک خود ایستاد، و سر نازنین

خود را خم کرد به سوی زمین. پس از آن که کف دست راست خود را

بر سر گذاشته بود، فرمود:

«اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ، وَ مَخْرَجَهُ، وَ أَنْصِرْنَا بِهِ نَصْرًا عَزِيزًا»

«پروردگارا! در کار فرج و گشایش حضرت مهدی (عج) شتاب کن، و

۱- بحار الانوار، جلد ۵۱، ص ۱۵۲، کمال الدین، جلد ۲، ص ۳۷۰.

۲- مکیال المکارم، جلد ۱، ص ۳۶۶.

ما را به وسیلهٔ (دوستی و پیروی از) وی یاری بزرگوارانه فرما.^۱ قیام و به پا خاستنی که هنگام ذکر نام «قائم» لازم است به این جهت است که شیعه سابقهٔ درخشان و مجاهدات خود را در طول تاریخ به یاد آورد. همواره برای نهضت‌های پاک آمادگی خود را تجدید کند، و به یاد تاریخ خون‌آلود پیشین و آرمان‌های مقدس سربازان فداکار تشیع، برای ایجاد يك همبستگی اخلاقی و تحوّل حقوقی آماده باشد.

«ریان الصلت» گوید:

از حضرت امام رضا (ع) شنیدم که چون دربارهٔ حضرت قائم سؤال شد. آن حضرت فرمود:

«جسمش دیده نمی‌شود، و نام او برده نگردد.»^۲

۱۴- حضور در مجالسی که فضایل و مناقب آن حضرت ذکر می‌شود

امام رضا (ع) فرمود: «کسی که در مجلسی که در آن (مجلس) امر ما زنده بشود، حضور یابد دل او نمی‌میرد، روزی که دلها می‌میرد.»^۳

همچنین آن حضرت فرمود: «رحمت خدا بر حال آن بنده‌ای باد که امر ما را زنده کند.»

سؤال شد «چگونه امر شما را زنده کند؟»

حضرت فرمود: «دانش ما را فراگیرد و به دیگران هم بیاموزد، زیرا مردم اگر به خوبی سخنان ما آگاهی پیدا کنند، از ما پیروی خواهند

۱- منتهی الامال، جلد ۲، ص ۴۸۹.

۲- کمال الدین «صدوق»، جلد ۲، ص ۶۴۸، اثبات الهداة، جلد ۳، ص ۴۷۷.

۳- کافی، جلد ۱، ص ۴۵ و ص ۲۷۸، بحار الانوار، جلد ۴۴، ص ۲۷۸.

نمود.»^۱

۱۵- انشاد شعر، و سرودن آن در فضایل و مناقب ولی عصر

هرگاه ذوق لطیف شعری و هنر شاعری در مسیر مدح و منقبت اهل بیت به کار افتد، و از آن نتیجه مثبت و سازنده عاید شود، بسیار ارزشمند است. در برخی موارد شعر حماسی می‌تواند به عنوان یک حربۀ دفاعی مورد استفاده قرار گیرد، احساسات و عواطف مردم را بر ضد دشمنان خونخوار و ستمگران تهییج کند، و شور و هیجانها و خونها را در رگها به جوش آورد و لرزه بر اندام دشمن بیندازد و سرانجام بنیاد ستم را متزلزل سازد. چه بسا یک شعر اخلاقی می‌تواند اعتقادات و اخلاق جامعه را به پاکی و عفت سوق دهد به طوری که یک کتاب و یا یک سخنرانی نتواند کار آن را انجام دهد.

امام رضا (ع) فرموده است: «هر مؤمنی که در مدح ما شعری بسراید، خداوند در بهشت منزلگاهی را برای او بنا می‌کند که وسعتش هفت برابر دنیا است. و در آن جا، هر فرشته مقرب و هر پیامبر فرستاده شده‌ای او را زیارت می‌کنند.»^۲

زمانی که امام رضا (ع) از نزد مأمون برمی‌گشت، بر مرکبی سوار بود، در آن هنگام چشم «حسن بن هانی» معروف به «ابونواس» شاعر به حضرت افتاد. نزدیک آن بزرگوار رفت و سلام کرد و عرض نمود:

ای پسر پیامبر! من درباره شما اشعاری سروده‌ام، دوست دارم شما آنها را از من بشنوید. حضرت فرمود: اشعارت را بیاور.

وقتی «ابونواس» اشعار خود را قرائت کرد حضرت فرمود:

۱- بحار الانوار، جلد ۲، ص ۳۰.

۲- وسائل الشیعه، جلد ۱۰، ص ۴۶۷.

«به یقین این اشعاری را که برای ما آوردی، هیچ کس قبل از تو در آوردن آن سبقت نگرفته بود، خداوند بهترین پاداش را به تو عنایت فرماید.»
سپس حضرت غلام خود را مخاطب قرار داد، و از وی پرسید:
آیا از خرجی چیزی نزد تو هست؟
پاسخ داد: آری! سیصد دینار

حضرت دستور داد آن را بیاورد. سپس به «ابونواس» مرحمت نمود. و به غلام فرمود: شاید آنها در نظرش کم جلوه کند. پس دستور داد مرکب را هم بیاورد، غلام آن را آورد، و حضرت آن را به «ابونواس» اهدا نمود.^۱

۱۶- گریه کردن، گریاندن، خود را شبیه به گریه کنندگان درآوردن در فراق آن حضرت، محزون بودن در غمها و مصائبی که بر آن حضرت رسیده است.

قطرات اشکی که به صورت گریه از چشم انسان خارج می شود، عاملی است برای برانگیختن عواطف عمومی بر ضد دستگاه ظلم و جور. که در هر زمان نقش مؤثری در شکل دادن به مبارزات شیعه و به ثمر رساندن آن داشته است. قطره اشک می تواند اعلان جنگ عاطفی بر ضد دشمنان آن مکتب محسوب گردد. به علاوه اشکی که از روی احساس و سوز و درد ریخته شود، یکی از مصادیق احیا کردن برنامه پیشوایان دین است که پیوسته هدفهای این بزرگواران را در دلها به یاد می آورد.

امام رضا (ع) فرموده است:

«هر کس مصائب ما را یادآوری کند، بگیرد یا بگریاند به خاطر آنچه درباره ما انجام داده اند، روز قیامت در درجه ماست. و هر کس مصائب

۱- سفینه البحار، جلد ۸، ص ۳۶۱.

ما را به یاد آورد، بگرید و بگریاند. چشمانش گریان نشود، روزی که دیدگان اشکبار خواهد بود.^۱

امام رضا (ع) فرموده است:

«بر حسین مظلوم تا روز قیامت باید گریه کرد.

زیرا این گریه همچون باد پاییزی که برگ درختان را بر روی زمین می‌ریزد، گناهان بزرگ را می‌ریزد.»^۲

در مسأله سوگواری بر شهیدان و ابراز تنفر از مخالفان آنها تنها شخص امام حسین (ع) و شخص یزید مطرح نیست، بلکه بحث از دو مکتب فکری و عقیده‌ای و عملی است که امام حسین (ع) از يك سو و یزید از سوی دیگر، مظهر و نماد آن بودند. مکتبی در مسیر توحید و آزادگی و عدالت، و حمایت از انسانها، و مکتبی وارث میراث جاهلیت و تبعیض و ستم و ناپاکی و تزویر!^۳

اصولاً گریه و فروباریدن قطره‌های اشک از چشم که دریچه قلب آدمی

است چهار گونه است:

۱- گریه‌های شوق - گریه مادری که از دیدن فرزند دل‌بند گمشده خویش پس از چندین سال، سر داده می‌شود گریه شادی آفرین و رضایت‌بار عاشق پاکبازی که پس از يك عمر محرومیت معشوق خود را می‌یابد - این گریه شوق است.

قسمت زیادی از حماسه‌های کربلا شوق آفرین و شورانگیز است و به دنبال آن سیلاب اشک شوق به خاطر آن همه رشادتها،

۱- بحار الانوار، جلد ۴۴، ص ۲۷۸، حدیث ۱.

۲- امالی «صدوق»، ص ۱۲۸.

۳- انگیزه پیدایش مذاهب، ص ۱۴۹.

فداکاریها، شجاعتها، آزادمردیها، و سخنرانیهای آتشین مردان و زنان به ظاهر اسیر، از دیدگان شنونده سرازیر می‌گردد، آیا این گریه دلیل بر شکست است؟

۲- گریه‌های عاطفی- آنچه در درون سینه انسان جای دارد، «قلب» است نه «سنگ»! و این قلب که ترسیم‌کننده امواج عواطف انسانی است به هنگام مشاهده کودکی یتیمی که در آغوش مادر در یک شب سرد زمستانی از فراق پدر جان می‌دهد به لرزه در می‌آید و با سرازیر کردن سیلاب اشک، خطوط این امواج را در صفحه صورت ترسیم می‌کند، و نشان می‌دهد قلبش زنده و سرشار از عواطف مردمی است.

اگر با شنیدن حادثه جان سپردن يك طفل شیرخوار در آغوش پدر، دست و پا زدن در میان سیلاب خون، در حادثه کربلا، قلبی بپزد، و شراره‌های آتشین خود را به صورت قطره‌های اشک به خارج پرتاب کند، نشانه ضعف و ناتوانی است، یا دلیل است بر بیداری آن قلب پراحساس!

۳- گریه پیوند هدف- گاهی قطره‌های اشک پیام‌آور هدفهاست. آنها که می‌خواهند بگویند با مرام امام حسین (ع) همراه و با هدف او هماهنگ و پیرو مکتب او هستند ممکن است این کار را با دادن شعارهای آتشین، و با سرودن اشعار و حماسه‌ها ابراز دارند، اما گاهی ممکن است آنها ساختگی باشد، ولی آن کس که احیاناً با شنیدن این حادثه جانسوز قطره اشکی از درون دل، بیرون می‌فرستد، این حقیقت را صادقانه‌تر، بیان می‌کند. این قطره اشک، اعلان وفاداری به اهداف مقدس امام حسین و یاران او و پیوند دل و جان با آنهاست، اعلان جنگ با بت‌پرستی و ظلم و ستم، اعلان

بیزاری از آلودگیهاست، و آیا این نوع گریه، بدون آشنایی به اهداف پاك او ممکن است؟

۴- گریه ذلت و شکست - گریه افراد ضعیف و ناتوانی است که از رسیدن به هدفهای خود وامانده‌اند، و روح شهادتی برای مبارزه در خود نمی‌بینند. می‌نشینند و عاجزانه گریه سر می‌دهند، هرگز برای امام حسین (ع) چنین گریه‌ای مکن که او از این گریه بیزار و متنفر است، اگر گریه می‌کنی، گریه شوق، عاطفه، و پیوند هدف باشد. ولی مهمتر از سوگواری، آشنایی به مکتب امام حسین و یاران او، پیوستگی عملی به اهداف آن بزرگوار است. مهم پاك بودن و پاك زیستن و درست اندیشیدن و عمل کردن است.^۱

«همین گریه‌ها ننگه داشته این مکتب را تا این جا، و همین نوحه سرایی‌ها، همین‌هاست که ما را زنده نگه داشته».^۲

۱۷- تلاش و کوشش در جهت حفظ پشتوانه بیت‌المال

مسلمانان با پرداخت خمس

امام رضا (ع) فرموده است:

«خداوند بزرگ فرموده: «بدانید که آنچه در جنگها به غنیمت بهره شما می‌شود، (همچنین درآمدهای دیگر، در صورتی که افزون بر هزینه سال باشد) پنج يك (خمس) آن مخصوص خداست و پیامبر خدا و خویشاوندان او...»

خداوند متعال از آن جهت چنین کرد تا با رحمت خود بر ما منت

۱- مقاله «فلسفه شهادت» حضرت آیه الله ناصر مکارم شیرازی.

۲- صحیفه نور، جلد ۸، ص ۷۱.

گذارد. زیرا خود او مالک جانها و مالها و چیزهای دیگر است. و آنچه در دست مردم است عنوان عاریه دارد، و مردمان به مجاز مالکند، نه به حقیقت.

و آنچه مردم به دست می آورند (از راه کسب و کار و بازرگانی و صنعت و...) همه، در حقیقت غنیمت است. یعنی مالک خمس آن نیستند و باید پردازند.^۱

«محمدبن زید طبری» نقل می کند: یکی از تجار فارس از دوستان امام علی بن موسی الرضا (ع) نامه ای به خدمتش نوشت، و اجازه ای در زمینه تحلیل خمس خواست.

حضرت به او نوشت:

«به نام خداوند بخشایشگر مهربان.

خداوند واسع و کریم است. در برابر هر عمل، ثواب قرار داده، و در مقابل تنگ گرفتن (و خودداری از ادای حق) غصه (و محرومیت از ثواب).

هیچ مالی حلال نیست مگر از آن طریق که خداوند حلال کرده است. (بدانید) خمس، کمک ما در سامان دادن امور دینی، و امور مربوط به خانواده و همچنین شیعیان ماست، و به وسیله آن آبروی خویش را در برابر ستمکاران حفظ می کنیم.

بنابراین از پرداخت خمس کوتاهی نکنید... مسلمان کسی است که به عهد و پیمان الهی وفا کند، نه تنها به زبان بگوید و قلبش مخالف آن باشد.^۲ گروهی از مردم خراسان به خدمت امام رضا (ع) رسیدند، و از او

۱- مستدرک الوسائل، جلد ۱، ص ۵۵۲.

۲- وسائل الشیعه، جلد ۶، باب ۳، ص ۳۷۵ [ابواب انفال] - حدیث ۲.

تقاضا کردند که آنها را از خمس معاف دارد.

امام (ع) فرمود: «چنین چیزی را اجازه نمی‌دهم. شما با زبان خود نسبت به ما اظهار محبت می‌کنید، ولی حقّی را که خداوند برای ما قرار داده، و ما را خدمتگزار آن ساخته، که خمس است، از ما مضایفه می‌کنید، هیچ يك از شما را معاف نمی‌کنم، معاف نمی‌کنم، معاف نمی‌کنم.»^۱

«ولید» از امام رضا (ع) پرسید:

«آیا چیزی در مال مرد غیر از زکات [واجب] هست؟»

امام (ع) فرمود:

«پس آنچه خداوند در آیه زیر فرموده، کجاست؟»

«و آنان که آنچه را خدا به پیوستنش فرمان داده می‌پیوندند و از پروردگارشان می‌ترسند و از سختی حساب بیم دارند.»^۲

۱۸- بزرگداشت شعائر اسلامی (انجام حج و عمره و...)

امام رضا (ع) فرموده است:

«همانا حج و عمره فقر را می‌زدایند، و گناهان را می‌شویند، همچنان که کوره آهنگر خاشاک آهن را برطرف می‌سازد.» (آهن را از مواد ناخالص جدا می‌سازد.)^۳

از این روایت به نقش و اهمیت «حج» و «عمره» در «فقر» و «گناه» زدایی پی برده می‌شود،

و استنباط می‌گردد که: حج بی‌نیازی مطلق و طهارت همه جانبه برای

۱- وسائل الشیعه، جلد ۶، ص ۳۷۶ (باب ۳، حدیث ۳).

۲- رعد (۱۳) آیه ۲۱.

۳- تهذیب «طوسی»، جلد ۵، ص ۲۲، مسند امام الرضا، جلد ۲، ص ۲۱۸.

جامعهٔ مسلمین به ارمغان می‌آورد. زیرا آنها را از هرگونه وابستگی نسبت به قدرتهای بیگانه حفظ کرده، سبب می‌شود که در راه رشد و اعتلای فرهنگ خویش بکوشند و در تمام شؤون زندگی (اقتصاد، نیروی نظامی، ...) نیرومند شوند. و تدبیر امور را خود به دست گیرند.

علاوه بر آن، برنامه معنوی حج، هرگونه آثار فقر و پریشانی و اجحاف را از جامعهٔ مسلمین ریشه کن می‌کند.

امام رضا (ع) ضمن بیان حکم و اسراری از حج می‌فرماید:

«منافع و آثار حیاتی حج، تمام اهل زمین از شرق و غرب و بر و بحر را فرامی‌گیرد. چه آنها که حج به جا می‌آورند، و چه آنها که به جا نمی‌آورند. از تجار و کسبه و مساکین و نیازمندان.»

(تمام طبقات از عموم جوامع بشری، مشمول برکات وسیع حج اسلام شده، و آن کنگرهٔ بزرگ الهی، در تأمین سعادت و آسایش جهانی، اثر می‌گذارد.)^۱

۱۹- حج رفتن به نیابت از آن حضرت و فرستادن نایب

«محمد بن عیسی یقطینی» گوید:

«حضرت ابوالحسن الرضا (ع) جامه‌دانشا و غلامان و يك هزینة حج برای من، و یکی برای برادرم موسی بن عبید، و يك هزینة حج برای یونس بن عبدالله، نزد فرستاد. و به ما امر فرمود که از سوی حضرتش به حج رویم.

پس در بین ما صد دینار بر سه بخش تقسیم شد.»^۲

۱- علل الشرایع، جلد ۲، ص ۹۰، حدیث ۵.

۲- وسائل الشیعه، جلد ۸، ص ۱۴۷، التهذیب، جلد ۸، ص ۴۰.

۲۰- مداومت در انجام امور خیر

«کلمه خیر، تعبیری است عام و میدان وسیع و گسترده‌ای دارد که منحصر به بذل سرمایه‌های مادی نیست. بلکه تمام سرمایه‌ها و مواهب معنوی (همچون علم، هدایت، حفظ آبروی دگران، دگر دوستی) را نیز شامل می‌شود خواه این امور به شکل مستقیم باشد و یا به شکل غیرمستقیم. بدیهی است انجام این امور مطمئن‌ترین وسایلی است که بین آدمی و پروردگارش رابطه ایجاد می‌کند و سبب خشنودی ولی عصر خواهد شد.

امام رضا (ع) فرموده است:

«همانا عمل شایسته (شخص را) از لغزشها و شکستهای سخت و خوارکننده باز می‌دارد. صدقه، آتش خشم پروردگار را خاموش می‌کند. صله رحم، عمر را می‌افزاید، و تهیدستی را از بین می‌برد. در گفتن «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» شفا و درمان نود و نه درد است که کمترین آنها اندوه و غصه می‌باشد.»^۱

با کمال تأسف باید گفت، انسان امروز با خود و هموعانش و با طبیعت بیگانه شده است. او به کالا تبدیل شده، و نیروی خود را نوعی سرمایه‌گذاری می‌داند که باید تحت شرایط بازار عرضه، حداکثر سود را برایش تحصیل کند. روابط انسانها همانند روابط آدمهای مصنوعی از خود بیگانه است. و در سایه شوم از خودبیگانگی است که تمام نابسامانیهای روانی، اجتماعی، بی‌تفاوتی، ناتوانی، انزواطلبی، بدبینی، و از دست دادن ارزشها و اعتقادهای در آدمی پدیدار شده است این جاست که باید اذعان کرد: «ارزشهای انسانی دفن شده است در

۱- بحارالانوار، جلد ۷۴، ص ۸۸، سفینه البحار، جلد ۱، ص ۵۱۴.

دنیا! انسانیت در دنیا دفن شده است»^۱

۲۱- خود را در محضر امام زمان دیدن

«موسی بن سیار» گوید: «در معیت حضرت رضا (ع) بودم در حالی که به دروازه شهر طوس رسیده بودیم، صدای گریه‌ای شنیدم در جستجوی آن برآمدم. ناگاه جنازه‌ای دیدم چون چشمم به آن افتاد دیدم مولایم حضرت رضا (ع) شتابان از اسب پیاده شد، و به سوی جنازه رفت و آن را به دوش گرفت و به سوی ما آمد در حالی که از جنازه جدا نمی‌شد، و مانند مادر مهربانی که از کودکش دلجویی می‌کند به آن میت اظهار محبت می‌کرد»، سپس به من رو کرد و فرمود:

«ای موسی بن سیار! هرکس جنازه‌ی یکی از دوستان ما را تشییع کند از گناهان خود بیرون می‌رود همچون روزی که از مادر به دنیا آمده و هیچ گناهی بر او نیست. و چون جنازه آن مرد در کنار قبرش بر زمین گذاشته شد مولایم را دیدم که مردم راه را برای او باز کردند و او نزدیک میت آمد و دست خود را بر سینه او نهاد و فرمود: ای فلان! مژده باد تو را به بهشت که پس از این ساعت بر تو ترسی نیست.»

به امام رضا (ع) عرض کردم: «فدایت کردم آیا این مرد را می‌شناسی؟» چون این جا سرزمینی است که تاکنون قدم بر آن ننهاده بودی! حضرت فرمود:

«ای موسی بن سیار! مگر نمی‌دانی که اعمال شیعیانمان هر صبح و شام بر ما امامان عرضه می‌شود.

پس هر تقصیری که در اعمال آنها باشد از خداوند متعال درخواست

۱- فرمایش رهبر فقید انقلاب اسلامی ایران، حضرت امام خمینی، ۴/۲/۶۲.

می‌کنیم از آنها درگذرد، و هر کار خوب و توفیق در انجام برنامه‌های معنوی باشد، از خداوند برای صاحب‌آن عمل پاداشی خواهیم خواست.»^۱

رهبر فقید انقلاب اسلامی ایران حضرت آیه‌ا...العظمی امام خمینی (ره) در مورد سنگین بودن مسؤولیت امت در برابر امام زمان [سَلَامُ اللهُ علیه] فرموده است:

«نامه اعمال ما می‌رود پیش امام زمان (سلام‌الله علیه)

هفته‌ای دو دفعه (به حسب روایت)

من می‌ترسم ما که ادعای این را داریم که تبع این بزرگوار هستیم، شیعه این بزرگوار هستیم، اگر نامه اعمال (ما) را ببینند و می‌بینند تحت مراقبت خداست، نعوذ بالله شرمنده بشود...

من خوف دارم که کاری بکنیم که امام زمان (سلام‌الله علیه) پیش خدا شرمنده بشود. اینها شیعه‌تو هستند، این کار را می‌کنند، نکند يك وقت خدای نخواسته يك کاری از ماها صادر بشود که وقتی نوشته برود، نوشته‌هایی که ملائکه الله مراقب ما هستند، رقیب هستند، هر انسانی رقیب دارد، و مراقب می‌شود، ذره‌هایی که بر قلبهای شما می‌گذرد رقیب دارد، چشم ما رقیب دارد، گوش ما رقیب دارد، زبان ما رقیب دارد، قلب ما رقیب دارد، کسانی که مراقبت می‌کنند اینها را، نکند که خدای نخواسته از من و شما و سایر دوستان امام زمان (سلام‌الله علیه) يك وقت چیزی صادر بشود که موجب افسردگی امام زمان (سلام‌الله علیه) باشد.»^۲

۱- بحار الانوار، جلد ۴۹، ص ۹۸، مناقب «ابن شهر آشوب»، جلد ۴، ص ۳۴۱.

۲- صحیفه نور، جلد ۷، ص ۲۶۷، (۵۸/۴/۱۲).

«علی بن جهم» گوید:

از امام رضا (ع) پرسیدم:

«فدایتان شوم میل دارم بدانم موقعیت و اعتبار من نزد شما چگونه است؟»
حضرت فرمود: «نظر کن من نزد تو چگونه‌ام.»^۱

۲۲- زیارت آرامگاه ائمه و تجدید میثاق با آنها

زیارت، عاملی است مؤثر در جهت سوق آدمی به دیدار محبوب و دیداری مشتاقانه با وی. که هرگاه با آداب و شرایط خود به بهترین شکل انجام گیرد، هدف غایی عبادت را که همان «تزکیه نفس» است، تأمین می‌کند و در قیامت آدمی را از شفاعت اولیاء الهی برخوردار می‌سازد.

امام رضا (ع) فرمود:

«هر امامی بر گردن دوستان و شیعیان عهدی دارد و یکی از اموری که متمم آن عهد است، زیارت قبور ایشان است. پس هر که آنان را با میل و رغبت زیارت کند و بدانچه ترغیبش کرده‌اند، تصدیق داشته باشد، امامان ایشان در روز قیامت شفاعتشان می‌کنند.»^۲

همچنین فرمود: «من کشته و مسموم و در زمین غربت دفن می‌شوم. این را از عهدی که پدر بزرگوارم از پدر خود از پدران گرامی خویش از رسول خدا (ص) داشته، دانسته‌ام. آگاه باشید! کسی که در غربت و تنهایی من، زیارتم کند، من و پدرانم در روز قیامت شفیعان او هستیم. و هر که ما، او را شفاعت کنیم نجات یابد. اگرچه همانند گناه جن و

۱- بحار الانوار، جلد ۷۵، ص ۱۱۸.

۲- المحجة البيضاء، جلد ۲، ص ۱۸۳، وسائل الشیعه، جلد ۱۰، ص ۲۵۳.

انس بر دوش او باشد.»^۱

امام رضا (ع) فرمود:

«هر کس امام حسین (ع) را در کنار شطّ فرات زیارت کند، چون کسی

است که خدای را در کرسی خداوندیش زیارت کرده است.»^۲

۲۳- اهتمام در ادای حقوق برادران دینی

منتظر امام زمان، پیوسته قسمتی از نیروی خود را به طور رایگان در انجام نیازمندیها و حلّ مشکلات مادی و معنوی مردم مصروف می‌دارد، و انگیزه او در تمام این اعمال و فعالیتها، جلب رضای الهی است.

«معمربن خلّاد» گوید: از امام رضا (ع) شنیدم که فرمود:

«خداوند را در زمین بندگانی است که در راه نیازهای مردم تلاش و

کوشش می‌کنند. اینان به پاداش این خدمت، در روز قیامت از نعمت

ایمنی و آرامش روح برخوردارند و هر کس مؤمنی را شادمان کند، روز

قیامت خداوند متعال دل او را شادمان خواهد ساخت.»^۳

همچنین فرمود:

«هر که امور و حقوق لازم مؤمنین را به انجام رساند، خداوند و

فرشتگان به او مباحثات می‌کنند.»^۴

مشتاقان حضرت مهدی (عج) در ارتباط و پیوند و تعاون، کانونی از

عواطف و محبت نسبت به هم هستند.

۱- بحارالانوار، جلد ۹۹، ص ۳۴.

۲- بحارالانوار، جلد ۹۸، ص ۷۶.

۳- وسائل الشیعه، جلد ۱۱، ص ۵۸۲.

۴- مستدرک الوسائل، جلد ۲، ص ۴۱۳.

امام هشتم (ع) در مورد حقوق متقابل این گروه نسبت به یکدیگر فرموده است:

«از حقوقی که هر مؤمن بر برادر دینی خود دارد، این است که قلباً او را دوست بدارد، از نظر مالی به او کمک نماید، و اگر کسی به او ظلم کرد یاریش کند،... شخص با ایمان هرگز به برادر دینی خود ستم نمی‌کند. او را فریب نمی‌دهد. به او خیانت نمی‌کند. غیبت او را بر خود ناروا می‌داند. به او دروغ نمی‌گوید. هرگز از وی اظهار دلتنگی و انزجار نمی‌نماید. زیرا اگر چنین کند پس بین آن دو «دوستی صادقانه» وجود ندارد.»^۱

۲۴- دیدار و زیارت کردن شیعیان

شیعیان به حکم این که دارای برنامه و هدف واحدند، باید به مناسبت‌های مختلف به دیدار و زیارت یکدیگر بروند که این عمل نشانه فروتنی برای خداست و هر که چنین کند خدا وی را بر بسیاری از بندگانش برتری می‌بخشد.

امام رضا (ع) فرموده است: «هر کس نمی‌تواند ما را زیارت کند، دوستان صالح ما را زیارت نماید، ثواب زیارت ما برایش نوشته می‌شود.»^۲

همچنین فرمود: «هر که از دوستان من که حق مرا بشناسد، و زیارتم کند، در روز قیامت از وی شفاعت می‌کنم.»^۳

۱- بحار الانوار، جلد ۷۴، ص ۲۳۲.

۲- کامل الزیارات، «ابن قولویه»، ص ۳۱۹، باب ۱۰۵.

۳- امالی، «صدوق»، ص ۱۱۹.

۲۵- دفاع و یاری شیعیان واقعی

یکی از مسؤولیتهای اجتماعی پیروان حضرت مهدی [عج] در عصر غیبت آن است که آنها یکدیگر را در برابر حوادث تنها نگذارند، و هر کدام دیگری را در گرفتن حق خویش کمک و یاری نماید.

حضرت رضا (ع) از پدران بزرگوارش از امیرالمؤمنین روایت کرده که رسول اکرم (ص) فرمود:

«روز قیامت من از چهار کس شفاعت می‌کنم:

۱- آن که ذریه مرا گرامی دارد،

۲- آن که نیازمندیهای آنان را برآورده سازد،

۳- کسی که در وقت اضطرارشان، به انجام امور ایشان، اهتمام ورزد،

۴- آن که با قلب و زبان آنان را دوست بدارد.»^۱

امام رضا (ع) فرمود:

«هر که با شیعیان ما دشمنی نماید، با ما دشمنی ورزیده است. و کسی

که با آنان دوست باشد، با ما دوست است. زیرا شیعیان از طینت ما

آفریده شده‌اند و هر که اینان را دوست می‌دارد، با ما پیوند معنوی دارد،

و کسی که با اینان دشمن است، از ما نیست.»^۲

«محمد بن اسماعیل» گوید:

امام رضا (ع) فرمود: «بدون تردید برای خداوند در دربار ستمگران

کسانی هستند که خداوند جان آنها را روشن ساخته، و به آنها فهم

برهان بخشیده، و در شهرها ایشان را قدرت داده تا از دوستان او دفع

۱- بحار الانوار، جلد ۸، ص ۴۹، کنز العمال، جلد ۱۲، ص ۱۰۰.

۲- عیون اخبار الرضا (ع).

ظلم کنند و خداوند کارهای مسلمانان را به وسیلهٔ ایشان بهبود بخشد. مؤمن از ناروایی به ایشان پناه برد. و فرد نیازمند از شیعیان ما به ایشان روی آورد، و به وسیلهٔ ایشان خداوند ترس را در سرزمین ستمگران بزداید. این گروه مؤمنان حقیقی هستند. و امینان خداوندند در روی زمین.

همچنین جلوه‌هایی هستند از نور خداوند، که در قیامت نسبت به زیردستانشان نورافشانی می‌کنند.

روشنایی ایشان برای اهل آسمانها درخشش دارد چنان که ستارگان روشن برای اهل زمین می‌درخشند.

از نور این گروه در روز قیامت فضای آخرت روشن می‌شود.

اینان برای بهشت آفریده شده‌اند و بهشت برای ایشان خلق شده است.

چنین مَوَاهِبِ الهی برایشان گوارا باد!

هر گاه یکی از شما به چنین امتیازاتی رسد، چه حالی خواهد داشت؟
راوی پرسید:

«فدایتان شوم! چگونه به درك چنین امتیازاتی نایل شویم؟»

حضرت فرمود:

«با ایشان (دستگاه حکومت) باشید، و با دفاع از شیعیان و یاری و شادمان کردن آنها ما را مسرور کنید.»^۱

مرحوم شیخ الفقهاء و المجتهدین، «شیخ مرتضیٰ انصاری»، پذیرش مسؤلیت اجتماعی در حکومت جور را (به شرطی که غرض شخص از تصدی مسؤلیت، احسان و نجات اهل ایمان باشد) مستحب

شمرده، و به روایت مذکور استناد فرموده است.^۱

۲۶- خوار نکردن شیعیان محروم و تهیدست

شیعه واقعی امام زمان، به لحاظ آن که از ظرفیت معنوی و اندیشه ایمانی نیرومند برخوردار است، به سبب داشتن پایگاه و موقعیت مالی، بر دیگران فخر فروشی نمی‌کند، و موجبات تحقیر مردم تهیدست و کوچک شمردن آنان را فراهم نمی‌آورد.

امام رضا (ع) فرموده است: رسول اکرم (ص) فرمود:

«هر کس مؤمنی را خوار کند، یا او را به سبب فقر و تنگدستیش حقیر شمارد، خداوند او را در روز قیامت انگشت نما و رسوا خواهد کرد.»^۲

امام رضا (ع) فرمود:

«هر که فقیر مسلمانی را ملاقات کند، و بر او نه بدان گونه که بر غنی سلام می‌کند، سلام کند خداوند او را در روز قیامت در حالی که بر او خشمگین است، ملاقات می‌کند.»^۳

امام رضا (ع) فرمود:

«کسی که ثروتمند است پیوسته خطر او را تهدید می‌کند.

و حقوق خدا بر او واجب است.

سوگند به خداوند، باری تعالی نعمتهایی به من داده، پیوسته از جانب

آنها بیمناکم تا وقتی حقوقی را که خدا واجب کرده، خارج کنم.»

راوی پرسید: «فدایت شوم ای امام. شما با این مقام معنوی که دارید

باز می‌ترسید؟!»

۱- مکاسب، شیخ مرتضیٰ انصاری، ص ۵۶.

۲- عیون اخبار الرضا (ع)، جلد ۲، ص ۳۳.

۳- وسائل الشیعه، جلد ۵، ص ۴۴۲. سفینه البحار، جلد ۷، ص ۱۳۳.

حضرت در پاسخ فرمود: «آری! خدا را ستایش می‌کنم بر این احساس مسئولیتی که به من ارزانی داشته است.»^۱

۲۷- همزیستی مسالمت‌آمیز از طریق استحکام پیوندهای

عاطفی، و مبارزه جدی با موجبات تشّت و پراکندگی

امام رضا (ع) خطاب به «عبدالعظیم حسنی» فرمود:

«ای عبدالعظیم! سلام مرا به دوستانم برسان و به آنان بگو که شیطان را بر خود مسلط نسازند. همچنین ایشان را به «راستگویی در گفتار»، «امانتداری»، «سکوت»، «ترك جدال و مشاجره در امور غیرمهم»، و «روی آوردن و ملاقات و زیارت یکدیگر» امر نما که رعایت این امور موجب تقرّب جستن به سوی ماست.

مبادا که پیروانم به «پرده‌داری»، و «هتك حرمت یکدیگر» سرگرم شوند. زیرا من با خویشان پیمان بسته‌ام که هر کس مرتکب این گونه کارها شود، و یا یکی از دوستانم را به خشم آورد، از خدا بخواهم تا او را به شدیدترین عذاب دنیوی مجازات نماید، و در آخرت از زیان کاران باشد.

پیروانم را آگاه ساز که خداوند افراد نیکوکار را مورد آمرزش قرار می‌دهد، و از خطای بدکارانشان می‌گذرد مگر کسانی که مشرک باشند، و یا دوستی از دوستانم را آزار رسانند و یا نسبت به هر کدام از آنها نیت سویی در دل پنهان کرده باشند. همانا خداوند این چنین کسان را نمی‌بخشد، مگر آن که هر کدام از این افراد از مسیر انحرافی خود برگردد، هرگاه از این مسیر برگشت مشمول غفران الهی قرار می‌گیرد. ولی اگر به همان حال باقی بماند، روح ایمان از دلش رخت برمی‌بندد،

و از ولایت من بیرون می‌رود و از پرتو ولایت ما بهره‌ای نبرد. من به خداوند از این لغزشها پناه می‌برم.^۱

۲۸- صبر کردن در برابر آزار و تکذیب و سایر محنتها

«حسن بن شاذان واسطی» گوید:

به امام رضا (ع) نامه‌ای نوشتم و در آن نامه از جفای اهالی «واسط» گلایه و شکایت کردم. و چون در این شهر گروهی از عثمانیها بودند که مرا اذیت می‌کردند، آن حضرت به خط مبارک خود چنین نوشت:

«خداوند تبارک و تعالی از دوستان ما پیمان گرفته بر صبر کردن در دولت باطل. پس به حکم پروردگارت صبر کن که هرگاه سرور خلق به پا خیزد، خواهند گفت:

«ای وای بر ما، چه کسی ما را از آرامگاهمان برانگیخت این است همان وعده‌ خدای رحمان، و پیامبران راست می‌گفتند.»^۲ [یس (۳۶) آیه ۵۲]

اقسام صبر در زمان غیبت

- ۱- صبر در برابر طولانی شدن غیبت،
- ۲- صبر در برابر آنچه بر اهل ایمان می‌رسد، همچون اذیت و آزار از جانب مخالفان و مسخره کردن و تکذیب مؤمنین،
- ۳- صبر بر انواع آزمایشهای الهی،^۳
- ۴- صبر در برابر چاره‌سازی برای نجات مظلومین از چنگال ستمگران،

۱- الاختصاص، «مفید»، جلد ۱، ص ۲۴۷.

۲- روضه کافی، ص ۲۴۷، حدیث «۳۴۶». سفینه البحار، جلد ۲، ص ۶.

۳- خداوند در سوره بقره (۲) آیه ۱۵۵، موارد آزمایشهای خود را این‌گونه بیان فرموده

۵- صبر در برابر پیکار با دشمن

«سعدبن سعد» گوید: «از امام رضا (ع) پرسیدم:»

«جدّ بزرگوارت به چه منظور فرمود:

«هزاران زخم شمشیر گواراتر از مرگ در بستر است؟»

حضرت در پاسخ فرمود:

«منظور امیرالمؤمنین پیکار در راه خداست.»^۱

۲۹- سفارش یکدیگر به صبر در زمان غیبت حضرت قائم

«محمدبن الفضیل» از حضرت رضا (ع) روایت می‌کند که گفت از آن

حضرت درباره «انتظار فرج» سؤال کردم.

حضرت فرمود: «(مگر) نمی‌دانی که انتظار فرج، خود فرج و گشایش

است.»

آن‌گاه فرمود:

خداوند عزّ و جلّ می‌فرماید:

«و انتظار برید که من [هم] با شما منتظرم.»^۲ [هود (۱۱) آیه ۹۳]

۳۰- شناخت و نشر فرهنگ غنی اسلام از طریق آشنایی با سنت

و سیره ائمه

امام رضا (ع) فرمود: «خداوند رحمت کند کسی که امر ما (مکتب اهل

→

است: «قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی، و کاهشی در اموال و جانها و محصولات

می‌آزماییم، و مزده ده شکیبایان را.»

۱- گزیده کافی، جلد ۴، ص ۲۳۱.

۲- بحار الانوار، جلد ۵۲، ص ۱۲۸، حدیث ۱۲، تفسیر المیزان، جلد ۱۰، ص ۳۹۳ و

بیت و تشیع) را زنده کند. «سؤال شد: «امر شما چگونه احیا می شود؟»
حضرت فرمود: «معارف و علوم و فرهنگ ما را یاد بگیرند، و آن را به
دیگران بیاموزند. زیرا اگر مردم خوبیها و محاسن کلام ما را بشنوند، و
بشناسند از ما خاندان رسالت پیروی خواهند کرد.»^۱
امام رضا (ع) فرمود:

«روز قیامت به «عابد» گفته می شود:

«نیکو بنده ای بوده ای، همّت جان و نفس خودت بوده که آن را به
نجات رسانی و زحمتت را از مردم برگرفتی. پس به بهشت داخل شو.
ولی به «فقیه» گفته می شود:

ای کسی که یتیمان آل محمد (ص) را سرپرستی کرده،

و دوستان و زیردستان او را هدایت نموده ای،

بایست تا برای هر کسی که از تو درس گرفته، یا علمی آموخته شفاعت
کنی. آن گاه او می ایستد تا داخل بهشت می شود. در حالی که با او
گروهی و گروهی و... (تا ده گروه را حضرت شمرد) خواهند بود.
آن گروهها کسانی هستند که از او تعلیم گرفته اند. و از کسی که از وی
آموخته، درس گرفته اند، تا روز قیامت.

بنگرید بین این دو منزلت (عابد و عالم) چقدر تفاوت است.»^۲

صاحب دلی به مدرسه آمد ز خانقاه

بشکست عهدِ صحبتِ اهل طریق را

گفتم میان عالم و عابد چه فرق بود؟

تا اختیار کردی از آن این فریق را

۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۸، ص ۶۵.

۲- احتجاج، جلد ۱، ص ۱۴.

گفت آن گلیم خویش به در می برد ز موج

وین سعی می کند که بگیرد غریق را

«سعدی»

۳۱- تکریم دودمان و منتسبین به پیامبر (ص)، [سلسله جلیله

سادات وارسته و متقی]

امام رضا (ع) فرموده است:

«نظر کردن به فرزندان ما عبادت است.»

سؤال شد: ای فرزند رسول خدا!

«نگاه کردن به پیشوایان از دودمان شما عبادت است یا نظر کردن به

همه فرزندان پیامبر اکرم (ص)؟»

حضرت فرمود:

«بلکه نگرستن به همه فرزندان پیامبر (ص) عبادت است تا وقتی از

راه و روش رسول اکرم (ص) جدا نشوند، و به گناه آلوده

نگردند.»^۱

۳۲- تقاضای فرجام نیک از خداوند

امام رضا (ع) فرموده است: امام موسی بن جعفر (ع) روایت کرده که

امام صادق (ع) طی نامه ای به کسی مرقوم فرمود:

«اگر می خواهی سرانجامت به خیر باشد، و عملت به خوبی انجام

پذیرد، تا آن هنگام که مرگت فرارسد (در حالی که تو در بهترین

حالات بدرود حیات گویی) باید:

۱- بحار الأنوار، جلد ۹۳، ص ۲۱۸، عیون اخبار الرضا (ع)، جلد ۲، ص ۵۱.

اولاً: حقّ خدا را بزرگ بداری.^۱ زینهار که نعمتهای خدا را صرف گناه و نافرمانی وی کنی. و زینهار که حلم خداوند تو را مغرور کند.
ثانیاً: هر کس را یافتی که از ما خاندان یاد می کند، گرامی دار. همچنین هر کسی که ادّعای دوستی ما را می نماید، محترم دار، در این صورت مسؤولیتی متوجه تو نیست. چه او راست بگوید، چه دروغ.
جز این نیست که تو از نیتت ثواب بری، و او جزای دروغ خود را یابد.^۲

۳۳- وقت ظهور را تعیین نکردن و تکذیب وقت گذاران

امام رضا (ع) فرمود:

«سوگند به خدا، آنچه انتظار می کشید، و گردنهایتان را به سوی آن دراز می کنید، واقع نمی شود مگر بعد از آن که امتحان [و پاکسازی] شوید، و از شما چیزی جز اندک اندک باقی نماند.»^۳

۱- در آیین مقدّس اسلام برای بزرگداشت حقّ باری تعالی، نشانه هایی ذکر شده است. در روایتی از امام صادق (ع) روایت شده که رسول اکرم (ص) فرمود: «هر که خدا را شناخت و بزرگ داشت، زبانش را از سخن بیهوده نگهدارد، شکمش را از پر خوری باز دارد، نفس خود را با روزه و شب زنده داری تزکیه نماید.» (اصول کافی، باب مؤمن و صفات او، حدیث ۲۵).

همچنین سخن گفتن از روی علم و بصیرت و لب فرو بستن از آنچه آدمی نمی داند، یکی از حقوق خداوند بر بندگان یاد شده است. «زرارة بن اعین» می گوید: از امام باقر (ع) سؤال کردم: «حقّ خدا بر بندگان چیست؟» حضرت در پاسخ فرمود: «آن را که می دانند بگویند، و هر چه نمی دانند لب فرو بندند و توقف نمایند.» (سفینه البحار، «علم» میزان الحکمه، جلد ۵، ص ۱۴)

۲- عیون اخبار الرضا، باب ۳۰، حدیث ۸، سفینه البحار، «ختم» بحار الانوار، جلد ۷۱،

ص ۳۰۳.

۳- غیبت «نعمانی»، محمد بن ابراهیم نعمانی، ص ۱۱۱، کافی، جلد ۱، ص ۳۷۰،

الزام التائب، ص ۲۷.

هیچ کس نمی‌تواند برای وقت ظهور امام عصر، زمان دقیقی را مشخص کند. ولی می‌توان از روی نشانه‌هایی نزدیک شدن این انقلاب جهانی را پیش‌بینی نمود. این نشانه‌ها بر دو قسم است:

۱- نشانه‌هایی که کم و بیش در هر نهضتی به تناسب ابعاد آن قابل پیش‌بینی است.

۲- جزئیاتی که به وسیله معلومات عادی و محدود نمی‌توان به آنها پی برد و بیشتر شکل یک پیشگویی اعجاز‌آمیز را دارد که پیشوایان معصوم به برخی از این پیشگوییهای معجزه‌آسا اشاره فرموده‌اند.^۱

۳۴- و پرهیز از موجبات عقوبت پیشوایان دین

همان‌گونه که خداوند در قرآن لذت عیش و بهره‌مندی از مواهب زندگی را در گرو نیکی و خدمت به والدین قرار داده، و مسلمانان را به دعا نمودن در حق ایشان و نیکی گفتار با ایشان توصیه فرموده است، حق والدین حقیقی بسی والاتر و مهمتر از والدین ظاهری است.

طبق فرمایشی که از امام رضا (ع) رسیده، والدین حقیقی امام است که مردم به اطاعت و پیروی از او امر شده‌اند.

امام رضا (ع) فرموده است:

«امام، همدم و رفیق و پدر مهربان است.»^۲

همچنین آن بزرگوار خطاب به اصحابش فرمود:

«آیا اگر پدر و مادر نسبی شما، شما را از خود برانند،

(شما را از خود نفی کنند و گویند این فرزند ما نیست)، ناراحت

۱- به کتاب بحار الأنوار، جلد ۵۲ از ص ۲۵۶ تا ص ۲۶۰ مراجعه شود.

۲- اصول کافی، جلد ۱، ص ۲۰۰.

نمی‌شوید؟!»

پاسخ دادند: «آری! همه کس ناراحت می‌شود.»

حضرت فرمود:

«پس بکشید که از دو پدر روحانی و حقیقی خود،

رسول اکرم (ص) و حضرت علی (ع) که از پدر و مادر ظاهریتان

برترند، رانده نشوید.» (و آنها شما را از خود نفی ننمایند).^۱

امام رضا (ع) به «حسن و شَاء» در تفسیر آیه «ای نوح، او (پسرت) از

اهل تو نیست.» [سوره هود، آیه ۴۶]

فرمود:

«او به راستی پسر نوح بود، ولی چون خدای عزّ و جل را معصیت کرد،

و از جاده فرمان خدا قدام بیرون گذاشت، خدایش از وابستگی پدرش،

نفی کرد. همچنین هر که از شیعیان ما فرمانبردار خدا نباشد، با ما پیوند

معنوی و روحانی ندارد. و تو مادامی که فرمانپذیر خدا باشی در زمره

پیروان ما اهل بیت رسالت خواهی بود.»^۲

امام رضا (ع) فرمود:

حضرت نوح به پیشگاه الهی عرض کرد:

«پروردگارا پسر من از کسان من است، و قطعاً وعده تو راست است و

تو بهترین داورانی.»

خدای عزّ و جل فرمود:

«ای نوح او در حقیقت از کسان تو نیست. او [دارای] کرداری ناشایسته

است» هود (۱۱) آیه ۴۵ و ۴۶.^۳

۱- بحار الأنوار، جلد ۲۳، ص ۲۶۰.

۲- سفینه البحار، جلد ۲، ص ۹۸.

۳- بحار الأنوار، جلد ۱۱، ص ۳۲۱.

امام رضا (ع) فرمود:

«هر کس پیوستن به رحم و خویشاوندان پدران دینی خود محمد و علی (صلوات خدا بر هر دو باد) را بر پیوستن بر خویشان و رحم پدران نسبی خویش برگزیند، و مقدم دارد خداوند روز قیامت او را در مقابل دیدگان گواهی دهندگان برگزیند، و به خلعت کرامتش او را مشهور گرداند، و نیز وی را به کرامت خود بر سایر بندگان شرافت و برتری می دهد، مگر بندگان که در فضل و یا فضایل با وی مساوی و برابر باشند.»^۱

به حضرت رضا (ع) گفته شد: «آیا خبر ندهیم به شما که در نزد ما خسارت کننده عقب مانده کیست؟»

فرمود: «چه کسی است؟»

گفتند: «فلانی دینارهای خود را در برابر درهمهایی که گرفته، فروخته است، پس ثروت او از ده هزار دینار به ده هزار درهم برگشته است.»

حضرت رضا (ع) فرمود: «يك بدره زر را اگر کسی به هزار درهم تقلبی بفروشد، آیا عقب مانده تر و زیانکارتر از او نیست؟»

گفتند: «آری»

حضرت فرمود: «به شما خبر دهم چه کسی از این هم زیان دیده تر است؟»

عرض کردند: «آری»

فرمود: «اگر کسی هزار کوه طلا داشته باشد، آنها را به هزار نخود طلای تقلبی بفروشند، آیا عقب مانده تر و زیان دیده تر از او نیست؟»

گفتند: «آری»

فرمود: «آیا آگاهتان نسازم که از او وامانده‌تر و زیان‌دیده‌تر کیست؟»
گفتند: «آری»

فرمود: «آن که در نیکی و احسان خویشان، پدر و مادر نسبی خود را بر خویشان پدر و مادر دینی‌اش [حضرت رسول (ص) و حضرت علی (ع)] ترجیح دهد. زیرا که ارزش و فضیلت خویشاوندان دینی‌اش بر خویشان نسبی‌اش از فضل و ارزش هزار کوه طلا بر هزار نخود قلبی برتر است.»^۱

۳۵- کناره‌گیری از اهل دنیا و ترك معاشرت با آنها مگر به قدر ضرورت

شیعه واقعی، در زمان غیبت ولی عصر، برای حفظ سرمایه گرانقدر ایمان، باید از معاشرت با مردم که همنشینی با آنان سبب تضعیف عقیده می‌شود، پرهیزد. زیرا بنا به فرمایش سرور آزادگان امام حسین (ع) معمولاً «مردم بندگان دنیا هستند و به دین زبان زده‌اند، تا وقتی که زندگی آنان بر وفق مرادشان است گرد دین می‌گردند، ولی هر گاه به بلا و امتحان مبتلا شوند، عدد افراد باایمان کم و ناچیز خواهد شد.»^۲

همچنین اساس و سلاح ضبط نفس شیعه در زمان غیبت، سکوت و ملازمت با خاموشی است.

هر که با آن همراه باشد، و از آن جدا نشود، از لغزش و ملامت در امان است. منظور از سکوت و خاموشی، «تقیه»، «حفظ زبان از اطاله کلام» و «زیاده‌روی در تکلم» است. نه سکوتی که سبب تباه شدن

۱- تفسیر امام حسن عسکری (ع)، ص ۱۱۳.

۲- نفس المهموم، ص ۲۰۹.

حَقّ، و یا تشویق ستمگر در ادامه ظلم شود.

امام رضا (ع) فرموده است:

«زمانی بر مردم فرامی‌رسد که سلامت ماندن در آن دوره، ده جزء دارد، که نه جزء آن در جدایی از مردم، و يك جزء آن در سکوت است.»^۱

۳۶- حفظ زبان از غیر یاد خداوند و مانند آن

امام رضا (ع) فرموده است: «از نشانه‌های انسانهای فهمیده و باکمال داشتن سه خصلت است: بردباری، دانش، سکوت، بدون تردید خاموشی یکی از درهای حکمت است. خاموشی محبت دیگران را جلب می‌کند، به درستی که آن راهنمای هرگونه خیر و سعادت است.»^۲

«دانش»، «بردباری»، و «خاموشی» چراغهایی هستند که در تاریکیهای زندگی، آدمی را راهنمایی کرده، از راههای پرپیچ و خم آن که در هر مرحله اش خوف و خطرهایی نهفته است، عبور داده، به سر منزل شرافت و افتخار می‌رسانند. هر که دارای سه فضیلت مذکور باشد، اندیشمند واقعی است. زیرا علاوه بر این که علم به منزله نوری اعماق درونش را روشن می‌کند، بردبار^۳ و با وجود تحصیل قدرت بر سخن گفتن بسیار خاموش است.

۱- مسند الإمام الرضا، جلد ۱، ص ۲۸۴.

۲- اصول کافی، جلد ۲، ص ۱۱۳، باب «الصمت»، حدیث ۱.

وسائل الشیعه «کتاب العشرة»، جلد ۸، ص ۵۳۲، باب ۱۱۷، حدیث ۲.

۳- یا تو گویم که چیست غایت حلم؟ هر که زهرت دهد شکر بخشش

کم مباش از درخت سایه فکن هر که سنگت زند ثمر بخشش

۳۷- مداومت بر ذکر و یاد خدا، برای نجات از فتنه‌های

آخر الزمان و سالم ماندن از دامهای شیطان

از حضرت رضا (ع) روایت شده که پیامبر اکرم (ص) فرمود:

«شیطان پیوسته از مؤمن خائف و هراسان است مادامی که او نمازهای پنجگانه خود را به موقع و با شرایط انجام دهد. پس هر گاه آنها را ضایع نماید، شیطان بر وی غالب می‌شود، و او را وارد گناهان بزرگ می‌نماید.»^۱

بدون تردید هر کس خود را پای‌بند نماز نداند، از یاد خدا و توجه به انجام وظایف فردی و اجتماعی و سعی و کوشش در تهذیب نفس بازمی‌ماند و این عامل سبب می‌شود که بتدریج صفات و اعمال زشت در روح او آشیانه کند، و وی را به سوی گناهان بزرگ کشاند.

مسلم است هر گاه نماز با آداب و شرایط آن به جا آورده شود، نماز گزار را به رعایت تعهدات و مسؤولیتهای فردی و اجتماعی ملزم کرده، و او را به رستگاری می‌رساند.

۳۸- توسل و طلب شفاعت از خداوند توسط آن حضرت

«توسل»، در اصل به معنی تقرّب جستن، و یا چیزی که باعث تقرّب به دیگری از روی علاقه و رغبت می‌شود، می‌باشد. و در حقیقت معنای وسیعی دارد، زیرا هر کار و هر چیزی را که سبب نزدیک شدن به پیشگاه مقدّس پروردگار می‌شود، شامل می‌گردد.^۲

۱- وسائل الشیعه، جلد ۳، ص ۸۱.

۲- به نهج البلاغه خطبه ۱۱۰ مراجعه شود.

حقیقت تو سَلَّ به پروردگار عالم، مراعات راه و روش خدا، با علم و عمل «عبادت» و دنبال کردن دستورهای پسندیده شرع (جهت کسب مکارم اخلاق) است.^۱

در پاره‌ای از روایات وسیله بر ائمه اطهار تطبیق شده است و آنان «وسیله و راهی برای رسیدن به لطف پروردگار» نامیده شده‌اند.

امام رضا (ع) در حدیثی فرمود:

«امامان از فرزندان امام حسین (ع) هستند.

هر کس آنان را اطاعت کند، خداوند را اطاعت نموده، و هر کس از آنان نافرمانی نماید، خدا را نافرمانی کرده است. آنها دستگیره‌های محکم الهی هستند، و وسیله‌ای به سوی خداوند.»^۲

همچنین امام رضا (ع) فرمود:

«هرگاه سختی و گرفتاری بر شما وارد شود، به وسیله ما از خدای عز و جل کمک بخواهید.» و این است معنی فرموده خدای عز و جل:

«و نامهای نیکو به خدا اختصاص دارد، پس او را با آنها بخوانید.»
[اعراف (۷) آیه ۱۸۰]^۳

۳۹- دعا برای تعجیل ظهور صاحب الزمان (عج)

امام رضا (ع) به «دعبل» فرمود:

«آفرین به یاری کننده ما با دست و زبانش»^۴

۱- مفردات «راغب اصفهانی»، ص ۵۲۴.

۲- عبون اخبار الرضا (ع)، بحار الانوار، جلد ۲۵ «امامت».

۳- بحار الانوار، جلد ۹۴، ص ۲۲. حدیث ۱۷.

۴- بحار الانوار، جلد ۴۵، ص ۲۵۷.

دعا برای تعجیل ظهور امام زمان (عج) یکی از مصادیق و اقسام یاری کردن حضرت محسوب می‌شود.

۴۰- در مظان اجابت دعا به آن بزرگوار

الف- مظان استجاب دعا به حسب زمان

از حضرت رضا (ع) روایت شده است که پیغمبر (ص) فرمود:
 «بدون تردید روز جمعه سید ایام است. خداوند در آن روز حسنات را دو برابر می‌کند. گناهان را می‌آمرزد. درجه‌ها را بالا می‌برد. دعاها را مستجاب می‌کند. اندوهها را برطرف می‌نماید. حاجات بزرگ را رومی‌سازد. آن روز زیادتی رحمت است. خداوند در آن روز، افرادی را از عذاب آتش آزاد و رها می‌نماید. هر که حق و حرمت چنین روزی را ادا کند، خدای تعالی بر خود حتم و لازم داشته است که او را از آتش جهنم آزاد کند. و اگر (چنین کسی) در آن روز یا آن شب بمیرد، شهید مرده است، و در هنگام محشور شدن در امان است. و هر که حرمت این روز را کوچک شمارد، و حق آن را ضایع نماید بر خداوند سزاوار است او را در جهنم جای دهد مگر آن که توبه کند.»^۱

امام رضا (ع) در روز جمعه که روز لقای محبوبش بوده است، در قنوت نماز این چنین دعا می‌کرده است:

«اللَّهُمَّ أَصْلِحْ عَبْدَكَ وَ خَلِيفَتَكَ بِمَا أَصْلَحْتَ بِهِ أَنْبِيَاءَكَ وَ رُسُلَكَ وَ حَقَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ وَ آيِدُهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ وَ أَسْلِكُهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مَنْ خَلْفَهُ رَصْدًا يَحْفَظُونَهُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ أَبَدَلُهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا وَ لَا تَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ عَلَيَّ وَ لِيكَ سُلْطَانًا وَ أَدِّنْ لَهُ

فِي جِهَادِ عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^۱

«بارالها! کار ظهور بنده شایسته و خلیفه راستینت [امام مهدی (عج)] را اصلاح فرما، همان گونه که کار پیامبران و فرستادگانت را اصلاح نمودی و از سوی خویش با روح القدس او را یاری و پشتیبانی فرما و دیده‌بانانی از پیش رو، و پشت سر همراه وی گردان تا از هر گزندی نگاهش دارند، و ترس و هراس او را به امن و امان دگرگون ساز، که او تو را می‌پرستد، و هیچ چیز را همتا و مانند تو نمی‌داند. و برای هیچ‌یک از آفریدگانت برتری و چیرگی نسبت به ولی خود قرار مده، و او را در جهاد با دشمنت و دشمنش اجازه فرما. و مرا از یاوران او قرار ده که همانا تو بر هر کاری توانایی.»

ب - مظان استجابات دعا به حسب مکان

در روایتی می‌خوانیم: دعا کردن برای حضرت ولی عصر [عج] در حرم امام رضا (ع) سفارش شده است. در روایت چنین آمده است: بعد از نماز برای هر یک از پیشوایان معصوم دعای زیر خوانده شود:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ وَوَلِيِّكَ وَالْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ، صَلَوةً نَامِيَةً، بَاقِيَةً، تُعَجِّلُ بِهَا فَرَجَهُ، وَتَنْصُرُهُ بِهَا...»^۲

«خداوندا! بر حجت و ولیت و قائم در آفرینشت درود بفرست. درودی روزافزون، و پایدار که به آن فرجش را زودتر برسانی، و به آن

۱- جمال الاسبوع «سیدبن طاووس» ص ۴۱۳.

۲- کامل الزیارات، باب ۷۹، ص ۲۳۸.

پیروزش گردانی.»

دعای مخصوص برای حفظ حضرت صاحب الامر (عج)

«یونس بن عبدالرحمن» از حضرت رضا (ع) نقل می کند که آن حضرت

دیگران را به دعا کردن برای حضرت صاحب الامر (عج) امر می فرمود:

و آن دعا این است:

اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنَّا وَكَلِيكَ وَخَلِيفَتِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَيَّ خَلْقَكَ وَ لِسَانِكَ الْمُعْبَّرَ
عَنْكَ بِأَذْنِكَ النَّاطِقِ بِحُكْمَتِكَ وَ عَيْنِكَ النَّاطِرَةِ عَلَيَّ بِرَيْتِكَ وَ شَاهِدِكَ عَلَيَّ
عِبَادِكَ الْجَحْجَاجِ الْمُجَاهِدِ الْعَائِدِ بِكَ عِنْدَكَ وَ أَعَدَّهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَ
بَرَأْتَ وَ أَنْشَأْتَ وَ صَوَّرْتَ وَ أَحْفَظُهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَن يَمِينِهِ وَ عَن
شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مَنْ تَحْتَهُ بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفَظْتَهُ بِهِ وَ أَحْفَظْ فِيهِ
رَسُولَكَ وَ آلَ رَسُولِكَ وَ آبَاءَهُ أَيْمَتَكَ وَ دَعَائِمَ دِينِكَ وَ اجْعَلْهُ فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا
تَضِيعُ وَ فِي جَوَارِكِ الَّذِي لَا يُحْقَرُ وَ فِي مَنَعِكَ وَ عَزِّكَ الَّذِي لَا يُقْهَرُ وَ آمَنَهُ
بِأَمَانِكَ الْوَثِيقِ الَّذِي لَا يُخَذَلُ مِنْ أَمْنَتِهِ بِهِ وَ اجْعَلْهُ فِي كَنَفِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ مَنْ كَانَ
فِيهِ وَ أَيْدُهُ وَ أَنْصُرُهُ بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ وَ أَيْدُهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ وَ قُوَّهُ بِقُوَّتِكَ وَ أَرْدِفْهُ
بِمَلَائِكَتِكَ وَ، وَ آلَ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادَ مَنْ عَادَاهُ وَ أَلْبَسْهُ دَرْعَكَ الْحَصِينَةَ وَ حَفِّهِ
بِالْمَلَائِكَةِ حَفَاً اللَّهُمَّ وَ بَلِّغْهُ أَفْضَلَ مَا بَلَغْتَ الْقَائِمِينَ بِقِسْطِكَ مِنْ أَتْبَاعِ النَّبِيِّينَ .
اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ وَ ارْتُقْ بِهِ الْفُتُقَ وَ أَمْتْ بِهِ الْجَوْرَ وَ أَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَ زَيِّنْ
بَطُولَ بَقَائِهِ الْأَرْضَ وَ أَيْدُهُ بِالنَّصْرِ وَ أَنْصُرْهُ بِالرُّعْبِ وَ قُوِّ نَاصِرِيهِ وَ اخْذُلْ خَاذِلِيهِ
وَ دَمِّدْ عَلَيَّ مَنْ نَصَبَ لَهُ وَ دَمَّرْ مَنْ غَشَّهُ وَ اقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَ عَمَدَهُ وَ
دَعَائِمَهُ، وَ اقْصِمْ بِهِ رُؤْسَ الضَّلَالَةِ وَ شَارِعَةَ الْبِدْعِ وَ مُمَيَّتَةَ السُّنَّةِ، وَ مَقْوِيَةَ

الْبَاطِلِ، وَ ذَلَّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ وَ أَبْرُ بِهِ الْكَافِرِينَ وَ جَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ فِي مَشَارِقِ
الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دِيَاراً وَ لَا
تُبْقَى لَهُمْ آثَاراً، اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ وَ اشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ وَ اعِزَّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ وَ
اَحْيِ بِهِ سُنَنَ الْمُرْسَلِينَ وَ دَارِسَ حِكْمَةِ النَّبِيِّينَ وَ جَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ وَ
بَدِّلْ مِنْ حُكْمِكَ حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ وَ عَلَى يَدَيْهِ جَدِيداً غَضّاً مَحْضاً صَاحِحاً لَا
عَوَجَ فِيهِ وَ لَا بَدْعَةَ مَعَهُ وَ حَتَّى تُنِيرَ بَعْدَهُ ظُلْمَ الْجَوْرِ وَ تُطْفِئَ بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ وَ
تُوضِّحَ بِهِ مَعَاقِدَ الْحَقِّ وَ مَجْهُولَ الْعَدْلِ فَانَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَ
اصْطَفَيْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ وَ اَثَمْتَهُ عَلَى غَيْبِكَ وَ عَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ بَرَّاتَهُ مِنَ
الْعُيُوبِ وَ طَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ وَ سَلَّمْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ اَللّٰهُمَّ فَاِنَّا نَشْهَدُ لَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
وَ يَوْمَ حُلُولِ الطَّامَةِ اَنَّهُ لَمْ يَذَنْبْ ذَنْباً وَ لَا اَتَى حُوباً وَ لَمْ يَرْتَكِبْ مَعْصِيَةً وَ لَمْ
يُضَيِّعْ لَكَ طَاعَةً وَ لَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً وَ لَمْ يَبْدُلْ لَكَ فَرِيضَةً وَ لَمْ يُغَيِّرْ لَكَ
شَرِيْعَةً وَ اَنَّهُ الْهَادِي الْمَهْدِي الطَّاهِرُ التَّقِيُّ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ اَللّٰهُمَّ اَعْطِهِ فِي
نَفْسِهِ وَ اَهْلِهِ وَ وَاكِدِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ اُمَّتِهِ وَ جَمِيعِ رَعِيَّتِهِ مَا تُقْرَبُ بِهِ عَيْنُهُ وَ تَسْرِبُ بِهِ نَفْسُهُ وَ
تَجْمَعُ لَهُ مُلْكَ الْمَمْلَكَاتِ كُلِّهَا قَرِيْبَهَا وَ بَعِيْدَهَا وَ عَزِيْزَهَا وَ ذَلِيْلَهَا حَتَّى تُجْرِيَ
حُكْمَهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ وَ يَغْلِبَ بِحَقِّهِ [عَلَى] كُلِّ بَاطِلٍ، اَللّٰهُمَّ اسْئَلُكَ بِنَا عَلَى
يَدَيْهِ مِنْهَاجِ الْهُدَى وَ الْمَحَجَّةِ الْعُظْمَى وَ الطَّرِيْقَةِ الْوَسْطَى الَّتِي يَرْجِعُ اِلَيْهَا
الْغَالِي وَ يَلْحَقُ بِهَا التَّالِي وَ قَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ، وَ بُتْنَا عَلَى مُشَايَعَتِهِ، وَ اَمْنُنْ
عَلَيْنَا بِمُتَابَعَتِهِ، وَ اجْعَلْنَا فِي حَزْبِهِ الْقَوَّامِينَ بِاَمْرِهِ الصَّابِرِينَ مَعَهُ الطَّالِبِينَ رِضَاكَ
بِمُنَاصَحَتِهِ حَتَّى تَحْشُرْنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي اَنْصَارِهِ وَ اَعْوَانِهِ وَ مَقْوِيَةِ سُلْطَانِهِ اَللّٰهُمَّ وَ
اجْعَلْ ذَلِكَ لَنَا خَالِصاً مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَ شُبْهَةٍ وَ رِيَاءٍ وَ سُمْعَةٍ حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهِ
غَيْرَكَ وَ لَا نَطْلُبَ بِهِ اِلَّا وَجْهَكَ وَ حَتَّى تُحِلَّنَا مَحَلَّهُ وَ تَجْعَلَّنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ وَ

أَعِزَّنَا مِنَ السَّامَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفِتْرَةِ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لَدِينِكَ وَتُعِزُّ بِهِ نَصْرًا
 وَكَيِّكَ وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِنَا غَيْرَنَا فَإِنَّ اسْتِبْدَالَكَ بِنَا غَيْرَنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ وَهُوَ عَلَيْنَا عَسِيرٌ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وُلَاةِ عَهْدِهِ وَالْأئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ وَبَلِّغْهُمْ أَمَالَهُمْ وَزِدْ فِي أَجَالِهِمْ وَ
 أَعِزَّنَا نَصْرَهُمْ وَتَمِّمْ لَهُمْ مَا أَسْنَدْتَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِكَ لَهُمْ، وَثَبَّتْ دَعَائِمَهُمْ وَ
 اجْعَلْنَا لَهُمْ أَعْوَانًا وَعَلَى دِينِكَ أَنْصَارًا، فَإِنَّهُمْ مَعَادُنُ كَلِمَاتِكَ وَخِزَانُ عِلْمِكَ وَ
 أَرْكَانُ تَوْحِيدِكَ وَدَعَائِمُ دِينِكَ وَوُلَاةُ أَمْرِكَ وَخَالِصَتُكَ مِنْ عِبَادِكَ وَصَفْوَتُكَ
 مِنْ خَلْقِكَ وَأَوْلِيَاؤُكَ وَسَلَائِلُ أَوْلِيَائِكَ وَصَفْوَةُ أَوْلَادِ نَبِيِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَ
 عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. ۱

خداوند! هر گونه بلا را از ساحت ولی و خلیفه و حجت بر
 مخلوقات دور گردان. زبانت که به اذن تو از تو سخن می گوید، و به حکمت
 نطق کند، و دیده بینای تو بر آفریدگانت و گواه تو بر بندگانت، و بزرگترین
 مجاهدان پناه آورده به تو در محضرت می باشد، و او را در پناه خود از شر تمام
 آنچه آفریده ای و ایجاد کرده ای و انشاء و صورتگری نموده ای محفوظ بدار، و
 او را از پیش رو، پشت سر، سمت راست، سمت چپ، و از بالا و پایین [از
 تمام شرها] محفوظ بدار. حفظ کردنی که هر کس را آن طور محفوظ گردانی
 که از بین نمی رود، و در وجود مبارک او همه آثار پیامبرت و پدرانش. امامان
 منصوب از ناحیه تو و ستونهای دینت را حفظ فرما، و او را در گنجینه
 سپردهات قرار ده که هرگز گم نمی شود، و در جوار خویش جای ده که به
 هیچ وجه کوچک نمی گردد، و مورد حمایت و عزت قرار ده که مقهور
 نمی شود. و او را به امان استوار خویش ایمنی ببخش که هر کس را در آن
 جایگاه بسیاری خواری نخواهد یافت، و او را در پرتو حمایتت برگیر که

هر کس در آن مستقر شود رنجور و بیقرار نگردد، و او را تأیید و به نصرت توأم با عزت پیروز گردان و با سپاه چیره شونده‌ات پشتیبانی اش کن، و به نیروی خویش تقویتش فرمای و فرشتگانت را همراهش ساز و هر آن که او را دوست می‌دارد دوستش بدار و با هر کس که با وی دشمنی نماید دشمنی کن و زره استوارت را بر اندام آن جناب بپوشان و او را با فرشتگانت فراگیر فراگرفتنی (به طور همه‌جانبه او را دربر گیر)

بارخدا یا، او را به برترین جایگاهی که - به پا خاستگان به قسط از پیروان پیغمبرانت را در آن مستقر فرموده‌ای - نایل ساز. خداوند ا پراکنده‌گیها و پریشانیهای خلق را به وجود او جمع گردان و رخنه‌ها را به ظهور او مسدود و ترمیم گردان، و ستم را به دست باکفایت او بمیران، و عدالت را به او آشکار فرمای، و زمین را با طول اقامتش در آن، زینت ببخشی، و با پیروزی تأییدش کن، و به وسیله وحشت در دل دشمنان، پیروزش گردان، و یاری کنندگان او را تقویت کن و خوارکنندگانش را خوار ساز، و هر که را با او به دشمنی برخیزد هلاک گردان، و هر که با او به نیرنگ رفتار کند به نابودی رسان. و به تیغ او ستمگران اهل کفر و ستونها و ارکان آن را بر خاک هلاکت بیفکن و به قدرت او پیشوایان گمراهی، و بدعتگذاران و سنت‌زدایان و تقویت‌کنندگان باطل را درهم شکن، و به عظمت حکومت او جباران را خوار گردان و به ظهور او کافران و همه ملحدان را در خاورها و باخترهای زمین، خشکی و دریا، دشتهای و کوهها ریشه کن ساز تا دیگر هیچ فردی از آنها را وامگذاری و هیچ نشان و اثری از آنان بر جای نماند! دیار خویش را از لوث وجود آنان پاک گردان، و دلهای بندگان را از نابودیشان خرسند ساز، و به او مؤمنان را عزت ده، و به او سنتهای مرسلین و حکمت مندرس (کهنه شده) پیغمبران را زنده گردان و به وجود مبارك او آنچه از دینت محو گشته و آنچه را از احکامات تغییر یافته تجدید فرمای تا این که دینت را به وجود آن بزرگوار و بر دست او

نو و تازه و خالص، راست و بدون کجی کنی و از بدعت بازگردانی، و تا این که به عدالت او تاریکیهای ستم را روشن سازی و آتشیهای کفر را خاموش نمایی، و به وجود او مشکلات برپایی حق و مجهولات اجرایی عدل را آشکار سازی که بدرستی او بندهٔ توست که برای خویش برگزیده‌ای و بر بندگانت برتری داده‌ای و بر غیب خود امینش دانسته‌ای و از گناهان معصومش ساخته‌ای و از عیبها برکنارش داشته‌ای و از هرگونه آفت پلیدی، پاک و از آلودگی، سالم قرارش داده‌ای. بارخدایا پس، در روز قیامت و روز ورود حادثهٔ بزرگ محشر، برای او گواهی می‌دهیم که او هیچ گناهی نکرد، و هرگز به جرمی و گناهی مرتکب نشد، و طاعتی از طاعات تو را ضایع نساخت، و حرمتی از تو را هتک ننمود، و فریضه‌ای از تو را مبدل نکرد و برنامه‌ای از تو را تغییر نداد و البته که اوست هدایتگر هدایت شده، پاک با تقوای خالص، پسندیدهٔ زبده. خداوندا به آن حضرت در وجود خودش و خاندانش و فرزندان او و ذریه‌اش و امتش و تمام افراد تحت سرپرستی‌اش آنچه را که به آن دیده‌اش روشن شود، و دلش شادمان گردد، عطا فرما. و تسلط بر تمام ممالک دور و نزدیک و سخت و آسان را برایش فراهم ساز، تا حکم او بر هر حکمی برتری یابد و با حق خود بر هر باطلی چیره گردد. بارخدایا ما را به دست او در مسیر هدایت و راه گشاده و شیوهٔ میانه که تند رفته به سوی آن باز گردد و عقب مانده به آن برسد، رهنمون ساز و ما را بر فرمانبرداریش نیرومند و بر اطاعتش پایدار کن، و به تبعیت از او بر ما منت بگذار، و ما را در زمرهٔ حزب او قرار ده که به امرش به پا خیزند، در کنار او صبر کنند، و با خیرخواهی برای او خشنودیت را خواستار باشند، تا این که روز قیامت در شمار یاران و مددکاران و تحکیم کنندگان حکومتش محشورمان سازی. خداوندا، و آن را برای ما خالص از هرگونه شک و شبهه و ریا و شهرت طلبی قرار ده تا با آن جز بر تو اعتماد نکنیم و از آن جز رضای تو را طلب ننماییم، و تا آن که ما را به

محلّ او وارد فرمایی و در بهشت با او (در جوار حضرتش) قرارمان دهی، و ما را از خستگی و کسالت و سستی در پناه خود نگاه بدار، و ما را از کسانی قرار ده که به وسیله او دینت را یاری دهی، و برای پیروزی با عزّت ولیّ خویش خدمتگزارش گردانی، و غیر ما را به جای ما بر این کار مگذار که مبدل ساختن ما را به غیر ما بر تو آسان است ولی بر ما بسیار ناگوار، خداوندا درود فرست بر متولیان عهد او، و امامان پس از او، و آنان را به آرمانها و آرزوهایشان نایل گردان و بر عمرشان بیفزای و پیروزی با عزّت به آنان عنایت فرمای، و آنچه از امر دینت را بر عهده آنان قرار داده‌ای پایدار گردان، و پایه‌های حکومتشان را استوار ساز، و ما را از یاورهایی برای آنان و یارانی برای دینت قرار ده، که آنان به راستی کانونهای کلمات تو و ستونهای توحید تو و پایه‌های دین تو و متصدیان امر تو، و برگزیدگان از بندگانت و نخبه‌های از خلق تو هستند و دوستان تو و فرزندان محبّان خاص تو و برگزیدگان از اولاد پیغمبر تو اند. و سلام بر همگی آنان باد و رحمت و برکات خداوند شامل حال آنان باد.

نامهای مقدّس حضرت مهدی [عج] در قرآن و روایات دینی

امام دوازدهم (عج) همانام پیامبر اسلام، محمد (ص)، و هم‌کنیه آن حضرت ابوالقاسم است، و به نامهای زیر خوانده می‌شود:^۱

«بقیّت الله» ^۲	«حجّة الله»	«خاتم الائمه»
«مهدی»	«ولی الله»	«خلیفة الله»
«مهدی موعود»	«هادی»	«فرح المؤمنین»
«قائم موعود»	«غایب»	«فرح الاعظم»
«منتقم»	«خلف صالح»	«کلمة الحق»
«امام منتظر»	«حافظ دین الله»	«میزان الحق»
«امام غایب»	«صاحب العصر»	«احمد»
«صاحب الامر»	«خاتم الاوصیاء»	«عبدالله»
«صاحب الزمان»	«المنصور»	

۱- بحار الانوار، جلد ۵۲، ص ۳۹۱.

۲- هود (۱۱) آیه ۸۶. «آنچه را که از خداوند برای شما باقی ماند و ذخیره کرد، (از هر چیز

دیگر) بهتر است.» تطبیق «بقیّت الله» بر امام زمان (عج) از دو نظر ممکن است توجیه شود:

۱- بقای شخصی آن حضرت در طول مدّت غیبت تا وقت ظهور.

۲- بقای نوعی به لحاظ مقام نمایندگی و خلیفة اللهی که بر عموم پیشوایان اطلاق می‌شود.

نامهای مقدّس حضرت مهدی [عج]

در کتب مذهبی ملل مختلف جهان^۱

اسماء مقدّس حضرت	نام کتاب
صاحب	صحف ابراهیم
قائم	زبور داوود
قیدمو	تورات به لغت توکوم
ماشع	تورات عبری
مهمید آخر	انجیل
سروش ایزد	زمزم زردشت
بهرام	السیاق زند و پازند
بنده یزدان	در زند و پازند
لندبطاوا	هزارنامه هندیان
شماخیل	ارماطس
خوراند	جاویدان
خجسته	کندرال فرنگیان
فیروز	کتاب شعیای نبی

←

خسرو	کتاب محسوس
میزان الحق	کتاراتزی پیغمبر
پرویز	برزین آذرفارسیان
فردوس الاکبر	قبروس رومیان
کلمة الحق	صحیفه آسمانی
لسان صدق	صحیفه آسمانی
صمصام الاکبر	کندرال
بقیة الله	دوهر
قاطع	قنطره
منصور	دید براهم

فهرست روایاتی که مشخصات حضرت مهدی [عج] در آنها
وارد شده است*

۵۸	روایاتی که در آن ها نقل شده که امامان دوازده نفرند و اول آنها علی (ع) و آخر آنها مهدی (ع) است.
۶۵۷	روایاتی که از ظهور او بشارت می دهد.
۳۸۹	روایاتی که آن بزرگوار را از دودمان پیغمبر (ص) می داند.
۴۸	روایاتی که می گوید: اسم و کنیه او مانند پیغمبر (ص) است.
۲۱۴	روایاتی که آن بزرگوار را از فرزندان امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) می داند.
۱۹۲	روایاتی که آن بزرگوار را از فرزندان حضرت فاطمه (ع) می داند.
۱۸۵	روایاتی که آن بزرگوار را از فرزندان امام حسن (ع) می داند.
۱۴۸	روایاتی که آن بزرگوار را نهمین فرزند امام حسین (ع) می داند.
۱۸۵	روایاتی که آن بزرگوار را از فرزندان امام زین العابدین می داند.
۱۰۳	روایاتی که آن بزرگوار را از فرزندان امام باقر (ع) می داند.
۱۰۳	روایاتی که می گوید: او از فرزندان امام جعفر صادق (ع) است.

←

۱۰۱	روایاتی که می گوید: او از فرزندان امام موسی کاظم (ع) است.
۹۵	روایاتی که می گوید: او چهارمین فرزند امام رضا (ع) است.
۹۰	روایاتی که می گوید: او سومین فرزند امام جواد (ع) است.
۹۰	روایاتی که می گوید: او از فرزندان امام هادی (ع) است.
۱۴۶	روایاتی که می گوید: او فرزند امام حسن عسکری (ع) است.
۱۴۷	روایاتی که اجداد امام حسن عسکری (ع) را بیان کرده است.
۱۳۲	روایاتی که می گوید: او جهان را از عدالت پر می کند.
۹۱	روایاتی که می گوید: غیبت او طولانی است.
۳۱۸	روایاتی که می گوید: عمر او طولانی است.
۴۷	روایاتی که می گوید: دین اسلام بوسیله او جهانی می شود.
۱۳۶	روایاتی که می گوید: او امام دوازدهم و آخرین پیشواست.
۲۱۴	روایاتی که حاکی از ولادت او می باشد.